



پژوهشگاه جنبش معلمان

بخش اسناد

**مجموعه شماره‌های نشریه معلم**  
**نشریه کانون مستقل معلمان تهران**

اسفندماه ۱۴۰۳

# نشریه معلم

شماره چهارده و شانزده

(خرداد و مرداد ۱۳۵۹)

(نشریه کانون مستقل معلمان تهران)

تاریخ انتشار:

خرداد و مرداد ۱۳۵۹

# معلم

کانون  
مستقل  
معلمان  
تهران



شماره  
۱۴،  
سال دوم  
بها ۲۵ ریال

پانزدهم خرداد تجلی قیام پر شکوه خلق علیه امپریالیسم



ویورش ارتش ضد خلقی به مردم بی دفاع

پژوهشگر  
جنبش معلمان

## فهرست

|    |                                                                |
|----|----------------------------------------------------------------|
| ۱  | "سرمقاله"                                                      |
| ۳  | قطعات مه میتینگ کانون مستقل معلمان تهران                       |
| ۴  | "انقلاب فرهنگی" علیه فرهنگ انقلابی!!                           |
| ۶  | بیانیه مشترک کانونهای دموکراتیک درباره هجوم به چاپخانه‌ها و... |
| ۸  | گزیده‌ای از نشریات                                             |
| ۱۰ | "۱۵ خرداد یادآور مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها"               |
| ۱۲ | معلم شهید - علی اصغر بدیع زادگان                               |
| ۱۳ | معرفی کتاب                                                     |
| ۱۵ | بررسی کتاب اقتصاد سال چهارم                                    |
| ۲۰ | تداوم 'نعر'                                                    |
| ۲۱ | مقاله‌ای از دانش‌آموزان                                        |
| ۲۲ | "آیا قراردادهای بیمه درمانی پاسخگوی نیازهای معلمان می‌باشد؟"   |
| ۲۵ | گزارشی از میتینگ اعتراضی کانون مستقل معلمان تهران              |
| ۳۰ | پیام کانون مستقل معلمان تهران "بمناسبت شروع تعطیلات تابستانی"  |
| ۳۳ | اخباری از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها                      |



## سرمفاله...

دومین سال تحصیلی پس از قیام در اکثر نقاط میهنمان پایان رسید، سالی که در قلمرو آموزش و پرورش، نه شاهد تحولات اساسی و مترقیانه در جهت محور هتک استعماری و پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی، بلکه شاهد مبارزه‌ای پیگیر بین چپ و آگاهی، بین نیروهای جوان و پویای دانش آموزان و به همراه آنان معلمان متعهد از ظرفی و متحدان امپریالیسم و نیروهای وابستگرا از سوی دیگر در تمام زمینه‌ها بوده ایم.

حرکات ترقیخواهانه‌ای چون تلاش و کوشش پیگیر همکاران مبارز و دانش آموزان پرشورمان در جهت ایجاد تشکلهای مترقی خود، شوراها واقعی در مدارس و کانونهای دموکراتیک و ایحاد زمینه‌های مناسب برای گسترش فعالیت‌های سیاسی و آگاهانه گسترش در سطح مدارس و جنب و جوش و تحرک شگفت‌آوری که از سوی آنها، طی این مدت چشم می‌خورد، انعکاسی از رشد و گسترش روزافزون مبارزات توده‌های تحت ستم ما علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن میباشد.

در عوض، کارشکنی‌ها و سنگ اندازی‌هایی که در راه ایجاد شوراها و واقعی در مدارس از طرف مسئولین امور صورت می‌گرفت، شیوه‌های گوناگونی که برای مهار کردن و به انحراف کشاندن انرژی لایزال و آزاد شده توده‌های دانش آموز و معلم، محدود کردن آزادیهای سیاسی در مدارس و سرکوب معلمان و دانش آموزان مترقی‌یکار گرفته میشد، نشان از وحشت بی‌حدی دارد که عوامل امپریالیسم و کوردلان واپس‌نگر از رشد آگاهی نسل جوان در خود احساس میکنند و به همین دلیل جلوی هرگونه عملی که بنحوی سطح مبارزاتی توده‌ها، منجمله قشر معلم و دانش آموز را ارتقاء دهد می‌ایستند و هر حرکت ترقی خواهانه‌ای را به گونه‌ای سرکوب میکنند.

سالی که بر معلمان و دانش آموزان ما گذشت خودگواه این حقیقت است که برای قطع سلطه امپریالیسم و محور هتک استعماری، هنوز باید بسیار زحمت کشید، مبارزه کرد و از پائین‌بستان مادر این سال بنحو گسترده‌تری شاهد یکارگیری شیوه‌های غیر دموکراتیک و سرکوبگرانه‌ای چون تبعید، اخراج، بازداشت و در برخی موارد ترور معلمان مترقی، انحلال مدارس، حمله جماعداران و چاقو کشان به محصلین حتی در صحن مدارس، حمله به تظاهرات اعتراضی و سرکوب دانش آموزان، اخراج فعالین آنها از مدرسه و حتی بازداشت محصلین آگاه و مبارز بوده ایم و تاسف بارتر از همه اینها، بخاک و خون کشیده شدن دانش آموزان و معلمان زحمتکش ترکمن صحرا و کردستان در طایفه جنگهای تحمیلی اخیر میباشد و بدین حال آن، مجروح و مصدوم شدن صدها دانش آموز و دانشجو به خون غلطیدن تعداد زیادی از آنان در حملات وحشیانه اخیر به دانشگاهها و موسسات آموزشی که تحت نام "انقلاب فرهنگی" صورت گرفت، وقایع تاسفباری که هر کدام به سهم خود ضربه مهلکی بر جنبش ضد امپریالیستی، دموکراتیک توده‌های تحت ستم ما وارد میکنند و زمینه بازگشت سریعتر امپریالیسم را فراهم میسازند.

و امروز با پایان گرفتن سال تحصیلی، شاهد اقدامات گسترده‌تری از سوی مقامات مسئول آموزش و پرورش در جهت سلب آزادی و حقوق دموکراتیک معلمان و محصلین می‌باشیم، اقداماتی که قاعدتا به تعطیلات تابستان نیز کشیده میشود و از جمله آنها، انحلال آموزش و پرورش کردستان توسط مقامات مسئول کنونی است. آقای رحائی طبق اطلاعیه‌ای، بدنبال اعلام انحلال آموزش و پرورش کردستان از برگزاری امتحانات پایان سال در کلیه شهرها



بجز دوشهر قروه و بیجار، جلوگیری بعمل می‌آورد و حقوق کلیه فرهنگیان این منطقه را قطع می‌کند و باین ترتیب درصدد تصفیه و وسیع آموزگاران و دبیران متری خلق کرد بر می‌آید. در تهران نیز اخیراً بازنشستگی قبل از موعد و اخراج معلمان گسترش یافته است. در ناحیه ۱۲ تعداد زیادی از آموزگاران و دبیران را به بهانه‌های واهی و در واقع بجرم داشتن عقیده و با فعالیت آگاهانه در مدارس، - زودتر از موعد و حتی با دو سه سال سابقه کار بازنشسته و با از خدمت منصرف کرده‌اند، معلمان جدیداً استخدام را با وجودیکه حکم رسمی در دست دارند، برای مصاحبه و در واقع تفتیش عقاید فراخوانده اند و حکم بسیاری از آنها را پس از مصاحبه لغو کرده‌اند (برای نمونه میتوان اخراج معلمان مدارس، استعداددهای درخشان را نام برد) حتی مداری را که مبارزه برای کسب آزادی در آنها گسترش بیشتری داشته است چون مدرسه شهید سالی در ناحیه ۴ را برای دومین بار قبلاً زبایان سال تحصیلی منحل کرده‌اند.

این نمونه‌ها و بخصوص نمونه کردستان، شاهد گویایی برای مدعاست که مسئولین آموزش و پرورش چه سان از سیستمهای متری و انقلابی حاکم بر تعلیم و تربیت و از گسترش آگاهی‌درمیان دانش‌آموزان وحشت دارند. دلیل واقعی انحلال آموزش و پرورش کردستان این است که معلمان و دانش‌آموزان مدارس این منطقه، در پی مبارزات عادلانه و پیگیر خود، موفق شده بودند، شوراها و واقعی‌شان را در اغلب مدارس تشکیل دهند و باین طریق در اداره آنها فعالیت شرکتورزند، مدیران مدارس و مسئولین آموزش و پرورش در اغلب شهرها توسط همین شوراها انتخاب و بکار گمارده شده‌اند، در مدارس آزادی فعالیت‌های سیاسی توسط شوراها تضمین شده است و .... و پیداست که اینها مسائلی نیست که مسئولین کنونی بتوانند تحمل نمایند، آنها با اعمال خود بارها نشان داده‌اند که از گسترش آگاهی و اداره امور از پائین هراس دارند و با لطمه نمی‌توانند وجود شوراهای واقعی و عملکرد آنها را در سیستمی که بنا کرده‌اند، بپذیرند و از این روست که حتی از انحلال آموزش و پرورش یک منطقه وسیع نیز با نداشتن این واکنشها از طرفی

نشانگر رشد مبارزاتی توده‌ها و از آنجمله عکس و وسیع و پرتحرک دانش‌آموز و معلم در نقاط مختلف میهنمان است.

مسئولین آموزش و پرورش که بجای دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی و محتوای کتابهای درسی، اینگونه اعمال را سرلوحه اقدامات آتی خویش قرار داده‌اند، تنها عجز و ناتوانی خود را در حل معضلات آموزش و پرورش و خواسته‌های اساسی دانش‌آموزان و فرهنگیان به نمایش میگذارند و آگاهانه و ناآگاهانه آبه به آسیب‌های مبرالیم میریزند. آنها که در نظر دارند از پراکندگی معلمان و دانش‌آموزان در مدت تعطیلات تابستان سود جست و برنامهای ضد دموکراتیک خود را به مرحله اجرا در آورند، غافلند از اینکه پس از ۳ ماه دوباره با انبوه دانش‌آموزان مشتاق و پرشوری مواجه خواهند بود که در طی یکسال و نیم پس از قیام، از رشد آگاهی و مبارزاتی چشمگیری برخوردار شده و با روحیه‌ای مقاومتر و پر شورتر از گذشته پایه محکم مدارس میگذارند و آگاهانه تر از قبل در جهت ایجاد شوراهای واقعی خود حرکت میکنند. دشمنان آگاهی هیچگاه با اتخاذ چنین شیوه‌هایی نمیتوانند جلوی رشد و گسترش مبارزه را سد کنند حتی اگر موفق شوند موقتاً آنرا از مسیر اصلی خود منحرف کرده و یا کنند نمایند.

بیشک مدارس ما در سال تحصیلی آینده، صحنه اعتراضاتی وسیعتر و مبارزه‌ای پیگیرتر از سالی دانش‌آموزان و معلمان انقلابی علیه مبرالیم و حرکات ضد دموکراتیک حاکمیت کنونی خواهد بود و بدون تردید، کودکان و جوانان خلق کرد نیز به سادگی تن به تصفیه آموزگاران و دبیران انقلابی و آگاه خود نخواهند داد.





# قطعه‌نامه میهن‌نگ کانون مستقل معلمان تهران



حال که می بینیم، بوروکراسی و دستورهای -  
فرمایشی صادره از بالا برارگانهای مملکتی حاکم  
است .... باید که با تشکل خودجوش ضد امپریا  
لیست، دموکراتیک توده‌های میهن مان را همراه با  
سایر نیروهای مبارز و مترقی به انجام رسانیم و  
خواسته‌های زیر را حتماً عمل ببخشیم:

۱- ما هرگونه ترور، اخراج و تبعید معلمان،  
دانش آموزان، دانشجویان و استادان را بهانه  
های عقیدتی محکوم نموده و خواهان دستگیری و -  
مجازات عادلانه این جنایتها هستیم.

۲- ما ضمن تلاش در جهت محو فرهنگ استعماری  
و جایگزین نمودن فرهنگ انقلابی، اعمال انحصار  
طلبانه و واپسگرایانه را تحت عنوان "انقلاب  
فرهنگی" محکوم نموده و معتقدیم که زمانی  
در جامعه انقلاب فرهنگی صورت عمل به خودمی  
پذیرد که در تمام زمینه‌ها اعمال سیاسی و اقتصادی  
انقلابی واقعی رخ داده باشد و یورش اخیر به  
دانشگاههای کشور مان را تنها در جهت پیشبرد -  
اهداف امپریالیسم میدانیم.

۳- ما، اعمال فشار، سانسور و تفتیش عقیده  
را در کلیه شئون اجتماعی چه آموزشی چه اداری -  
ره آورد خون شهیدانمان نمیدانیم و سلب آزادیهای  
اساسی جامعه را محکوم میکنیم.

۴- ما خواهان رفع هرگونه تبعیض در زمینه‌های

بقیه در صفحه ۷

مواطنان، دانش آموزان و فرهنگیان مبارز!  
اکنون که نوزدهمین بهار جنبش حق طلبانه  
معلمان را پشت سر گذاشته ایم .... جنبشی که در  
آن مبارزات پرشکوه معلمان به خون کشیده شده  
و معلم شهید دکتر ابوالحسن خانعلی با شتار خون  
خود شهیدی دیگر بر شهدای مبارزات خونبار جنبش  
میهن مان افزود ....

اکنون که نخستین سالگرد قیام خونین خلق  
هایمان را علیه سلطه امپریالیسم آمریکا و سقوط  
رژیم خودکام پهلوی جشن گرفته ایم ....

بار دیگر بیمان می بینیم که تاقط کامل  
نفوذ امپریالیسم جهان خوار و آبادی داخلی اش -  
یکدم از پای ننشسته و با ایمان و اعتقادی راسخ  
رسالت خود را به انجام رسانیم و لحظه ای از آگاه  
نمودن توده‌های محروم جامعه و فرزندانمان فرو  
گذار نکنیم و با فعالیت در کانونهای صنفی، سیاسی  
هر چه بیشتر صف اتحاد و تشکل خود را علیه امپریا  
لیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران و وابستگان  
داخلی اش یک پارچه کنیم.

در این زمان که با دادن ده‌ها هزار کشته، شاهد  
بیدادی هستیم که بر معلمان و دیگر اقشار زحمتکش  
میهن ما روا میشود ....

در این زمان که شاهد اعدام معلمین انقلابی  
و ناظر اخراج گروهی معلمان، دانش آموزان و -  
بازنشستگی اجباری و دسته جمعی معلمان هستیم ...



## «انقلاب فرهنگی» علیه فرهنگ انقلابی !!

هنوزمانی طولانی از حوادث دوم اردیبهشت ماه نمیکزرد و خون سرخ دانشجویان انقلابی که در سنگر فرهنگ برای دفاع از انقلاب و حفظ سنت خونین ۱۶ آذر ۱۳۰۲ بان ریخته شد، هنوز در فضای دانشگاه موج میزند. بلندگوهای رسانه‌های گروهی در گوشه و کنار میهنمان از تغییرات ده‌ای آموزشی، از مبارزه با فرهنگ استعماری و از آموزش و پرورش انقلابی و سرانجام از «انقلاب فرهنگی» سخن میگویند!

شاید کسانی که شاهد «انقلاب فرهنگی» در دانشگاه تهران و تربیت معلم بودند تصور کنند که انقلاب - فرهنگی یعنی حمله به دفاتر و محل فعالیت‌های صغی - سیاسی دانشجویی یا حمله مسلحانه به دانشگاه و پراکنده نمودن اجتماع دانشجویان با گاز اشک‌آور و مسموم کننده و پراکشتار دانشجویان به جرم حفاظت از سنگر دانشگاه!

شاید کسانی که نطق‌ها و سخنرانی‌های عریض و طویل مسئولین آموزشی کشور را شنیده‌اند و با عمل کرده‌ای آنان در دستگا‌های آموزشی، در یکسال و نیم اخیر آشنائی پیدا کرده‌اند، تصور کنند که انقلاب فرهنگی یعنی حاکمیت تفتیش عقاید در محیط‌های آموزشی، یا مخالفت با شوراهای واقعی، یا الصاق برچسب ضدانقلاب به هر کس که از عملکردهای آموزش و پرورش انتقاد میکند، یا اخراج و تفتیه معلمان انقلابی به بهانه کاری!

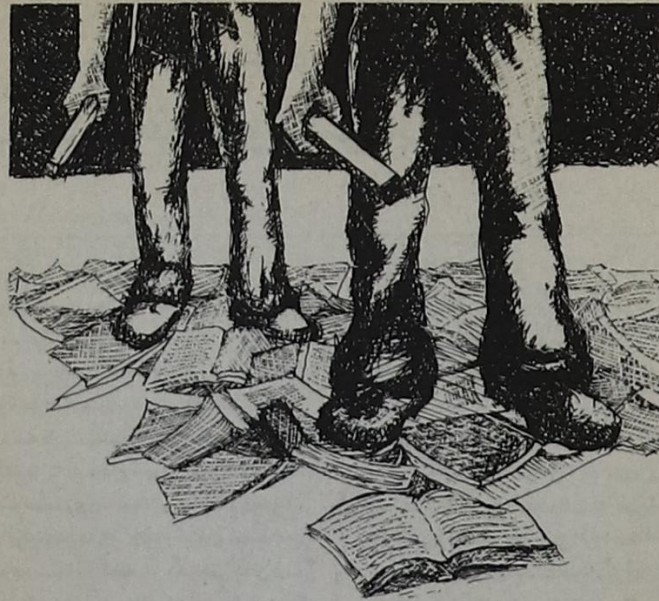
و حقا که چنین تصویری نتیجه طبیعی چنین انقلاب فرهنگی است.

اما ما میگوئیم اینها انقلاب فرهنگی نیست.

مادر کشوری زندگی میکنیم که زندگی فرهنگی نیز همانند زندگی اقتصادی همچون قارجی بر تنه درخت امیرالیم روئیده است. کشوری که بیش از نیمی از جمعیت آن نمیتواند بخواند و - بنویسد، زیرا ارتقاء دانش توده مردم اهمرم انقلاب است و دشمنان مردم هرگز با دست خود چنین اهرمی را به دست مردم نمیدهند.

و خلاصه کلام آنکه مادر کشوری زندگی میکنیم که آموزش و پرورش آن مجموعه بی‌قواره‌ای از تقلیدهای کورکورانه مقامات حکومت شاه از سیستمهای آموزشی رنگ و وارنگ اروپائی است. هم اکنون در حالیکه در اکثریت مناطق میهنمان چهل و سیوا بی‌ادامی‌کند. در حالیکه در همین چند قدم دورتر قلب بزرگترین شهر صنعتی کشور تهران، در خاک سفید تهران پارس، در چهار دانگه شهری، در - کود عریضهای ( میدان شوش ) فرزندان محروم میهن ما هنوز مدرسه ندارند، در حالیکه هنوز کودکان بسیاری در سراسر این مملکت وجود دارند که از حق طبیعی آموختن محرومند، «انقلاب فرهنگی» در - تبریز با حمله به دانشگاه آغاز میگردد و مسئولین امور درسمینارها و نشستهایشان سعی در لوٹ نمودن واقعیت دردناکی که زیر نام انقلاب فرهنگی رخ - داده مینمایند و با مسخ واژه‌ها و مفاهیم در ذهن مردم، از آن چیز عجیب و غریبی میسازند. بدون ارائه یک دیدگاه روشن نسبت به وابستگی فرهنگی و چگونگی قطع این وابستگی با تکرار ملال آورتشوری های آموزشی فلان فیلسوف عهد عتیق و بهمان نویسنده افقهای نازهای راکه باید در این بحثها برای نشان دادن ضرورت‌های انقلاب فرهنگی حقیقی درجاء معمان گشوده گردد تیره و تار می‌آیند و در نهایت جو ابهام





و گنجی نسبت به مفهوم علمی و حقیقی انقلاب فرهنگی را دامن میزنند. انقلاب فرهنگی در کشوری که دانشگاهها پیش با متدهای آمریکائی و در رابطه تنگاتنگ با منافع امپریالیسم جهانخواه بنا شده عبارت است از: حمله بیرحمانه به برنامهها، روشها و سیستمهایی که این دانشگاه برتوده های دانشجو اعمال و تحمیل میکند، نه حمله به دانشجویان انقلابی که با وجود چنین سیستمهایی تا نه از زیر بار آن خالی نموده و با تکیه بر رسالت انقلابی خویش به گسترش فرهنگ انقلابی در دانشگاهها میپردازند.

انقلاب فرهنگی در کشوری که نیروهای انسانی به دلیل عدم رشد و شکوفائی فعالیتهای تولیدی در کارهای غیرتولیدی به هرز میرود و اشاعه تخصص که لازمه تولید پیشرفته است، هیچگاه عملی نگردیده است، عبارت است از اشاعه و ترویج تخصص های علمی نوین در تمام سطوح آموزشی متناسب با نیازمندی های اقتصادی جامعه!

انقلاب فرهنگی در کشوری که ادبیات و هنر درباری سالهای سال بعنوان شاهکارهای بی نظیر ادبی تبلیغ و ذهن مردم را از آن آکنده اند، -

عبارت است از کمک به رشد ادبیات و هنر انقلابی و مردمی که دردوره های خفقان و ترور نیز علیرغم فشار و سرکوب شدید راه خویش را در شناسنامه ها و مخفیگاهها حسته و امروز نهال تناوری است. و نیز ترویج و اشاعه آن از طریق کتابهای درسی و تمام سیستم آموزشی و رسانه های گروهی و مطبوعات.

انقلاب فرهنگی در کشوری که بیش از نیمی از جمعیت آن بیسوادند عبارت است از ایجاد مدارس - پیشرفته در تمامی مناطق کشور با در نظر گرفتن حق مساوی زن و مرد و پیرو جوان برای استفاده از آنها و ایجاد آموزش رایگان و اجباری برای نسل آینده، انقلاب فرهنگی در کشوری که داغ پنجاه سال اختناق و دیکتاتوری را برتن دارد، عبارت است از دمکراتیزه کردن محیطهای آموزشی با بسط دمکراسی از طریق اعمال نظام شورائی و به رسمیت شناختن آزادی بیان و عقیده و قلم در کالج و معه و بالاخص در محیطهای آموزشی به بیان ساده و در یک کلام انقلاب فرهنگی در یک کشور وابسته عبارت است از برنامهریزی آموزشی و فرهنگی مستقل برپا به برنامه ریزی

بقیه در صفحه ۲۵

سال دوم شماره مسلسل ۱۴

۵

معلم



## بیانیه مشترک کانونهای دموکراتیک، دربارهٔ هجوم به چاپخانه‌ها و مطبوعات و کتابفروشیها

مردم مبارز ایران!

هجوم آشکار و مستقیم به آزادیهای دموکراتیک با تهدید و ارباب مسئولین موسسات انتشاراتی و - کتابفروشیها و حمله به چاپخانه‌ها و توقیف تعدادی از نشریات مترقی، ابعاد گسترده‌تری یافته است. این نخستین بار نیست که دستور دستان انقلاب، به اشغال مسلحانه چاپخانه‌ها و مهروموم کردن - برخی از آنها، و توقیف روزنامه‌ها و دستگیری عده‌ای از کارکنان و ویکارشدن عده‌ای از کارگران موسسات چاپ و نشر می‌انجامد. سال گذشته نیز همزمان با سرکوب خلق کرد، مطبوعات و نهادهای دموکراتیک موردتجاوز قرار گرفت، و اختناق و سانسور به مقابله با آزادیها برخاست.

آزادیهای بیان و نشر اندیشه، و مطبوعات آزاد و مترقی، شمره مبارزات خونین مردم انقلابی ما است. روزنامه و کتاب و دیگر وسائل آزاد نشر خیر و اندیشه از عوامل اساسی رشد و افزون آگاهی توده‌ها و منعکس‌کننده خواستهای بحق مردم و فریاد نیروهای مترقی جامعه است. حمله به این نهادها و دموکراتیک، نشانه دیگری از تلاش همه‌جانبه‌گسائی است که از رشد آگاهی مردم به وحشت افتاده اند، و به منظور سلب هر چه بیشتر آزادیهای دموکراتیک، روز به روز بویژه در این یکماهه اخیر، برداشته فعالیت‌های خود افزوده‌اند.

سرکوب آزادیهای دموکراتیک با چنان ابعاد انجام میگیرد، که مصادرا مورمعیارها و ضابطه‌های خود را نیز مراعات نمیکنند، دادستان انقلاب آشکارا قوانین مورد قبول خود را نقض میکند، و وزارت - کشور و وزارت ارشاد ملی نیز در مقابل حمله گروه‌های مسئول و غیرمسئول به چاپخانه‌ها و کتابفروشیها و روزنامه‌ها و روزنامه‌فروشیها، و غارت و به‌آتش کشیده شدن هر روزه کتابها به توطئه سکوت ادامه میدهند.

در چشم اندازی که سرکوبگران گشوده‌اند، نه گفتار داججویان و هجوم به دانشگاهها و به آتش و خون کشیدن خلق قهرمان کرد، نقطه آغاز بوده و نه توقیف روزنامه‌های مترقی و یورش به چاپخانه‌ها و حمله به کتابفروشیها نقطه پایان است.

اما مردم ایران آزادیهای دموکراتیک را آنان بدست نیاورده اند که آنان نیز از دست بدهند. این آزادیها به مردم ایران اعطاء نشده است که به صلاح دیدارگانها و مصادرا مورمیس گرفته شود. مردم انقلابی ایران، همانگونه که در مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خود تا سقوط رژیم دست نشانده پهلوی پیش رفتند، در راه بالندگی انقلاب و حفظ و حراست و گسترش هر چه بیشتر آزادیهای دموکراتیک از پای نخواهند نشست.

مردم ایران میدانند که در موقعیت خطر کنونی که امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی پنهان و - آشکار به وسائل مختلف علیه انقلاب ایران توطئه میکنند، روزنامه و مجله و کتاب و اعلامیه و بیانها و دیگر وسائل نشر آزاد خیر، نقش بسیار حاسمی در افشای توطئه‌ها برعهده دارند. و با تعطیل و یا جلو گیری از انتشار آنها، امکان گسترش توطئه‌ها، و روز به روز افزایش مییابد.

ما کانونها و جمعیت‌های دموکراتیک، با تاکید بر ضرورت افشای پیگیر این توطئه‌ها، هرگونه اختناق و سانسور و هجوم به آزادیهای دموکراتیک را به شدت محکوم میکنیم، و آزادی فعالیت روزنامه‌ها و نشریات مترقی، و تضمین امنیت شغلی کارکنان مطبوعات و موسسات نشر و چاپ، و آزادی کارکنان دستگیر شده چاپخانه‌ها و کتابفروشیها، و روزنامه‌فروشان را خواهیم.

بقیه در صفحه بعد



- ۸- کانون مستقل استادان دانشگاه ملی ایران .
- ۹- کانون مستقل دانشگاه های دانشگاه آزاد ایران .
- ۱۰- کانون مستقل دانشگاهیان دانشگاه صنعتی شریف .
- ۱۱- کانون مستقل معلمان تهران
- ۱۲- کانون نویسندگان ایران .
- ۱۳- کمیته تدارک برای تشکیل شورای سراسری کارکنان دولت . ۱۳۵۹/۲/۳۰

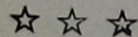


عناصر وابسته به رژیم مغفوری پهلوی بوده، اخراج و بازنشستگی اجباری معلمان مبارز را که به عمد در لیست عناصر ساواکی ادغام میشود و مرز انقلابی و ضد انقلاب را مخدوش مینماید، محکوم میکنیم - و خواهان بازگشت معلمان انقلابی که از محیطهای آموزشی اخراج شده اند، هستیم .

۱۰- نظر به اهمیت مبارزات حق طلبانه معلمان و اعتراض وسیع آنان به رژیم جنایتکار پهلوی که منجر به سقوط کابینه شریف امامی و تغییر اشل حقوقی معلمان در سال ۱۳۴۰ گردید ، روز ۱۲ اردیبهشت راهپایس گرامیداشت مبارزات معلمان و با تاکید بر خواست آنان "روز معلم" نامیده خواهدان . آنیم که در این روز کلیه مراکز آموزشی تعطیل رسمی بوده و از مقام معلم تجلیل بعمل آید .

۱۱- ما تشکیل کانونهای صنفی، سیاسی را که در جهت کوتاه نمودن سلطه امپریالیسم و برقراری دموکراسی فعالیت مینمایند، حق تمام نیروهای فترقی و آزادیخواه دانسته و هرگونه اعمال فشار بر آنان را از نظر مبارزات صنفی، سیاسی محکوم میکنیم .

۱۲- از آنجا که کانون مستقل معلمان تهران تشکیلاتی صنفی، سیاسی است و در جهت اهداف دموکراتیک و ضد امپریالیست مبارزه مینماید ادا شدن مکانی را جهت فعالیتهای خود، خواستی برحق دانسته و از مقامات مسئول میخواهیم که با لسی جهت برگزاری جلسات عمومی در اختیارمان قرار دهند .



کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۲/۲۴

- ۱- جمعیت کردهای مقیم مرکز
- ۲- جمعی از استادان دانشگاه های تهران و پلی تکنیک
- ۳- کانون استادان مترقی دانشگاه شیراز
- ۴- کانون زندانیان سیاسی ایران ( ضد امپریالیست - ضد ارتجاع داخلی )
- ۵- کانون فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدارس
- ۶- کانون کارکنان ترقیخواه بانک مرکزی
- ۷- کانون مستقل استادان دانشگاه علم و صنعت ایران .

### بیه قطعه امپریالیستیک ... از صفحه ۳

اقتصادی میان فرهنگیان و سایر کارمندان دولت هستیم و معتقد به آنیم که معلمان باید از نظر مسکن، بیمه، شرکتهای تعاونی و سایر نیازهای رفاهی تامین گردند تا بتوانند با فراغ بال به وظیفه خطیر خود که همان آموزش و پرورش نوجوانان است عمل نمایند .

۵- ما کانون بازنشستگی جدید مصوبه شورای انقلاب را محکوم نموده و معتقد به آنیم که هر نوع تصمیم گیری در مورد معلمان تنها در صلاحیت شوراهای واقعی معلمان است .

۶- ما معتقدیم که جهت محو فرهنگ استعماری باید کتابهای درسی توسط معلمان آگاه و مبارز، با در نظر گرفتن فرهنگ خلقها تدوین گردد تا بتواند پاسخگوی نیازهای فرهنگی جامعه باشد .

۷- ما معتقدیم که یکی از راههای قطع نفوذ امپریالیسم در ارکانهای مملکتی، تبلیغ و ترویج شوراهای واقعی است و با بسط نظام شورائی باید کار مردم به دست خودشان سپرده شود تا مزدوران نتوانند راه به جایی برده و علیه انقلاب خونین خلقهایمان توطئه چینی نمایند و بدین منظور است که میگوئیم شوراهای واقعی را در مدارس تشکیل دهیم و امور آموزش و پرورش را به قدرت شوراهای بسپاریم .

۸- ما با استفاده بدون ضابطه و براساس روابط و ملاکهای عقیدتی مخالف بوده و معتقدیم که در این زمینه باید رفع تبعیض از کلیه واحدین شرایط بشود .

۹- ما خواهان تصفیه محیط آموزش و پرورش از



## گزیده‌ای از نشریات

### گزارشی از یک مدرسه روستایی



عدم امکانات آموزشی و رفاهی بویژه در روستاهای کشورمان بر همه روشن است اما ارائه گزارش‌هایی از وضعیت روستاها و بخصوص شرایط آموزشی آنها میتواند در جهت شناخت هرچه بیشتر کمبودها و احتمالات ریشه اصلی این عقب ماندگیها مورد استفاده قرار گیرد. بدنبال چنین هدفی است که ما هربار گزارشی را از یکی از مناطق شهرمان در نشریه به چاپ میرسانیم.

این بار به شرق اصفهان و نه چندان دور از مرکز استان به چند روستا میرویم تا امکانات آموزشی آنها را بررسی کنیم. یکی از این روستاها که در سر راه ما قرار دارد و در ۳۰ کیلومتری شهر میباشید به پروانه - مشهور است، جمعیت زیادی ندارد. طبق آخرین آمارگیری ۵۰ خانوار داشته که اهالی میگویند - تعداد زیادی از آنها به روستاهای مجاور رفته اند و چندتنی هم که از راه دلالی و خرید و فروش زمین پول دار شده اند در شهر زندگی میکنند. آنها بزرگترین قطعات زمین را در این روستا دارند و زکا رخسوش نشینها استفاده میکنند اما موقع برداشت محصول سر و کله شان پیدا میشود. در اینجا گندم و چغندر کاشت میشود که با وسایل کار ابتدائی صورت میگیرد. با اینکه نیم کیلومتر بیشتر از جاده اسفالت فاصله

ندارند اما از داشتن برق محروم هستند و از آبقات استفاده میکنند. روستا یک حمام دارد که هر خانواری به نوبت از حمام استفاده میکنند.

یک ساختمان کوچک آجری در وسط روستا است که تنها مدرسه این ده است. این مدرسه یک اطاق دارد که هر چهار کلاس اول، دوم، سوم و چهارم در آن با یک معلم درس میخوانند و واضح است که یک معلم حتی ۲۰ نفر دانش آموز را که در این مدرسه درس میخوانند نمیتواند اداره کند و آنچه را که باید به آنها بیاورد، از این ۲۰ محصل دونفرشان در کلاسهای دوم و سوم هستند و بیشترین تعداد را دانش آموزان کلاس اول تشکیل میدهند. چرا بعد از خواندن کلاس اول دیگر به مدرسه نمیآیند؟ آیا نمیخواهند با سواد شوند؟ برای پیدا کردن جواب این سؤالها با مهدی که ۱۰ سال دارد و تنها کلاس اول را خوانده است به گفتگو می نشینیم. او میگوید ما همه درس خواندن را دوست داریم، اگر بیسواد باشیم هیچ چیز نمی فهمیم و نمیتوانیم حقوق خودمان را بشناسیم و از آن دفاع کنیم، نمیتوانیم مملکتمان را به پیش ببریم و دست خارجیها را کوتاه کنیم. اما وقتی میبینیم که یک معلم نمیتواند هر چهار کلاس را اداره کند و آخر سال چیز زیادی یاد نگرفته ایم دیگر علاقه ای به مدرسه رفتن نداریم و هر بار هم که خواسته اند به ما تا معلم بیشتری به روستا بیاورند بفرستند گفتند که روستای شما جمعیت زیادی ندارد. درست است که جمعیت زیادی ندارد اما سه روستائی هم که در نزدیکی آن هستند مدرسه ندارند و در صورتیکه امکانات آموزشی در این جا افزوده شوند روستاهای مجاور هم میتوانند به مدرسه بروند. تازه آنهاش که چهار کلاس را میخوانند برای ادامه تحصیل بایستی ۱۲ کیلومتر راه طی کنند که با توجه به اینکه وسایل نقلیه عمومی بندرت در این جاده یافت میشود این کار مشکلات زیادی را در بر دارد.



در این روستا پزشک وجود ندارد. در مواقعی که احتیاجی به پزشک باشد آنها میباید به حبیبآباد که ۱۲ کیلومتر از آنجا فاصله دارد بروند.

تعداد انگشت شماری از بزرگسالان این روستا با سواد هستند و ما در مدرسه دانش آموز دختر ندیدیم برای همین میپرسیم که چرا دخترها به مدرسه نمیروند رقیه که دختری ده ساله است گفت "ما قبل از انقلاب به مدرسه میرفتیم و در همینجا با پسرهای درس میخواندیم اما بعد از انقلاب گفتند که بخاطر دین خوب نیست دختر و پسر با هم در یک اتاق باشند و همه اهل ده میگویند پسرها واجب تراست درس بخوانند، - برای همین ما دیگر به مدرسه نمیرویم با اینکه درس خواندن خوب است ما چطور میتوانیم - درس بخوانیم؟"

راستی چرا بدون اینکه امکانات آموزشی روستا ها و یا مدارس را افزایش دهند این چنین افکار را تبلیغ میکنند دختران ما برای یک نسل دیگر هم همچون - مادرشان محکوم به بیسواد بودن باشند در حالی که نهضت سوادآموزی را برای می اندازند اجازه میدهند درجائی این چنین تبلیغات جلوی رشد فرزندان این مملکت را بگیرد. در این روستا ۲۵ نفر دختر هست که آماجگی و شرایط مدرسه رفتن را ندارند اما بجای آن باید در خانه بمانند و تنها به مادران - شان کمک کنند.

نقل از نشریه معلم شماره ۲ ارگان کانون

مستقل معلمان اصفهان



چکیده‌ای از بیانیه کانون مستقل معلمان قزوین منتخبان "ویژه نامه روز معلم"

در این بیانیه که به مناسبت روز معلم انتشار یافته آمده است:

"ما همواره شاهد مبارزات معلمان ایران در - نکلای گوناگون بودیم، مبارزه‌ای که اکثراً منتهی به اسارت و شکنجه و شهادت آنان میشد. مبارزاتی که عامل محرکه آن عشق به توده‌ها و پیشبرد مبارزات خلقهای میهن ما بوده است. رژیم گذشته علاوه بر به بند کشیدن معلمان، کوشش مینمود، با ایجاد فرهنگ وابسته در مدارس

معلمان و توده‌های دانش آموز را در اسارت فرهنگی نگاه داشت تا چند صباحی بیشتر به خودکامی ادامه دهد، ولی حرکات معلمین انقلابی همواره رسوا کننده سیاست فرهنگ استعماری و وابسته رژیم بود و بیانگر این حقیقت که حرکت تکاملی جامعه را با زور و ارباب و یا تبلیغات پوچ نمیتوان نابود کرد."

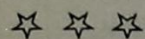
"پس از قیام نیز مبارزات معلمین برای - ایجاد محیطهای آموزشی سالم شکل تازه‌ای بخود - گرفت و میرفت که با تشکیل شوراهای گام موثری در جهت ایجاد یک فرهنگ علمی و سالم برداشته شود" "بمرور تمام دستاوردهای خونین معلمان دانش آموزان از انقلاب توسط بخشنامه‌های گوناگون مورد تهاجم قرار گرفت، چنانکه شوراهای شکل واقعی شان را از دست داده، به شوراهای فرمایشی تبدیل شدند، پس از چندی نیز بحث آزاد در مدارس ممنوع اعلام گشت"

"رفته رفته هجوم به معلمین از طریق اخراج و تصفیه به بهانه‌های عقیدتی آغاز شد، در حالیکه عوامل وابسته به رژیم گذشته هنوز در مدارس حکم فرمائی دارند و تصفیه نیروهای انقلابی بدست آنان صورت میگیرد، امروز در شرایطی که کشور ما حساسترین و طوفانی ترین دورانی خود را از سر میگذراند و - بدون تردید در تاریخ جنبش ضد امپریالیستی میهن ما بی سابقه و استثنائی است، در شرایطی که هنوز آموزش و پرورش از عناصرو وابسته به رژیم منفور و سرنگون شده، تصفیه نشده، گروه گروه معلمان انقلابی را اخراج یا تبعید میکنند."

برعهده معلمان مسئول و آگاه است که با روحیه انقلابی و آگاهی ژرف خویش در حفظ دستاوردهای خونین انقلاب کوشیده و با ارج گزاردن به خون شهدائی که در مخوفترین سالهای ختنای پرچم خون بار مبارزه را در آسمان تاریک ایران به اهتزاز درآوردند، در تداوم انقلاب ضد امپریالیستی توده ها بکوشند.

بکوشیم تا با برقراری شوراهای واقعی دانش آموزان و معلمان کلاس را به کانون برخورداندیشه و تجلی افکار آزادیخواهان تبدیل سازیم.

با دیوچهل بجنگیم، در وسعت تمامی ایران، با داشته کلام و قلم.





## ۱۵ خرداد یاد آور مبارزات ضد امپریالیستی توده ها

مبارزات ضد امپریالیستی یک قرن اخیر میهن مان که از جنبش تنباکو آغاز شده از مراحل گوناگونی گذشته است. پس از انقلاب مشروطیت نخستین جنبش های وسیع و توده ای از سال های ۱۳۲۰ آغاز میگردد پس از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۳۲ سقوط دولت ملی دکتر مصدق امپریالیسم آمریکا برای تحکیم قدرت خود در ایران و از میدان بدرکردن انگلیس سیاست های جدیدی را به مورد اجرا میگذارد. قرارداد های مختلف اقتصادی و نظامی با آمریکا بسته میشود کالاهای امپریالیستی در مدت کوتاهی سرتاسر بازارهای شهرستان را در اختیار خود میگیرد. تجارت و جپاول منابع و نیروی انسانی اقتصاد مملکت را به سرعت روبه انحطاط میبرد. در سال ۳۹ کارگران صنایع نفت درخوزستان و کارگران نساجی اصفهان و کوره پزخانه ها دست به اعتصابات گسترده ای میزنند استثمار بیحد دهقانان باعث میشود که عده زیادی از آنان خانواده و روستای خود را ترک کرده و راهی شهرها شوند. در سال ۱۳۴۰ شورش دهقانان بشدت خود میرسد. در بسیاری از نقاط بطور دسته جمعی بر علیه مالکین دست به مبارزه میزنند و مزارع آنان را به آتش میکشند. سلطه امپریالیسم اقشار دیگر را هم تحت فشار قرار داده بود، بطوریکه در این سالها معلمان و دانش آموزان و دانشجویان هم دست به اعتراضات وسیع و گسترده ای زدند. در بسیاری از دانشگاهها دانشجویان بعنوان اعتراض به بستن قراردادهای استعماری دست به اعتصاب میزنند و رژیم وحشیانه به سرکوب آنان میپردازد و در روز اول بهمن ماه سال ۱۳۴۰ به سرکوب شدید نیروهای مترقی در دانشگاه میپردازد. در اردیبهشت همین سال اعتصابات معلمین آغاز میگردد و در روز دوازدهم اردیبهشت جمع کثیری از معلمان تهران در مقابل مجلس دست به تظاهرات میزنند، ارتش به آنان حمله کرده و دکتر خاتعلی را بشهادت میرسانند.

مبارزات ضد امپریالیستی یک قرن اخیر میهن مان که از جنبش تنباکو آغاز شده از مراحل گوناگونی گذشته است. پس از انقلاب مشروطیت نخستین جنبش های وسیع و توده ای از سال های ۱۳۲۰ آغاز میگردد پس از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۳۲ سقوط دولت ملی دکتر مصدق امپریالیسم آمریکا برای تحکیم قدرت خود در ایران و از میدان بدرکردن انگلیس سیاست های جدیدی را به مورد اجرا میگذارد. قرارداد های مختلف اقتصادی و نظامی با آمریکا بسته میشود کالاهای امپریالیستی در مدت کوتاهی سرتاسر بازارهای شهرستان را در اختیار خود میگیرد. تجارت و جپاول منابع و نیروی انسانی اقتصاد مملکت را به سرعت روبه انحطاط میبرد. در سال ۳۹ کارگران صنایع نفت درخوزستان و کارگران نساجی اصفهان و کوره پزخانه ها دست به اعتصابات گسترده ای میزنند استثمار بیحد دهقانان باعث میشود که عده زیادی از آنان خانواده و روستای خود را ترک کرده و راهی شهرها شوند. در سال ۱۳۴۰ شورش دهقانان بشدت خود میرسد. در بسیاری از نقاط بطور دسته جمعی بر علیه مالکین دست به مبارزه میزنند و مزارع آنان را به آتش میکشند. سلطه امپریالیسم اقشار دیگر را هم تحت فشار قرار داده بود، بطوریکه در این سالها معلمان و دانش آموزان و دانشجویان هم دست به اعتراضات وسیع و گسترده ای زدند. در بسیاری از دانشگاهها دانشجویان بعنوان اعتراض به بستن قراردادهای استعماری دست به اعتصاب میزنند و رژیم وحشیانه به سرکوب آنان میپردازد و در روز اول بهمن ماه سال ۱۳۴۰ به سرکوب شدید نیروهای مترقی در دانشگاه میپردازد. در اردیبهشت همین سال اعتصابات معلمین آغاز میگردد و در روز دوازدهم اردیبهشت جمع کثیری از معلمان تهران در مقابل مجلس دست به تظاهرات میزنند، ارتش به آنان حمله کرده و دکتر خاتعلی را بشهادت میرسانند.



پوسیده رژیم پرداختند. در زمانیکه سرنیزه مخونین رژیم برگلوی خلق فشرده میشد اینان با طرح شعار های انحرافی به تطهیر "اصلاحات ارضی" پرداختند. از این پس رژیم که موقعیت خود را تثبیت شده میدید به سرکوب شدید مردم پرداخت. از اواخر سال ۱۳۴۱ اعتراضات پراکنده ای در شهرهای مختلف صورت میگرفت. در ۲ فروردین ۴۲ به فیضیه قم حمله میکنند و عده ای از طلاب مبارز را به شهادت میرسانند. در ایام محرم همین سال جلسات عزاداری تبدیل به مجالسی برای افشای خیانت های رژیم شد. در ۱۳ خرداد ماه ۴۲ آیت اله خمینی در مدرسه فیضیه قم شاه و سیاست های او را مورد انتقاد شدید قرار میدهد. پس از این سخنرانی ایشان را دستگیر میکنند. تظاهرات گسترده مردم از این روز آغاز میگردد و در شهرهای مختلف تهران، قم، مشهد، ورامین و شیراز اعتراضات شدیدی صورت میگیرد. در ۱۴ خرداد مردم دسته دسته شروع به راهپیمایی میکنند و پس از پیوستن به یکدیگر بطرف خیابان های مرکزی شهر حرکت در میابند. عده کثیری از بازاریان هم در اطراف بازار دست به تظاهرات میزنند، شعارهای مذهبی کم کم تبدیل به شعارهای برعلیه شاه و رژیم میگرددند مردم با فریادهای "مردم باد شاه" خواهان سرنگونی رژیم میگرددند و دسته دسته بطرف ادارات و مراکزی که نماینده دستگاه بودند حمله میکنند. ارتش - مزدور شاه با تانک و زره پوش وحشیانه به گشتار آنان میپردازند. در این روز تاریخی باردیگر خلق با خون خود حماسه آفرید، آنان با عشق به آزادی و استقلال با مشت های گره کرده و دستشان خالی بجنگ تانکهای آمریکائی رفتند و خون پاک شان بر سنگ فرشهای خیابانها باردیگر ثابت کرد که با دشمن تاندندان مسلح نمیتوان با دستشان خالی جنگید. با وجود گشتار صبح در بعد از ظهر همان روز هم تظاهرات ادامه داشت، مردم شهرهای اطراف هم که از ماجرا مطلع شده بودند برای کمک به مردم بطرف تهران به حرکت درآمدند. عده کثیری از دهقانان و رزمین خشمگین از جناحست بیرحمانه رژیم از روستاها بحرکت درآمدند اما در سرپل باقر آباد نیروهای نظامی به آنان حمله ور شده و بیش از ۴۰۰ تن از آنان را به شهادت میرسانند.

سانند. در روزهای بعد از ۱۴ خرداد هم تظاهرات ادامه داشت رژیم وحشت زده از طغیان توده ها در روز ۱۶ خرداد اعلام حکومت نظامی میکند. اما با وجود اعلام حکومت نظامی مردم دسته دسته در خیابانها به تظاهرات پرداختند و عده زیادی هم به شهادت رسیدند و جمع کثیری هم به زندان افتادند در این زمان آیت اله خمینی راهم به عراق تبعید کردند.

۱۵ خرداد با دادن بیش از ۱۵ هزار شهید به پایان رسید و نقطه پایانی بر تروم توده ها نسبت به "رهبران" سازش کار و فرصت طلب گذارد. ضعف اساسی این دوره چون دوران مشروطیت و سالیهای ۲۰-۳۲ نداشتن تشکیلات و رهبری انقلابی بود که نتواند این مبارزات را در جهت درست خود هدایت کند. توده ها بر اساس فشار اقتصادی بطور خود بخودی به مبارزه برعلیه رژیم دست زدند اما بدون سازماندهی و تشکیلات جانشازی خلق به تنهایی قادر به نابود کردن دشمن نیست.

خلق ما بعد از گذراندن چندین تجربه تاریخی باردیگر در قیام ۲۲ بهمن با شعار سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم به میدان آمدند این بار نیز خواهان بیرون راندن امپریالیسم بودند و چون گذشته بعلمت همان ضعف اساسی که گفتیم به خواسته های خود دست نیافتند.

هنوز پس از گذشت بیش از یکسال از قیام شکوهمند بهمن شاهد آنیم که چگونه مردم بارها و بارها به طرق مختلف خواهان قطع سلطه امپریالیسم گردیده اند. ما این مبارزه را پایان یافته تلقی نمیکنیم و اعتقاد داریم تا بیرون راندن کامل امپریالیست ها از کشور ما راهی پس دراز در پیش داریم.

امروز سیاد هزاران کشته ای که در راه استقلال و آزادی ایران مبارزه کرده اند میباید راه آنان را برای بیرون راندن امپریالیسم ادامه بدهیم به همین خاطر به این ضرورت پی میبریم که باید - بیش از پیش صفوف خلق را متحد نمود. اما متأسفانه شاهد آنیم که چگونه در هر گوشه و کنار مملکت ما ن کسانیکه عملاً در خدمت امپریالیسم اند با سرکوب

بقیه در صفحه ۲۱

سال دوم شماره مسلسل ۹۴

۱۱

۱۳۵۹

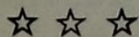


## معلم شهید - علی اصغر بدیع زادگان

کشید و بعنوان استاد یار شیمی در آزمایشگاه دانشکده فنی دانشگاه تهران مشغول بکار شد. او از هر فرصتی برای تماس با دانشجویان استفاده میکرد و از درد ورنج آنان با خبر بود، آنها را با مسائل سیاسی آشنا میکرد و در شناساندن جنایات رژیم سفاک پهلوی با آنها، نقش بسزایی داشت. بدیع زادگان تمام وقت خود را در دانشکده با دانشجویان میگذراند. و حقوق خود را در راه مبارزه و فعالیت‌های سیاسی خرج میکرد. او معلمی آگاه و صمیمی و مبارزی صادق و از جان گذشته بود. پرکاری و صداقت او به احساس مسئولیت همزمانش می افزود. در مرداد ماه ۱۳۴۹ با گروه خود

برای تعلیمات نظامی به خارج کشور سفر کرد. او ظاهراً برای ادامه تحصیل و گرفتن بورس از دانشکده فنی به فرانسه رفت ولی در پایگاه‌های فلسطینی تعلیمات نظامی میدید. بدیع زادگان در کنار - دیگر همزمانش کوشیده تجارب انقلابی خود بیافزاید و خود را برای نبرد علیه رژیم منحوس پهلوی آماده کند و با دست‌آوردهای پربراری برای - هموطنانش به ایران بازگردد. پس از بازگشت به ایران دوباره در دانشکده مشغول تدریس شد. او معلمی فداکار بود و همه هستی خویش را در مبارزه - با ستم و جهل گذراند. علی اصغر بدیع زادگان پس از دستگیری بدست عمال ساواک، مورد شکنجه‌های بسیاری قرار گرفت و شجاعانه در برابر این همه ستمی که با او میرفت مقاومت مینمود. بر اثر شکنجه‌های متعدد، بدن نیمه سوخته و پراز چرک شده بود و بوی تعفن و چرک فضای سلول را پرمیکرد. او سه بار مورد عمل جراحی قرار گرفت و سرانجام در سرگاه روز ۴ خرداد ماه ۱۳۵۱ با چند تن از یارانش بدست دژخیمان رژیم جلاد شاه شهید شد.

یادش جاودانه باد



۴ خرداد ۱۳۵۱ روزی است که خون چند تن از فرزندان خلق بدست دژخیمان شاه خاشن بزمین ریخته شد. علی اصغر بدیع زادگان یکی از این گلگون گفنان بود. او در سال ۱۳۱۷ در یک خانواده متوسط بدنیا آمد. دوره دبیرستان را در تهران گذراند و در رشته شیمی دانشگاه تهران به تحصیل خود ادامه داد. در دوران تحصیل دانشگاهی با مسائل سیاسی آشنا شد و بتدریج به فعالیت سیاسی پرداخت. او برای پیشبرد هدف خود صادقانه تلاش میکرد و لحظه‌ای از مبارزه بر علیه ظلم و جور غافل نبود. در سال ۱۳۴۹ به نظام وظیفه رفت و پس از دوره آموزشی، نه ماه ازمأموریت خود را در کارخانه اسلحه سازی تهران گذراند و بعد همانجا استخدام شد و بعد از مدتی از کار خود دست



## معرفی کتاب ...

داستان زنبور عسل  
از: آرتین عمادی

گرانی که شب هنگام از کار با زمینگردند جایی باقی نمی‌ماند و آنها مجبورند که در سرمای شب بیرون کنند و بخوابند و از سرما خشک شوند. لذا ملکه ناگزیر می‌گردد با بیشتر زنبوران شهر را ترک گویند و در جای دیگری شهر جدیدی بنا کنند تا نوزادان جدید به دنیا بیایند.

نوزادان آگاه میشوند که برای کار کردن به دنیا آمده‌اند، "آنها میدانند که زنبوران ترکار نمی‌کنند و می‌خورند و می‌خوابند و ملکه فقط تخم‌گذاری میکند و زنبوران نوزاد دیگری که از عسل مخصوصی تغذیه میشوند و رشدشان بهتر است شاهزاده خانم هستند و ملکه از بین آنها انتخاب میشود و بقیه کشته میشوند."

در این میان تنها زنبورهای کارگر هستند که کار میکنند و کار ... و از شمره کار خود شب هنگام شیره‌گلها را در خانه‌های مخصوص قرار میدهند تا مفتخورها به راحتی حاصل زحمشان را به یغما برند.

"زنبورهای نردرخیا با آنها می‌گردند و هیکلشان روز به روز بزرگ تر و چاق تر میشود، زیرا غیر از خوردن عسل و گشتن کاری ندارند."

بالاخره هنگام مهاجرت فرا میرسد و این بار هم کارگرها هستند که کیسه‌های خود را از عسل انباشته میکنند تا توشه‌راه داشته باشند. عده‌ای از آنها به انتخاب جایی مناسب می‌پردازند و پس از رسیدن به محل مورد نظر به ساختن کندو می‌پردازند، زیرا ملکه باردار است و محل تخم‌گذاری با یستی زودتر آماده گردد. در شهر قدیمی نیز زندگی مانند همیشه در جریان است و کارگرها کار میکنند. عده‌ای هم پرستاری نوزادان مشغولند و عده‌ای شهد گلها را می‌نوشند.

"خانه‌های شاهزاده خانمها بزرگتر است و غذایشان مخصوص است، بدنشان بزرگتر از سایر بچه‌هاست و - عمرشان هم بیشتر است."

این بار سخن از شهر عسل است و داستان تلاش و کار مداوم زنبورهای کارگر و به یغما بردن حاصل زحماتشان توسط زنبورهای تر و زنبور ملکه، - این بار نیز صحبت از اجاف است و کارگر بزرگتر زحمکش است و باز هم سخن از حماسه مقاومت و بیداری - استثمار شوندگان!!

شک نیست که نویسنده در قالب داستان - استعاری بدون در نظر گرفتن حس غریزی زنبورها خواسته است نظام طبقاتی را از الگوی زندگی زنبورها محسوس نماید و نحوه زندگی استثمارکننده و استثمارشونده را بیان کند. شروع داستان پایان زمستان و آغاز بیداری طبیعت را شرح میدهد. در گوشه‌ای از این تلاش خستگی‌ناپذیر موجودات، - ساکنان "شهر عسل" نیز روی گل‌های جوان و معطر باغ می‌نشینند و شهد گلها را می‌نوشند و پس از انبار نمودن در کیسه‌شان به کندو باز می‌گردند.

در شهر عسل تعداد زنبورها آنچنان زیاد شده که دیگر راهی برای عبور باقی نمانده است ولی زنبورهای طلائی همچنان تلاش میکنند.

چرا که "زنبور طلائی به تنهایی شادی را حس نمیکند، در داخل شهرش و در کنار هم شهربانش است که با تمام دست‌جهان، شادی را می‌پسند و دلگرم میشود"

"در اینجا فرد فرد زنبوران اهمیتی ندارند بلکه مجموعه زنبوران است که اهمیت دارد."

ولی اینجا است که علیرغم تلاش زنبورها برای - حفظ موجودیت و بقای نسل خودشان زنبورهایی که در نیمه زمستان تخم‌گذاری شده بودند هزاران هزار به دنیا می‌آیند و دیگر جایی را برای سایر زنبورها باقی نمی‌گذاردند و همه میدانند که دیگر برای کار



در میان نوزادان زنبور پلائی کوچکی است که به همه چیز با تعجب می نگرد و میخواهد را زهستی را دریابد و برا شرکت چکاوی در میباید که عده ای زکا رگرها بعلت اینکه کار نکرده اند در یکی از طاقتها گرفتار شده اند و با بیگیری مطلب می فهمد که زنبوری خیرین خیر به کندور ساندده است!

برای زنبور پلائی قابل تصور نیست که چگونه ممکن است زنبوری حاضر شود چنین عملی انجام دهد؟ " زنبوران ناراحت و غمگین به خانه هایشان بر میگرددند، شب سیاه از راه میرسد و غم آنها را سنگین تر میکند."

در یکی از روزهای که زنبور پلائی به مناسبت حمله زنبوری بزرگتر و پرزورتر از خود بالایش زخمی میشود و به ناچار چند روز در کندور میماند و به این مطلب پی میبرد که عده ای از زنبورها از فرط گرسنگی و ناتوانی دیگر نمیتوانند از کندور بیرون بیایند.

" چشمان سیاه او را پرده ای خاکستری میپوشاند و برقش را پنهان میماند، در فکر فرو میرود که انبارها پر از عسل است و دوستانش غذای کافی ندارند که بخورند و ناتوان میشوند و بدنبالش میهرند و تلف میشوند " شب هنگام وقتی که به شهر بر میگردد در سکوت شبانه از بعضی خانه های ناله میآید، دوستی در فراق دوستی از دست داده ناله سرداده است."

میزان تلفات و دریندها آنقدر فزونی میگیرد که زنبورها شبها در میدان جمع میشوند و برای رهای دوستان چاره ای می اندیشند.

" باید عسل سهم همه شود، آنان که کار میکنند نباید از گرسنگی رنج ببرند و زنبوران نرو سا ی زنبوران فقط عسل بخورند و هیچ کاری نکنند، باید همه کار کنند و رنج و شادی به تساوی بین همه تقسیم شود."

زنبور پلائی به شهر دیگری هم سر میزند و میبیند که در آنجا هم " زنبوران نرمثل شهر خودش تنبیل هستند و مرتب غذا میخورند و بیکار میگردند"



پس از مدتی که زنبورها از شیر و مصنوعی که مرد روستائی برای آنها میگذارد عسل تهیه میکنند و زنبورهای دیگر این عسل را تغذیه میکنند، .....

و زنبورهای ترا زطعم بعد عسل مرتب ناله سر میدهند و به دور هم جمع گشته و راه حلی میجویند و نقشهای طرح میکنند و آنها را با سایر زنبوران در میان میگذارند و همه قبول میکنند."

و شاید این نقشه چیزی جز طرحی برای نابودی زنبورهای زندانی نباشد زیرا زندانیان را شبانه از کندور بیرون میکنند تا در سرمای بیرون خشک شوند"

" زنبور پلائی هنگام مراجعت از کار روزانه بیکر بیجان زنبورها را مشاهده میکند که از سرما خشک شده اند و آسمان آبی بنظرش سیاه و تاریک میآید و در این هنگام است که در شهر جدید عسل مهمانی برپا ست و مفتخورها از شمره دسترنج کارگرها ضیافت ترتیب داده اند و پس از سرمستی از خوشگذرانی شبانه تصمیم میگیرند که عسل شهر جدید را با عسل مصنوعی شهر خودشان معاوضه کنند و در این میان باز هم کارگران هستند که باید حمل عسل قدیمی را بعهده بگیرند.

زنبورهای کوچک دور هم جمع میشوند و به چاره اندیشی میپردازند: " باید همه بیدار شوند، خواب بس است."

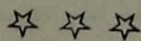
آنها به آگاه نمودن یکدیگر میپردازند و زنبوران وحشت زده میشوند که نتیجه تلاش شبانه روزی آنها چگونه نصیب دیگران شده است و بچه ها دارند می میرند، آیا کار کردن مدام آنها اینچنین باید نتیجه بدهد؟"

" روزها میگذرد، تصمیم واراده به میانشان پامی نهند، با هم بودنشان قدرتشان را افزایش میدهد. " در شهر عسل زنبوران کارگرتنبلها را بیرون میکنند زیرا شکم های آنها شسته از عسل یاری برخاستن ندارد"

" شهر عسل اکنون شهر کا راست، همه در تنگای پویند و کسی در خواب نیست، همه بیدار و هشیارند، " ملکه هم در جمع آوری شهد گلها شرکت میکند.

" بیدکنار جویبار ما چرا را برای درخت تبریزی بیرون باغ حکایت میکند. " اکنون آغا زدیگری پای میگیرد."

" خورشید رنگ قرمز بر بال زنبور پلائی میپاشد زندگی در باغ می غلظد و می غلظد، در باغ جاری میشود و در راه هست که زیبایی کار را در همه جا رنگ بپاشد."





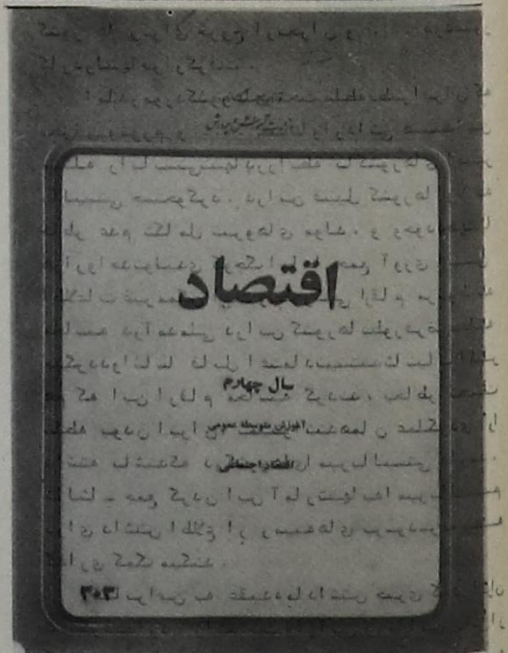
## بررسی کتاب اقتصاد سال چهارم رشته اقتصاد

بخش سوم این کتاب یعنی اقتصاد دوکشا ورزی خیرا توسط وزارت آموزش و پرورش حذف گردیده است. ما در این تقدّمین بر خورد کوتاهی به بخشهای ۱ و ۵۴، تاکید اصلی خود را روی بحث درباره بخش دوم یعنی توسعه اقتصادی قرار میدهم. تاکید روی این بخش از این لحاظ اهمیت دارد که برای توسعه اقتصادی ایران بعنوان یک کشور تحت سلطه شناخت صحیح این بخش از اهمیت زیادی برخوردار است. هرگونه منحرف کردن ذهن دانش آموزان مسائل اساسی که میتواند منجر به توسعه اقتصادی شود اجباراً در جهت عمق بخشیدن به عقب ماندگی قرار خواهد گرفت و نقشی بنافایت ارتجاعي را ایفا خواهد نمود.

بخش اول: درآمد: در این بخش بطور کلی مفاهیم درآمد ملی مورد بحث قرار گرفته است اما اساساً حتی اشاره ای هم به این امر نشده است که محاسبه درآمد ملی در چه نوع کشورهایی ضرورت پیدا کرده است؟ استفاده هایی که از محاسبه درآمد ملی میشود در کشورهای تحت سلطه و امپریالیسم یکسان اند؟ آیا محاسبه درآمد ملی در کشورهای تحت سلطه و امپریالیستی یکسان است؟

کتاب میگوید: ".... به ویژه بعد از جنگ بین المللی دوم محاسبات مربوط به درآمد ملی مورد توجه کشورهای قرار گرفت .... در بعضی جاها این مهم از زمان قدیم ترانجام گرفته چنانکه در آمریکا بطور منظم و مرتب از سال ۱۹۲۹ میلادی شروع شده - است." صفحه ۲

ما میگوئیم که چرا بعد از ۱۹۲۹؟ چرا بعد از جنگ جهانی دوم؟ .... کتاب جوابی نکرده است. اما ما خود جواب خود را میدهم. در کشورهای امپریالیستی از سال ۱۹۲۵ بحران صورت گرفت. اقتصاد دانان بورژوازی که فقط بفکر نجات سرمایه داری بودند بدنبال چاره میگشتند بحران در این کشورها معلول



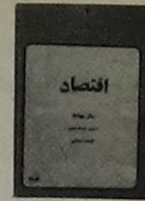
این مقاله را یکی از همکارانمان از ناحیه ۴۴ برای نشریه معلم ارسال داشته است. یا تشکر فراوان از این همکار عزیز در انتظار دریافت مقالات دیگری از سایر همکاران ایمان میباشیم.

تجربیه معلم

بررسی کتاب اقتصاد سال چهارم رشته اقتصاد این کتاب شامل ۵ بخش و هر بخش شامل چند فصل است که بخش کتاب عبارتند از:

- بخش اول درآمد
- بخش دوم توسعه اقتصادی
- بخش سوم اقتصاد دوکشا ورزی
- بخش چهارم پول و سیاستهای پولی
- بخش پنجم سیاستهای مالی





کشور ها و برای خروج از بحران و .... در دستور کار دولتها قرار گرفت .

اما در مورد کشورهای تحت سلطه نظیر ایران که بحران وتورم و .... عمدتاً وارداتی هستند این مسئله را با بیستی تنها در رابطه با کشورهای امپریالیستی جستجو کرد . در این قبیل کشورها اولاً به خاطر عدم تکامل نیروهای مولد ، و وجود دهها هزار واحد تولیدی کوچک اساساً جمع آوری این اطلاعات غیر ممکن است و بطور کلی ارقام مربوط به محاسبه درآمد ملی در این کشورها بطور فرضی محاسبه میگردد و اساساً قابل اعتماد نیستند ثانیاً - اگر هم که این ارقام محاسبه گردند ، بخاطر تحت سلطه بودن ایران ، نمیتوانند همان عملکردی را داشته باشند که در کشورهای امپریالیستی دارند . ثالثاً - جمع کردن این امارتها به امپریالیسم برای داشتن اطلاع از زمینه های پرسود سرمایه گذاری کمک میکند .

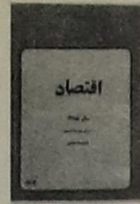
بنابراین به عقیده ما داشتن چیزی که در ایران عملکرد ندارد ، زائداست و از این رومای بخش از کتاب رازاژد میدانیم و معتقدیم که تدریس آنچه که در ایران عملکرد ندارد ، در واقع دورنگهداشتن ذهن دانش آموزان از واقعیات و تبلیغ نظریه های امپریالیستی است .

در این بخش کتاب نتیجه گیری بسیار نادرستی میکند و احکام کاملاً غلطی را صادر مینماید . مثلاً میگوید : " درآمد سرانه مثلاً اگر از ۳۰۰ یا ۴۰۰ دلار بیشتر باشد مملکت توسعه یافته قلمداد میشود و بالعکس اگر کمتر از این باشد توسعه نیافته خواهد بود " (صفحه ۲)

ما از نویسندگان کتاب میپرسیم بر اساس چه اصولی چنین حکامی را صادر میکنید ؟ آیا این اقدام نهایستی با واقعیت هم منطبق باشد ؟ اما واقعیت چیست ؟ مطابق سالنامه آماری سازمان ملل متحد

نظام سرمایه داری است و برای از بین بردن بحران با بیستی علت را که همان نظام سرمایه داری است نباشد میکنند . اما اقتصاددانان بورژوا که هدف آنها نجات سرمایه داری بوده دنبال راههایی بودند که با معلول یعنی بحران مقابله کنند و تا سرحد امکان آنرا تخفیف داده و یا احتمالاً به کنترل خود درآورند . در این زمان دانشمندان مختلف - بورژوازی راههای مختلف را پیشنهاد کردند . راهی را که کمینزارا که داد و در آن زمان بیشتر قابل پیاده شدن بود و به همین دلیل این راه انتخاب شد . کمینز معتقد بود که برای خروج از بحران - سرمایه داری که دولت نقش ارشادی درجا معده داشته باشد و برای این کار لازم است که دولت در درجه اول - اطلاع کافی از اوضاع اقتصادی کشور داشته باشد اطلاعاتی که قبل از آن دولتها هرگز بیفکرت تهیه آن نبودند . از این رو برای نجات از بحران جهانی در سال ۱۹۲۹ در آمریکا اولین قدم برداشته شد ، آمریکا سعی کرد که از کلیه فعالیتهای موجود در کشور - اطلاعاتی کسب کند . چون در آن زمان واحدهای تولیدی در آمریکا عمدتاً غول پیکر و انحصاری بودند جمع آوری این اطلاعات کار بسیار مشکلی نبود ( زیرا که واحدهای کوچک تولیدی جای خود را به واحدهای بزرگ داده بودند و واحدهای بزرگ فعالیت های خود را در دفاتر حسابداری ثبت میکردند و بنا بر این استخراج اطلاعات لازم از این دفاترها نسبتاً آسان بود ) . از این رو از یک طرف برای خروج از بحران احتیاج به اطلاعات کافی بود و از طرف دیگر واحدهای بزرگ تولیدی امکان تهیه این اطلاعات را فراهم میکردند در نتیجه از سال ۱۹۲۹ به بعد این محاسبات در آمریکا انجام گرفت که زمینه اصلی نقش " ارشادی " دولت را در اقتصاد فراهم کرده است بنا بر این محاسبه درآمد ملی در کشورهای امپریالیستی برای پاسخگویی به نیازهای آن





در سال ۱۹۷۵ درآمدهای آمریکا ۶۲۹۱ دلار و کویت ۱۱۴۲۱ دلار و ایران ۱۵۲۹ دلار و عربستان ۳۵۳۸ دلار است. با این حکم کتاب تمام این کشورها توسعه یافته قلمداد میشوند و در بین آنها کویت، از همه توسعه یافته تر است زیرا که درآمدهای آن از همه بالاتر است. چرا از طریق این احکام ذهن دانش آموزان را به آن تحریف میکشید؟ آیا تحریف واقعیات بخوش رقصی و خدمت به امپریالیسم و در واقع بسط فرهنگ استعماری نتیجه دیگری را هم برای دانش آموزان به ارمغان میآورد؟ اصولاً معیار درآمد سرانه وسیله است در دست غارتگران برای فریب مردم چرا که درآمد کشانی چون خیامی ها را با درآمد کشاوری که ماهانه شاید ۵۰۰ تومان هم درآمد داشته باشد، جمع میکنند و تقسیم بر دو میکنند و اسمش را هم میگذارند درآمد سرانه کشور زرخیز ایران!

بخش دوم نیز بر اساس نظرات کینز یا به ریزی شده است. کینز معتقد است پس از آنکه درآمد ملی محاسبه گردید و دولت اطلاع کافی از شرایط اقتصاد درجا معه را بدست آورد باید از طریق سیاست های پولی یا بحران و تورم به مقابله بر خیزد و شدت آن را کاهش دهد.

در این بخش نیز همانند بخش اول این نظریات بطور عمده در کشورهای امپریالیستی مطرح است. اما در کشورهای تحت سلطه نظیر ایران، مکانیزم های متفاوتی دارد که بایستی حتماً مدنظر قرار گیرد.

به عنوان مثال فصل چهارم این بخش در رابطه با تورم است. کتاب بخیال خود انواع تورم، علل پیدایش آن و .... را مطرح کرده است، از نظر کتاب این قوانین در تمام کشورها یکسان عمل میکنند آنکه یکی از مشخصات کشورهای تحت سلطه "تورم وارداتی" است، برای توضیح این

مطلب کارخانه ایران ناسیونال را مثال میآوریم. اگر قیمت لوازم بیکان که در انگلیس ساخته میشود، تحت تاثیر مکانیزم اقتصادی حاکم بر انگلستان، افزایش پیدا کند، قیمت بیکان در ایران نیز افزایش مییابد. این افزایش قیمت ناشی از وابستگی اقتصادی ایران به انگلستان است. این نوع تورم (تورم وارداتی) که در این کشورها رواج زیاد دارد اساساً در کتاب مطرح نشده است.

در این مورد نیز کتاب نقش امپریالیسم را در کشورهای تحت سلطه نادیده گرفته است و این چنین مطرح میکند که تفاوت اساسی بین سیاست های پولی در کشورهای تحت سلطه و امپریالیسم وجود ندارد و نکته مهمتر آنکه اساساً درست است یا این بخش صحبتی از این مسئله به میان نمیآورد که چرا در کشوری بحران بوجود میآید؟ و اگر هم دلائلی میآورد هم معلول علت اصلی هستند که همان نظام استثمار گرانه سرمایه داری است. اما در کتاب فقط به معلول ها میپردازد و ذهن دانش آموزان را به انحراف میکشاند. در حقیقت به تظہیر نظام سرمایه داری پرداخته است و علت این نابسامانیها را (تورم، بحران و ....) در پرده ای از مسائل دیگری پوشانده است.

بخش چهارم از کتاب نیز بر اساس نظریات کینز استوار است. سیاست های مالی یعنی چه؟ فرض کنیم در کشوری بحران وجود دارد. دولت میتواند از طریق افزایش هزینه های خود، تقاضا را درجا معه افزایش دهد و از شدت بحران بکاهد و یا اگر تورم درجا معه است، دولت از طریق کاهش هزینه های خود شدت تورم را کاهش دهد. تصمیمات دولت نیز بر اساس آمار و محاسباتی است که از طریق محاسبه درآمد ملی بدست آمده اند. کتاب میگوید: هزینه ها و درآمدهای دولت چه از



اقتصاد

نظر کمی (یعنی رقم و حجم کل مخارج و درآمدهای دولت) و جهت کیفی (یعنی ابعاد و جنبه های برنامه های انجام شده و منابع درآمدی و صوری) نقش بسیار اساسی در سلامت و تعاون اقتصادی و اجتماعی ایفاء میکند. به این ترتیب حالتی که عمومی برای دولت ها بصورت اجزای اساسی هدایت و ارشاد اقتصادها معنویکی از مؤثرترین و اساسی ترین تحقق هدف های اقتصادی و اجتماعی درآمدها است.

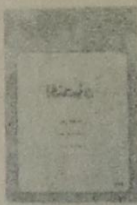
صفحه ۱۲۵

(تاکید از ماست) اشتقاق لغت معنی است

ما میگوییم، اگر قرار بود که هزینه های دولت "سلامت" و "تعاون" در اقتصاد ایجاد کنند، پس در ظرف چندین سال گذشته که دولت ایران تألیفاتی را در زمینه های دولتی و دولتی میگرداند، پول نفت درآمدها خرج میگرداند، اما معما میماند که چرا اقتصاد سالم بر خوردار باشد. واقعیت این است که کتاب، از این طریق دخالت دولتی را مورد اقتضای توجیه میکند و میگوید به دانش آموز اینطور بنگرند که دولت ایران باید درجا معجزه کند.

اما واقعیت چیست؟ نگاه کوتاهی به هزینه هایی که رژیم پهلوی صرف کرده است نظیر خرید هواپیماهای جاسوسی، ایجاد پایگاه های نظامی و صنایع موشک و ... بخوبی گواهی میدهد. بودن حکم ماست. بعنوان مثال رژیم سابق "سد گز" را ایجاد کرده است ولی بجای آنکه از آب این سد در پیشرفت کشاورزی منطقه و آباد کردن درآمدها استفاده کنند، روستاها را از طریق سد را به رودخانه های خود از دست دادند و زمینهای آنها را به واحدهای کشاورزی کشت و صنعت یا شراب های میزبان صنعتی دادند و بجای آنکه در این زمینها به کشت محصولات آبپز مانند که مورد نیاز جامعه خودمان باشد، اراضی را در اختیار اقطاع من به محصولات و مواد غذایی نظیر مرغوبه

معلم شماره شانزده سال



و صنعت، دادند که اختیارات صنایع غرب و طرف میبازد. در واقع دولت هزینه های با ختن سدا را در حساب ملیت برداخته است و سود آنرا شرکت های امیرالاستی میگیرند. این است بیبوی از هزینه های "دولت" در واقع "هزینه های دولتی" بجای اینکه "سلامت" و "تعاون" اقتصاد را موجب گردد، در خدمت بیط حلقه امیرالاستی ایران بکار گرفته شده اند.

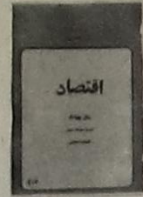
در این به بخش که بحث شد کتاب باره ای از معامی اقتصاد را به پشت سر هم ردیف کرده، بدون آنکه کوچکترین توجیهی به این نکته بکنیم که کتاب در کجا و برای چه کسانی نوشته شده است. اگر کتابهای درسی اقتصاد را که در کشورهای امیرالاستی تدریس میشوند ورق بزنیم یا همان معامی که در این کتاب به چشم میخورد مواج می شویم. به اعتقاد ما کتاب در طرح مبائل، کلی بافی کرده است و هیچ برخوردی به چگونگی عملکرد این معامی در ایران نکرده است زیرا در این صورت خود کتاب نیز ناچار میشد که گفته های خود را نقض کند.

در مورد بخش ۲ کتاب یعنی توسعه اقتصادی، بحث زیادی لازم است که از حوصله این مقاله خارج است. ما فقط به ذکر چند نکته در این مورد اکتفا میکنیم.

در مورد طرح مشخصات کشورهای تحت سلطه (یا بقول کتاب توسعه نیافته) کتاب از ۵ مشخصه صحبت میکند عبارتند از: ۱- تولید مواد خام و اولیه ۲- جمعیت زیاد و انبوه ۳- کمبود سرمایه ۴- ضعف مدیریت ۵- نابرابریهای فرهنگی و اجتماعی و ... بهداشت. صرف نظر از آنکه آیا این مشخصات درست است یا نه که خود احتیاج به بحث طولانی دارد، سؤال ما این است که آیا این مشخصات علل توسعه نیافتگی است و یا معلول آن؟ در صورتیکه



## ..... و هیئت



کشورهای تحت سلطه "موسیقی شیکونید و در واقع  
راهی را می‌بیند که می‌تواند به وسیله آن به

در بیان فصل دوم از بخش دوم کتاب نظرات  
خود را درباره توسعه نیافتگی بطور بسیار روشن  
و واضح بیان کرده است. در  
صفحه ۲۹ کتاب از می‌کینلند یک نقل قول می‌آورد  
که می‌گوید:

"فشار و فشار اجتماعی به ساختن و ایجاد کردن  
و به تغییرات دیگر فزونی آید بر مشکلات یکسان  
نیست. این نیروی متغییر را می‌توان به رغبت و علاقه و  
درجات مختلف کشش و فشار اجتماعی برای تغییر  
دادن سرنوشت خود زائیده میراث فرهنگی است.  
"از کوزه همان برون تراود که در اوست"

"اما اگر بخواهیم که چرا ایران توسعه نیافته  
است؟ جواب می‌دهد: "علاقه و درجات متفاوت کشش  
و فشار اجتماعی برای تغییر دادن سرنوشت خود را -  
که زائیده میراث فرهنگی است" در ایران وجود  
نداشته است. و "از کوزه همان برون تراود که  
در اوست". بلکه بطور روشن می‌خواهد بگوید که  
مالیقت بیش از این را نداریم، ما علاقه و کشش -  
برای تغییر سرنوشت خود نداریم.

این جکیده محتوای کتابی است که از طرف  
وزارت آموزش و پرورش برای تدریس در مدارس تعیین  
شده است. آن وقت آقایان می‌خواهند بدهد -  
با این دستور که "عکس‌های شاه و خاندان او را از  
صفحات اول کتاب باره کنید" فریب بدهند. حال  
آنکه اگر عکس‌ها هم باره شوند و اگر مقدمه‌ای هم  
بر کتاب نوشته شود، محتوای کتاب هنوز همان -  
فرهنگ استعماری است و چیزی جز تبلیغ برای -  
امپریالیسم نیست. آری ما هم می‌گوئیم "از کوزه  
همان برون تراود که در اوست" از وزارت آموزش  
و پرورش چیزی جز این هم نمی‌توان انتظار

بقیه در صفحه ۳۴

واقعاً قصد توسعه اقتصادی یک کشور را داشته ایم  
بایستی علت‌ها را بشناسیم. بدینسان تنها خنثی‌سازی  
ها ما به امپریالیسم در رابطه آن کشورها می‌رسد  
تحت سلطه می‌رسیم. تمام مسائل تنها به علت وجود  
امپریالیسم در این کشورها نمی‌باشد. هرگز نیست  
بر خوردی به توسعه اقتصادی، بدون برخورد و روشن  
ناظر به نقش امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه  
در واقع به انحراف کشیدن مسئله و منحرف کردن  
ذهن توده‌های دانش‌آموزان از شناختن امپریالیسم است  
اما در سرتاسر بحث توسعه اقتصادی در کتاب جایی  
با کلمه امپریالیسم هم برخورد نمی‌کنیم. شاید  
نویسندگان کتاب هم مانند آقای بلورگان معتقد  
که "امپریالیسم غلط، فمطرح است" اکثراً تنها به  
به معلول‌ها در کشورهای تحت سلطه اکتفا می‌کنند  
بسیار میهم و ناروشن و غلط برداشته است. آیات  
این جز خدمت به بسط فرهنگ امپریالیستی است

مواضع ارتجاعی کتاب در مورد توسعه اقتصادی  
وقتی روشن تر می‌شود که کتاب درباره سیاست‌های  
توسعه اقتصادی می‌نویسد: "... تجربه کشورهای  
توسعه یافته امروز می‌تواند سرمشق برای توسعه  
نیافته‌ها باشد. ...." (صفحه ۶)

هل الخالق. این دیگر چه حکمی است؟ چگونه  
یک کشور تحت سلطه می‌تواند برای توسعه یافتن  
الگوهای را که در کشورهای امپریالیستی پیاده -  
شود بکار گیرد؟ مگر نویسندگان کتاب نمی‌دانند  
که کشورهای تحت سلطه امروز زیر نفوذ مستقیم و -  
غیر مستقیم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی  
امپریالیسم قرار دارند؟ چگونه این کشورها می  
توانند سیاست‌های مستقل خود را پیاده کنند؟

اینجاست که کتاب از زمینه‌بینی‌هایی که در  
بخش‌های مختلف می‌کند استفاده می‌کند و از این طریق  
می‌خواهد که نظریات اقتصادی امپریالیستی را به  
زور به دانش‌آموزان قالب کند. تا از این "الگو"

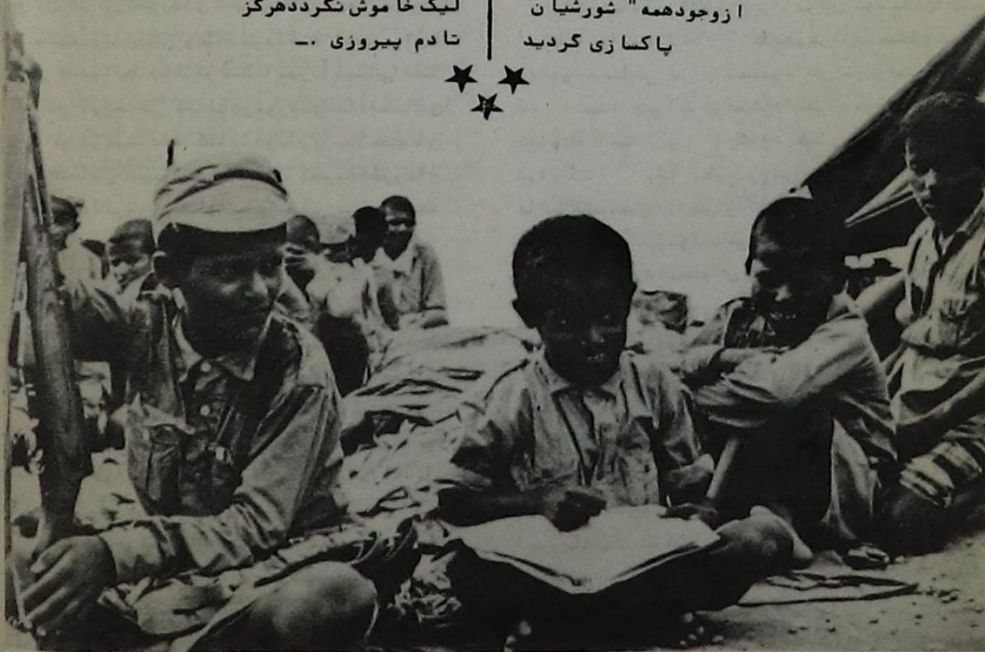


## تداوم....

"تپه‌ها" ساکت و خاموش شدند  
اینک آراش و امنیت محض  
تابه غارت ببرند  
ارتجاع، استعمار  
هستی توده زحمتکش را  
وبه زنجیر اسارت بکشند  
خلق محروم و ستمدیده عمان را  
وهتوز، حائیان نشئه این فکریعت  
که طلبیه شفق سرخ امید  
و خروش، خلق بیدار و مسلح  
برطین تر، بر توان ترا ز پیش  
لرز، برپیکر دشمن افکند  
جنبش خلق، افت و خیزی دارد.  
لیک خاموش نگردد هرگز  
تادم پیروزی -

بمناسبت ۱۹ خرداد سالروز آغاز مبارزه  
مسلحانه خلق قهرمان عمان

دشمنان مزدور و جنایتگر خلق عمان  
پشتگرم زر و زور ارباب  
این جهانخوار بلید  
از بی آن همه خون و سرکوب  
غارت و ظلم و جنایت  
چه سفیهانه ندادند.  
که به پایان آمد  
"شورش مثنی چند"  
"جاده سرخ"  
از وجود همه "شورشیان"  
پاکسازی گردید





## مقاله

امیرالیم  
عبدالرسول باطلم

کلمه آزادی  
انشاء فقط یک  
یعنی آزاد شدن  
ببینیم اسارت  
موضوع کلی بیاد  
اسیری، کسان  
های پولادین ست  
مکنند، چرا؟  
دیگر زنجیر نیستند  
خواندن کتابها  
زیرکبار گلوله  
آزادی سازمان  
مغوف آمریکا و جو  
جست، چون پر  
بربال آورده اند  
نمی توانند بگویند  
کسی می شناسد که  
ولی آن کسی که  
بگوید آزادی

بقیه ۱۵ خرداد

آزادی ها و حمل  
رحمانه خلق ها  
به آسیاب ام  
مردم روز به روز  
خواهند شناخت  
که در صدد تح  
لیم اند از

## کانون مستقل معلمان تهران

است مهیوم مبارزه با فرهنگ استعمار ی و یو زین فرهنگ ی انقلابی

مسئولین آموزش و پرورش بجای آنکه پیگیر اندک کساری محیط های آموزشی  
از عوامل سلواک و وابستگان به رژیم سابق راد نبال کنند به اخراج - تبعید و  
بار نشسته کردن معلمان مترقی و مبارز بدلیل عقیدتی پرداخته اند. آیا این

مندی بودن -  
وجود دارد  
تجاشی بر  
یست  
ان ایران

ده ام  
ن ولی  
میرالیم  
دشمن  
لی در -  
رگ بر  
میدانم  
م ظلم  
م میکند  
ان  
هم دادن  
ده

۱

ممكن معلمان نايمين بايد كرد.

همكاران: بانك فرهنگيان دربانك ملت اذغام كرديد ولى مشكل ممكن فرهنگيان  
فهرچنان يا برحسب دولت بايد كارنامه عارت ۳ ساله اين بانك را از فرهنگيان  
اخصا كند و با امويت شركت تقويزى ممكن معلمان بعل اين مشكل كمك نمايد  
كانون مستقل معلمان تهران

عيت



شماره مسلسل ۱۲



## مقالاتی از دانش آموزان

امپریالیسم و آزادی از دیدگاه دانش آموزان  
عبدالرسول باطینت کلاس ۵ شعبه پنج  
آزادی چیست

کلمه آزادی معانی بسیاری دارد که در این انشاء فقط یک معنی آن را بیان میکنم. آزادی - یعنی آزاد شدن از زنجیرهای اسارت است - حال ببینیم اسارت یعنی چه؟ من معنی اسارت را بدین موضوع کلی بیان میکنم. بنظر من اسارت یعنی اسیری، کسانی که در دام ظالمی و در زیر زنجیرهای بولادین ستمگران رنج میبرند و آزادی را فریاد میکنند، چرا؟ چون آنان میدانند که در آزادی - دیگر زنجیر نیست دیگر شکنجه نیست. دیگر با ظر خواندن کتابهای نویسندگان بزرگ انقلابی اورادر زیر بار گلوله های آمریکائی نخواهند گرفت در - آزادی سازمان یافتائی چون ساواک و سازمان سیا مغوف آمریکا وجود ندارد. بلی آنان میدانند آزادی چیست. چون پرندگان درخون غلتیده پیام بسته بربال آورده اند که آن آزادی است. البته همگان نمیتوانند بگویند آزادی چیست؟ زیرا آزادی را - کسی میشناسد که رنج کشیده باشد در فقر غرق باشد ولی آن کسی که در ثروت غوطه میخورد نمیتواند بگوید آزادی چیست زیرا اصلا نمیداند آزادی چه

کلمه ای است و فقط میدانند که در ثروت و تنبذ بودن - آزاد است حال که انقلاب کردیم آزادی وجود دارد اما آن آزادی که خلق زحمتکش ما با مشت هائی بر افراشته فریاد میکرد این آن آزادی نیست. به امید آزادی و پیروزی خلق قهرمان ایران

☆☆☆

امپریالیسم یعنی چه

امپریالیسم آنطور که من میدانم و شنیده ام امپریالیسم یعنی آمریکا و دارو دسته آن و لسی نمیدانم که خود امپریالیسم یعنی چه امپریالیسم آمریکا که به جهان خواری معروف است و دشمن اصلی ما به حساب می آید و ما هم که خیلی در - تظاهرات ضد آمریکا شرکت کردیم فریاد مرگ بر امپریالیسم آمریکا گفتیم از این جا من میدانم که امپریالیسم یک چیزی است که بر مردم ظلم میکند و مال مردم را میخورد و به مردم ستم میکند و خود را بزرگ همه میداند برای نابودی این - امپریالیسم فقط با وحدت و دست به دست هم دادن میتوان آن را نابود کرد و از بین برد. افشین قلمی زاده

☆☆☆

بقیه ۱۵ خرداد... از صفحه ۱۱

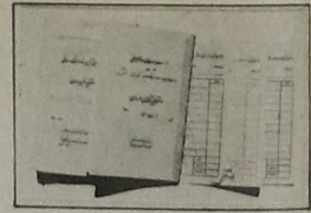
آزادی ها و حمله و ضرب و جرح زحمتکشان و کشتاری رحمانه خلق ها، اخراج و تبعید افراد مبارز، آب به آسیاب امپریالیسم میریزند. اما توده های - مردم روز به روز چهره این دشمنی های امپریالیسم را بهتر خواهند شناخت و با صفوف متحد و متشکل خود انانی را که در صدد تحکیم وابستگی و حفظ سلطه امپریالیسم اند از صحنه تاریخ میهن مان خواهند ربوید.

☆☆☆









و دارو یا پرداخت فرانشیز ۲۰٪ (توسط بیمه گزار) انجام میشود به شرط اینکه بیمار فقط به پزشکان یا موسسات درمانی طرف قرارداد با سازمان بیمه مراجعه کند و نیز مخارج درمان بیمارهای طویل العمدت و مزمن پس از شش ماه فرانشیز ۵۰٪ خواهد داشت.

ملاحظه میشود که پرداخت فرانشیزهای مذکور برای معلمان کم درآمد غیر قابل تحمل است و علاوه بر این برای درمان بیمارهای غیر از سرما خوردگی زکام و آنژین در مورد بیمارهای که به تخصص پزشکی نیاز داشته باشند استفاده از خدمات تخصصی محدود به پزشکانی است که با سازمان بیمه طرف قرارداد میباشد و میدانیم که در اجتماع ما گروهی از پزشکان حادث و متخصص که دریافت حق ویزیت نقدی را ترجیح میدهند و با سازمان بیمه قرارداد نمی بندند، لذا معلمان ناچارند با پذیرفتن این محدودیت ها از امکانات پزشکی مفید محروم باشند. سابقا این محدودیت وجود نداشته و بیماران می توانستند با استفاده از دفترچه بیمه به پزشکی که مایلند، مراجعه نمایند و این خود استفاده از امکانات پزشکی به ترو وسیع تری را برای بیماران فراهم میساخت ولی در حال حاضر فقط میتوانند از پزشکی که با سازمان بیمه قرارداد دارند استفاده نمایند.

۲- هزینه خدمات بیمارستانی تا یک ماه بستری شدن در بیمارستان در سال با فرانشیز ۱۰٪ توسط سازمان بیمه درمانی پرداخت میشود.

بنابر این قرارداد، بیماران صعب العلاج با بیمارانی که سالی چند بار دچار بیماری یا حادثه شوند بیش از یک ماه در سال از تسهیلات بیمه درمانی برای بستری شدن در بیمارستان نمیتوانند استفاده کنند و با وجود پرداخت حق بیمه، کلیه هزینه ها به عهده خودشان محول خواهد شد.

با این توجه داشت که اگر رفاه بیماران مدنظر اولیاء امور میباشد توجه به گران بودن خدمات بیمارستانی فرانشیز کمتری دریافت میشود و حال آنکه در اینجا (در این قرارداد) کاملاً برعکس مقرر شده است و فرانشیز خدمات بیمارستانی نسبت به فرانشیز معالجات سرپایی دوبرابر شده و بجای کاهش، افزایش یافته است.

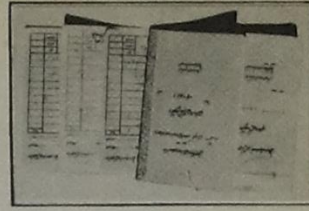
۳- مخارج زایمان های اول و دوم تا ۵۰٪ هزینه بیمارستان و پزشک به عهده سازمان بیمه خدمات درمانی است و بقیه به عهده بیمه گزار میباشد، واضح است که فرانشیز ۵۰٪ برای زایمانی که مخارجش بیش از چند ماه حقوق یک معلم میشود و بسیار گران است، بخصوص که طبق این تصویب نامه تمام مخارج زایمان بچه دوم به بعد به عهده بیمه گزار است.

۴- درمان نازائی و عقیم بودن جزء خدمات بیمه آموزش و پرورش قرار ندارد. در حالی که در جای دیگر قرارداد بیمه مقرر شده است: هزینه کورتاژ و بستن لوله های رحم و کاناال دفن بدون فرانشیز انجام خواهد گرفت معلوم نیست چرا بیمه هزینه درمانی نازائی و عقیم بودن را به عهده نمیگیرد اما هزینه عقیم کردن را حتی بدون فرانشیز میپردازد؟ ۵- در قرارداد بیمه، اعمال جراحی که بمنظور زیبایی و یا برطرف کردن نواقص مادرزادی استفاده کننده انجام میگردد به عهده سازمان بیمه نمیشود. ملاحظه میشود که جراحی بمنظور زیبایی را برپا جراحی برای رفع نواقص مادرزادی تلقی شده و ضرورت جراحی برای رفع نواقص مادرزادی به ناحق انکار گردیده است.

۶- طبق قرارداد بیمه، هزینه تهیه دندانهای مصنوعی - عینک - شکم بند - جوراب واریس - کمرتهای طبی - دست و پای مصنوعی به عهده سازمان بیمه نمیشود.

به این ترتیب سازمان بیمه از تهیه وسائلی





که برای بهبودیا درمان بسیاری از بیماریهای رایج و همه گیر ضرورت دارد سرباز میزند.

در مورد خدمات دندان پزشکی، هزینه کشیدن دندان و معالجات لثه جزء درمان سربازی محسوب شده است و سایر هزینه های معالجه دندانها بعهده بیمار است.

بنابراین با گرانی سرسام آور هزینه های دندان پزشکی، معلمان عملاً از معالجه دندانها قطع امید کرده به ناچار به کندن دندانهای خراب شده تن در میدهند.

۷- برابری مقررات بیمه، هزینه درمان بیماریهای که استفاده کننده قبل از شروع برپه تا مین درمان به آن مبتلا باشد مورد تعهد سازمان بیمه نمیشود.

اینهم نمونه ای است از سودپرستی سازمان بیمه و روشنگر هدفهای مادی این قرارداد. چرا که اگر هدف، توسعه بهداشت و تامین سلامت معلمان باشد معالجه بیماریها باید مورد توجه قرار گیرد نه تاریخ شروع بیماری.



نتیجه اینکه وضع فعلی بیمه درمانی بهیچوجه پاسخگوی نیازهای بهداشتی معلمان نمیشود و آسودگی خاطر و ایمنی و سلامتی آنان را تضمین نمیکند.

ضرورت دموکراسی در هرجا معاذ الله اجتناب نمیکند که شرایط مساوی برای آموزش و پرورش و بهداشت همگانی فراهم آید و درآمد و طبقه اجتماعی و سبک زندگی و تفریبات فردی و اجتماعی، وجه تمایز دریافت این خدمات نباشد.

لازمست بیمه درمانی، بیمه عمر، بیمه حمایت در برابر اثرات ناشی از پیری، از کار افتادگی و فوت به صورت قانونهایی به تصویب رسیده توسط دولت

اجراء گردد و موسسات بهداشتی جامعه هزینه های خود را از دولت دریافت دارند و ملزم به ارائه خدمات رایگان به همگان باشند. فقط در این صورت است که از انعقاد و اجرای قراردادهای سود پرستانه جلوگیری بعمل آمده و همه افراد اجتماع از مزایای قوانین صحیح و مترقی بیمه برخوردار خواهند شد.

این بررسی مختصر نشان میدهد که قوانین و مقررات فعلی بیمه که در حقیقت همان قراردادهای ظالمانه و سود پرستانه بیمه در رژیم ضد خلقی گذشته است، بهیچ رو نمیتواند نیازهای معلمان را در این زمینه پاسخگو باشد و از این رو ضرورت الفای آنها و تدوین مقرراتی که منافع کلیه کارکنان دولت منجمله معلمان را در زمینه خدمات درمانی تامین نماید، احساس میشود.

متأسفانه تاکنون کوچکترین قدمی در این راه از طرف مسئولان امر برداشته نشده است و معلمان با مشکلات ناشی از وضع نابسامان بیمه درمانی مواجه اند.

ما استفاده از خدمات درمانی مناسب را بر مبنای قوانین و مقرراتی که بر اساس نیازها و خواسته های واقعی کارکنان دولت باید تدوین گردد، حق طبیعی و مسلم خود میدانیم و خواهان تغییرات اساسی و بنیادی در زمینه بیمه فرهنگیان میباشیم.





## گزارشی از میتینگ اعتراضی کانون مستقل معلمان تهران

نامه میتینگ قراشت گردید.



خلاصه ای از پیام های کانون های مستقل

معلمان شهرستانها بمناسبت میتینگ

اعتراضی کانون مستقل معلمان تهران

پیام فرهنگیان ترکمن صحرا

با درود بی پایان بر شهدای به خون خفته خلق های قهرمان ایران

دردگیری های بهمن ماه ۵۸ گنبدکه از طرف فتودالها و دیگر یادی داخلی میریالیم به مردم زحمتکش منطقه ترکمن صحرا تحمیل و باعث بوجود آمدن فجایع بی شماری گردید، عده زیادی از مردم بیگناه و از آنجمله تعدادی از فرهنگیان زحمتکش ناچار شدند.

معلم مبارز عبدالحکیم مختوم که قبل از درگیری هادستگیر شده بود در زندان جمهوری اسلامی ترور میشود. رحمت اله منصور، عبدالحکیم شهنازی، خوجه محمدنیرومندی و حاجی قلی نور قلی پور فرهنگیان منطقه در خانه های خود و هم چنین تعداد زیادی از دانش آموزان آگاه و مبارز منطقه چون بهروز آخوندی با فحیح ترین و ناخوارانه ترین شکل توسط ایادی زمین داران بزرگ و مزدوران ارتجاع محلی شهید میشوند. - اخیرا هفت نفر از فرهنگیان گنبد اخراج و تعداد ۱۲ نفر به شهرهای قم، یزد، شاهرود، کاشان و اصفهان تبعید میشوند.

ما اینگونه اعمال توطئه گرانه را در منطقه ترکمن صحرا و سایر نقاط ایران شدیداً محکوم نموده ملت قهرمان ایران بویژه فرهنگیان مبارز و دانش آموزان آگاه و انقلابی را که همیشه پشتیبان نیروهای مترقی و مردمی میباشند به قضاوت طلبیده و حمایت کلیه نیروهای مترقی را در جهت مقابله با این توطئه خواستاریم.

کانون مستقل معلمان تهران - بمنظور اعتراض به اخراج، تبعید، تعلیق، بازنشستگی، تحمیلی، ترور و اعدام معلمان مبارز و انقلابی در سراسر کشور، میتینگ در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۵۹ در میدان آزادی برگزار نمود.

در این میتینگ که با شرکت هزاران نفر از هوپشان، دانش آموزان، معلمان آگاه و مبارز تشکیل گردید، ابتداء مقاله ای در زمینه "مشکلات معلمان و ضرورت تشکیل آنان" قراشت گردید و آنگاه تئیهاتی که در مدت یکسال تحصیل بصورت های مختلف بر معلمان وارد شده بود، بطور مستند گزارش داده شد و سپس در مقاله "نظری به بخشنامه های وزارت آموزش و پرورش پس از قیام" با نقل مختصری از این بخشنامه ها، نقد خلاصه ای از آنها، عملکرد های وزارت آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفت و آنگاه معلمی از ناحیه ۱۲ در مورد اخراج و بازنشستگی گروهی از همکاران خود سخن گفت.

در فاصله این مقالات و سخنرانیها، پیام های کانون های مستقل معلمان شهرستان های اصفهان ترکمن صحرا، کرج، سقز و قزوین و نیز پیام کانون مستقل دانشگاهیان و پیام گروهی از دانش آموزان قراشت گردید و پیام های کانون ها و جمعیت های دمکراتیک دیگر (جمعیت کردهای مقیم مرکز - شوراهای دیپلمه های بیکار - کانون زندانیان سیاسی - کانون کارکنان ترقیخواه - بانک مرکزی - کانون مستقل فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدارس عالی، کانون نویسندگان ایران) بعلت کمبود وقت در میتینگ خوانده نشد که با تشکر فراوان از کلیه این کانون ها و جمعیت ها به درج خلاصه ای از پیام های آنان میپردازیم. در این میتینگ سرود معلم و سرود صمدکه توسط کانون مستقل معلمان تهران تهیه گردیده است بوسیله دانش آموزان خوانده شد و در پایان قطع



پیام کانون مستقل معلمان قزوین

همکاران مبارز! ... گرچه ما بایگسور  
سیردن رژیم شاه میدانستیم تا پیروزی نهائی  
راه بسی درازی در پیش است و تا قطع نفوذ همه  
جانبه امپریالیسم و نابودی پایگاه داخلش سخن  
گفتن از پیروزی انقلاب خطاست، با اینهمه ما  
معلمان خواستار این بودیم که دیگر نظام مدیریت  
آمریکائی بر مدارس حاکم نباشد، اختناق و -  
تفتیش عقاید و تبعیض وجود نداشته باشد، محیط  
های آموزشی از وجود عناصر ساواکی و خدمتگزاران  
رژیم سابق پاک شود. .... اما نه تنها این  
انتظارات برآورده نشد بلکه برعکس انتظارات  
مادستگاه آموزش و پرورش کشور در رابطه با  
معلمین و دانش آموزان و رعایت اصول انسانی و  
انقلابی به حقوق دمکراتیک آنان لطمه های -  
فراوانی وارد نمود.

کانون مستقل معلمان قزوین ضمن اعلام آمادگی  
بمنظور مشارکت در پی ریزی آموزش و پرورش انقلابی  
خواهان:

- ۱- استقرار نظامی تربیتی هستیم که در آن  
اختناق و تبعیض نباشد.
- ۲- اداره امور مدارس بدست شوراهای واقعی  
دانش آموزان و معلمان هستیم.
- ۳- پاکسازی عناصر صلاواکی و مزدوران رژیم  
منفوق پهلوی از کلیه موسسات آموزشی هستیم.
- ۴- جلوگیری از اخراج و تبعید غیرانسانی  
معلمان مبارز و انقلابی هستیم و همچنین خواهان  
بازگشت مجدد معلمان انقلابی که بعد از قیام اخراج  
و تبعید شده اند به سرکارشان میباشیم.
- ۵- تغییر محتوای کتب درسی صورتی که با  
مضمون جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای  
ایران انطباق داشته باشد.

متأسفانه پیام فرهنگیان سقز و کانون مستقل  
معلمان کرج، اصفهان و نیز پیام گروهی از دانش  
آموزان دبیرستان های تهران که در میتینگ قرائت  
گردید در اختیار امان قرار نگرفت تا در این جابه درج  
آنها اقدام نمائیم.



خلاصه ای از بیامهای کانونها و جمعیت های  
دمکراتیک به مناسبت میتینگ اعتراضی  
کانون مستقل معلمان تهران

پیام جمعیت کردهای مقیم مرکز  
هموطنان گرامی: نگاهی به شهدای انقلاب نشان  
میدهد که مشعل مبارزات ضد استبدادی میهن مار  
سال هائسلی دردست گرفته بود که هنوز کتاب در  
رادر دست دیگر داشت. به بیان دیگر مدرسه و -  
مکتب معلم یکی از کانون های اصلی سرچشمه های  
بویای انقلاب خلقهای ایران بوده و زایش و -  
بویائی این سرچشمه همچنان ادامه دارد.

هرگونه تهاجمی به مدرسه و دانشگاه، این  
کانون های مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریا  
لیستی، دقیقاً خدمت به استبداد و آب به آسیاب  
امپریالیسم ریختن است. اعمال هرگونه اختناق  
و فشار به معلمان کشور دقیقاً خشکاندن این -  
سرچشمه لایزال انقلاب است.

هموطنان: کردستان مشعلدار مبارزه برای -  
تأمین آزادی ها و حقوق دمکراتیک خلق کردنی  
همچون سایر نقاط میهنمان نسل جوانی است که  
به عنوان معلم یا محصل از مدرسه برخاسته است  
بیدلیل نیست که اولین تدارک این یورش جدید  
از کامیاران شروع شود و هدف اصلی آن معلمان  
مبارز کامیاران بود و اینک نه تنها مدارس -  
کامیاران بیش از سه ماه است که تعطیل شده بلکه  
بیشتر مدارس سنج، مریوان، سقز، بانه با  
توپ و خمپاره تخریب شده و کودکان کردستان اسال  
کلاسهای درسی را در کانون های مقاومت تشکیل  
داده اند.

ما زهیم معلمین آزاده درسرا برای ایران  
استعداد مینمائیم و از آنها میخواهیم که همچنان  
و این بار با قاطعیتی بیشتر در افشای این  
تحمیلی و خانمانسوز برای توده های زحمتکش  
بکوشند.

پیام کانون زندانیان سیاسی ایران ( ضد  
امپریالیست، ضارتجاع داخلی )  
معلمان مبارز و آگاه:

خلق های قهرمان ایران در جریان مبارزه -



طولانی خود علیه ستم امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا جلوه‌های مختلفی از - فرهنگ مبارزاتی را متحلی ساخته و با اشتراک عمل کلیه گروه‌هایی که صاحب فرهنگ‌های مختلف مبارزاتی بودند، توانستند دولت تهاجمی و وابسته سلطنتی را متلاشی سازند.

بدنبال پیروزی مردم بعضی از احزاب و گروه‌ها که در مواضع کلیدی قدرت قرار گرفتند، کوشیدند تا در روز قرار دادن گروه‌هایی که فرهنگ مبارزاتی متفاوت دارند، روند اصلی مبارزه - مشترک خلق علیه امپریالیسم آمریکا را متوقف ساخته و روندی کاذب برای مبارزه مردم ایران برانند.

امروز نیز در رابطه با فرهنگیان و معلمان مبارز و انقلابی که نقش عظیم و خلاقشان در دوران انقلاب و بسیج همه‌جانبه توده‌های دانش‌آموز توسط آنان، بر هیچ کس پوشیده نیست، اعمالی از این دست مشاهده می‌شود. طبق اخبار رسیده تعدادی از معلمان مبارز به بهانه‌های مختلف از جمله بهانه‌های عقیدتی تهدید به اخراج، تبعید و بازداشتگی زودرسی شده‌اند.

از آنجا که این اعمال هدفی جز از بین بردن - دست‌آوردهای مبارزات ضد امپریالیستی مردم ندارد و در صورت تحقق مبارزه مشترک مردم ایران علیه امپریالیسم را متوقف می‌سازد، آنرا محکوم کرده و از خواست‌های برحق شما حمایت می‌کنیم.

بیم کانون کارکنان ترقیخواه بانک مرکزی ایران تهاجم روزافزون نیروهای سلطه طلب و واپس گرا به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک هر روز ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند و هر روز حوزه جدیدی از این حقوق و آزادی‌ها را هدف قرار می‌دهد.

بدنبال نمایش "انقلاب فرهنگی" که در واقع هدف عمده آن بستن دانشگاه‌ها - این کانون‌های طلوع آگاهی‌های توده‌های مردم - و قطع ارتباط مردم با این سنگر مشترک مبارزه و این کانون گرام آگاهی بود - دست‌اندازی به مدارس و آموزش و پرورش شروع شده است.

موج بازداشت‌ها، تبعیدها و بازداشت‌ها کردن

ها و اخراج و حتی اعدام مبارزترین، صادق‌ترین، و زحمتکش‌ترین معلمان را تا ماچ خود قرارداد و روزی نیست که خبری از دستگیری و اخراج و بازداشتی آنها در گوشه و کنار کشور بیگوش نرسد.

این شیوه عمل تصفیه که دقیقاً در مورد -

معلمینی با گرایشات سیاسی وابسته و لویژیک -

خاصی صورت می‌گیرد در شرایطی انجام می‌گیرد

که طبق اصل ۲۳ قانون اساسی تفتیش عقاید -

ممنوع است و طبق اصل ۲۸ تا مبنی شغل برای شهر

و ندان ایرانی از وظائف اساسی دولت است.

ما اعضای کانون کارکنان ترقیخواه بانک

مرکزی ایران در راستای دفاع از حقوق و آزادی‌های

دموکراتیک و نیز مبارزه در راه تا مبنی امنیت

شغلی و وظیفه خود میدانیم که همگام با معلمان

مبارز و متعهد فریاد اعتراض خود را به گوش

مردم و مقامات دولتی برسانیم و حمایت و پشتیبانی

بانی خود را از حرکت اعتراضی کانون مستقل

معلمان اعلام نمائیم.

پیام شورای دیپلمه‌های بیکار:

دوستان، هموطنان، آموزگاران مبارز.

در حالیکه یکسال و اندکی ز قیام شکوهمند خلیج

می‌گذرد، هنوز مشکلات زیادی برجا مانده حکم فرماست

که نه تنها در راه رفع آنها قدم‌های اساسی و بنیادی

برداشته نشده بلکه به عناوین گوناگون در مقابل

حل این مشکلات سنگ‌اندازها صورت گرفته است.

در حالیکه کارخانجات زیادی از کار افتاده

است و شمار بیکاران بالغ بر چند میلیون نفر است.

در این رابطه بجای ریشه‌کنی بیکاری، بیکاران

را ریشه کن می‌کنند. در اندیشه، کرمانشاه، -

بندر عباس و درود و .... بیکاران را سرکوب و به

خاک و خون میکشند.

در حالیکه با کمبود معلم در کشور روبرو هستیم

آموزگاران مبارز و آگاه را با عناوین واهی و -

شیوه‌های ضد مردمی تصفیه و اخراج می‌کنند.

ما با شرکت در میتینگ کانون مستقل معلمان

هم بستگی خود را اعلام می‌داریم.



پیام به گردهمایی کانون مستقل معلمان - چهار  
شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۹

باردیگر آزادیها و حقوق دموکراتیک در جامعه  
ما مورد تهدید قرار گرفته است.

باردیگر ارتجاعیون و عوامل امپریالیسم  
جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا میکوشند  
با دستگیری و اعدام انقلابیون، با سرکوب دانش  
گاهها، با کشتار خلقها، با تحمیل سانسور و اختناق  
و با تصفیه معلمان انقلابی و متعهد، آرا——ش  
گورستان را برجا معه ما حکمفرما سازند و از رشد  
آگاهی مردم جلوگیری نمایند.

معلمان متعهد و مبارزان اکنون رسالت  
عظیم و تاریخی را در جهت رشد آگاهی مردم، -  
تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران و  
زدودن توهّمات توده‌ها برعهده دارند، و بهمین  
دلیل است که اکنون خود را با تبعید و بازداشت‌گی  
اجباری و اخراج و دستگیری مواجه مییابند.

معلمان متعهد، ما از مبارزات و مقاومت شما  
پشتیبانی کرده و تصفیه معلمان مبارز و انواع  
تضییقاتی را که برای شما بوجود آمده محکوم  
میکنیم.

میباید باردیگر دست در دست معلم داد و در -  
صف خلق، برای دفاع از دستاوردهای مبارزات  
خونبار خلقهای قهرمان ایران بپایستاد و این  
بار شاهد پیروزی نهایی خلق بر امپریالیسم  
و عمالش خواهیم بود.

کانون مستقل دانشگاهیان دانشگاه صنعتی  
شریف - کانون مستقل استادان دانشگاه ملی -  
ایران - کانون استادان موقی دانشگاه شیراز  
- گروهی از اعضای هیئتهای علمی دانشگاههای  
تهران - پلی تکنیک و علم و صنعت.

پیام کانون مستقل فارغ التحصیلان دانشگاهها  
و مدارس عالی

دوستان، آموزگاران آگاه و مبارز!  
اکنون مردم مبارز میهن ما در شرایطی  
بفرنج و پیچیده به سر می‌برند.... اینک مدتی  
است که صحبت از برنامه‌های انقلابی و قاطعیت -  
انقلابی در اجرای آن‌ها میشود. اما آنچه که از این

برنامه‌های انقلابی دیده‌ایم حرکاتی در جهت  
رفع اساسی مشکلاتی که پایه آن قطع وابستگی به  
امپریالیسم باشد، نیست و چنین است که میبینیم  
شوراها را به رسمیت نمی‌شناسند، آزادیخواهان  
را با اعمال تفتیش عقاید کنار میگذارند و سعی  
دارند مشکل بیکاری را با سرکوب بیکاران حل  
کنند و افکار موقی را با حمله به سگرتزاده -  
میخواهند خفه کنند.

البته اعمال تفتیش عقاید برای ما تازگی  
ندارد و آن را در استخدام آموزش و پرورش و سایر  
ادارات بوضوح در سئوالات کتبی و مصاحبه‌هایشان  
دیده‌ایم. ما بیکاران بخوبی با این شیوه آشنا  
هستیم و شهدای ما در این یکسال و اندی گواه -  
مبارزات شما با این شیوه‌های رژیم بوده است  
دوستان! از نظر مسئولین تفتیش عقاید در  
آموزش و پرورش حائز اهمیت بیشتری است و بهمین  
علت است که میبینیم با توجه به کمیبودن دبیر  
معلم و دبیر که به گفته خودشان نود هزار نفر را  
در بر میگیرد، از طرفی از استخدام ما سرباز میزنند  
و از طرف دیگر شما معلمان آگاه و مبارز را به جرم  
سعی در آگاه کردن جوانان و عشق ورزیدن به  
شغلتان از کار برکنار میکنند.

ما به عنوان بخشی از نیروهای دموکراتیک  
کشورمان این حرکت ضد دموکراتیک را محکوم نموده  
خواهان لغای فوری تفتیش عقاید در تمام  
ارگان‌های مملکتی هستیم و بدین وسیله حمایت  
خود را از خواست‌های بحق شما اعلام میداریم.

پیام کانون نویسندگان ایران  
هم میهنان مبارز!

موج سانسور و اختناق و سرکوب آزادی و فرهنگ  
سراسر میهن ما را فرا گرفته است. عوامل وابسته  
با وحشت از گسترش و رشد آگاهی توده‌ها، هر روز  
ساعت در هر گوشه میهن به دست‌آوردهای دموکراتیک  
انقلاب یورش می‌برند. مراکز فرهنگی و آموزش -  
از جمله هدف‌های اصلی تعرضات انحصارطلبان  
محسوب میشوند.

انحصارطلبان با توسل به انواع و اقسام شبه  
ها میکوشند تا سلطه بلامنازع خود را بر این مراکز



مستقر سازند. اکنون مدت هاست که کشتار و سرکوب و توسل به اخراج و بازنشسته کردن تحمیلی و ایجاد تضییقات و موانع گوناگون به صورت - شیوه‌های رایج عوامل ارتجاع بمنظور جلوگیری از ادامه کار و فعالیت معلمان آگاه و متعهد درآمده است.

کانون نویسندگان ایران که همواره در راه ایجاد فضائی دموکراتیک مبارزه کرده و می‌کند با توجه به اهمیت و ضرورت اشاعه فرهنگ و آگاهی در این مقطع تاریخی از حیثیات ملت ما، مبارزات - خستگی ناپذیر و فداکارانه معلمان آگاه و مترقی را در جهت ترویج و گسترش فرهنگ در میان توده‌های محروم و ستمدیده می‌ستاید و اقدامات ضد فرهنگ و آزادی مضاد را مورد علیه معلمان مبارز را محکوم می‌کند.



همکاران گرامی :

همانطور که میدانید کانون مستقل معلمان تهران روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه در میدان آزادی میتینگی بعنوان اعتراض به فشارهایی که بر معلمان اعمال میگردد برگزار کرد.

در این میتینگ اعلامیه‌ای با عنوان واهی گروهی از اعضاء کانون مستقل معلمان که قبلاً نیز در نشریه بیکار چاپ شده بود پخش گردید. در این اعلامیه از دو گروه سیاسی نام برده شده بود و درج گردیده که

این دو گروه در انتخابات کانون با هم ائتلاف کرده‌اند. ما قبلاً با محتوای این اعلامیه در نشریه شماره ۱۱ کانون برخورد کرده ایم و مطالب آن را بی‌اساس میدانیم.

همکاران :

کانون یک شکل صنفی - سیاسی است که هدف اصلی اش حرکت در جهت تحقق خواسته‌های اساسی معلمان و مبارزه با امپریالیسم است. هر گروه یا فردی که اساساً ما کانون را بپذیرد و در جهت اهدافش تلاش ورزد میتواند در آن شرکت داشته باشد.

با ردیگر متذکر می‌گردیم که کانون مستقل معلمان تهران به هیچ گروه یا دسته خاصی وابسته نیست

و میکوشد با تصحیح سیاستهای اشتباه درس‌گیری از حرکات مثبت گذشته و بریسترنیاهای صنفی - سیاسی معلمان هرچه بیشتر هرچه سریعتر و هرچه گسترده تر پیوند خود را با این توده زحمتکش برقرار سازد تا توطئه‌گران هرچه بیشتر رسوا شوند.

ما می‌پرسیم این اشخاص اگر از رشد و گسترش کانون وحشت ندارند و اگر قصدشان صرفاً توطئه نیست؟ چرا بدون هویت مشخص و بجای بحث و طرح اصولی اعتقادات خود چنین شیوه‌ای را برگزیده‌اند؟ و مهمترین نکته چرا روز میتینگ کانون را برای پخش چنین اعلامیه‌ای انتخاب کرده‌اند؟

گفتن این مطالب و گزینش چنین شیوه‌هایی در تحلیل نهائی چیزی جز ورشکستگی فکری آنان نیست و بی‌گمان از نظر کانون تفرقه افکنانه و ضرورتاً محکوم است.

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۲/۲۷





## پیام کانون مستقل معلمان تهران به دانش آموزان و معلمان «بمناسبت شروع تعطیلات تابستانی»

امکانات آموزشی در تمام سطوح، از شهرتاروستا، از مدرسه تا دانشگاه، را همه مان از معلم تا دانش آموز با پوست و گوشت لمس میکنیم.

هنگامیکه حضور و وجود فرهنگ و آموزش استعماری را در بند بند و جزء جزء سیستم آموزش موجود مشاهده میکنیم.

در این هنگام تابستان دیگری را آغاز میکنیم.

تابستانی که به بهانه انجام "انقلاب فرهنگی"

برمدتش نیز افزوده اند و در زمان بیکاری و سر

گردانی توده عظیم دانش آموزان افزوده گردیده،

درجامعی که از فرق سر تا ناخن پایه امپریا

لیسم وابسته است آموزش و پرورش نیز نمیتواند

جز معحونی از فرهنگ عقبمانده دورانیهای قبل و -

نیز مجموعه ای از فرهنگ استعماری و امپریا

لیستی باشد و بالطبع نمیتواند در خدمت خلق باشد.

به همین دلیل است که ما از همان فردای قیام -

مسئله تغییر بنیادی در آموزش و پرورش و رسمیت

بخشیدن به فرهنگ انقلابی را مطرح نمودیم.

ما در رابطه با تصویب قانون اساسی پیشنهادات

خود را راجع به آموزش رایگان و اجباری، آموزش

و فرهنگ خلقها، ایجاد برابریهای آموزشی، برنام

ریزی بر اساس نیازهای اجتماعی، تبدیل تئوری به

عمل در عرصه آموزش و .... ارائه دادیم و هنوز

نیز انجام این تغییرات اساسی را تنها راه اجرای

انقلاب فرهنگی میدانیم.

در حال امروزه در جامعه ما بجای احیاء

این تغییرات اساسی که خامن رشد و توسعه فرهنگ

انقلابی و معنای واقعی "انقلاب فرهنگی" است

تمام مظاهر فرهنگ مترقی و انقلابی را مورد حمله

قرار داده اند و درست در همین زمان با افزودن مدتی

دیگر بر تعطیلات تابستانی روبرو هستیم. آنچه

از طرف کسانی که بخاطر "لطمه خوردن به برنامه

آموزشی مدارس" تعطیلات عید نوروز را به ۵ روز -

دانش آموزان عزیز، همزمان مبارزو آگاه

تعطیلات تابستانی را امسال هنگامی آغاز

میکنیم که توده های تحت ستم میهنمان با پشت

سرگذاشتن مبارزه ای قهرمانانه علیه رژیم

وابسته گذشته به تجارب گرانقدری در مبارزه

بر علیه دشمنان خویش دست یافته و با برگرداندن

لبه تیز حمله به سوی امپریالیسم آمریکا این

دشمن غدار خلقها، آگاهی و رشد سیاسی خویش را

در شناخت دشمنان اصلی خود نمایان ساخته اند.

تعطیلات تابستان را هنگامی آغاز میکنیم

که خلقهای میهنمان علیرغم بایمردی شان در

مبارزه فدا امپریالیستی، ضدارتجاعی، علیرغم

آگاهیشان در شناخت دشمنان خویش، علیرغم طرح

خواسته های برحق چه در زمینه های اقتصادی و -

سیاسی وجه در زمینه های فرهنگی، هنوز چشم انتظار

محصول و شمره کوششها و فداکاریهای خویشند:

تابستان را هنگامی آغاز میکنیم که در گوشه

و کناره میهنمان، در روستاهای دور افتاده و در -

محلله های فقیرترین شهرها، کودکان خردسال

فرزندانشان توده های مبارز و ستم کشیده مان را زعدم

وجود امکانات گوناگون و از جمله امکانات آموزشی

در رنجند.

هنگامی که هنوز بیش از نیمی از جمعیت بالغ

ما بیسوادند و بخش وسیعی از نوجوانانمان ناآشنا

مدرسه یعنی حتی از داشتن سرپناه آموزش محروم

هستند. هنگامیکه هزارها کودک خردسال و نوجوان

نا بالغ از پشت نیمکت های مدرسه به پشت میزهای

کار کشیده شده وزیر تیغ ستم کارفرمایان استثمار

میشوند. هنگامیکه مشاهده دستهای زخمی

کودکان قالیباف در پشت نیمکت های مدارس روستا

ها و دستهای پر پینه کودکان کارگرد مدارس -

جنوب شهر معلمان و دانش آموزان آگاه و متعهد

را به چاره اندیشی وامیدارد. هنگامیکه کمبود



تقلیل دادند. و بدین ترتیب مسئله چگونگی استفاده مفید از تعطیلات تابستان کماکان به عنوان مشکلی بزرگ افزون بر مشکلات عدیده فوق در مقابل تمام معلمان و دانش آموزان میهنما خودنمایی میکند. نه میلیون دانش آموز کشور ما که حدود ۱۴ جمعیت را تشکیل می دهند، همواره با این مشکل روبرو بوده اند که تابستان را چگونه بگذرانند؟ و این نیروی - نظم که چرخهای آینده پرورش خواهد چرخید - همواره در ایام تابستان به هدر رفته. زیرا رژیم وابسته گذشته برای حفظ منافع خویش از گسترش آگاهی میان توده مردم و بالطبع میان توده دانش آموز جلوگیری میکرد و به همین علت دستگاه آموزش و پرورش تبدیل به بلندگوی تبلیغاتی رژیم گردیده و تنها هدفی که دنبال نمینمود، توسعه و گسترش سواد آگاهی و بینش اجتماعی و - سیاسی میان توده ها بود. امروزه مردم میهن ما که از کوره مبارزه ای بی امان علیه رژیم وابسته گذشته و تمام مظاهر آن بیرون آمده اند و رژیم آموزش و پرورش هم دارای نیازمندیها و درخواستهای معینی هستند که در صد آن ایجاد امکانات لازم جهت گسترش بینش و آگاهی اجتماعی برای همه مردم و بخصوص نسل جوان میباشد. و این امکانات پذیر نیست مگر سر تا پای سیستم آموزشی - مشون تغییرات اساسی گردد و از جمله اینکه حدود ۴ ماه از ماههای سال که تاکنون به هدر می رفته صرف آموزش و پرورش کودکان نشان گردد. توده های فعال دانش آموز و بخصوص دانش آموزان آگاهی که تجربه انقلابی ده سال اخیر را پشت سر دارند و بخوبی میدانند که اینک مادر شرایط و دورانی قرار داریم که باید از هر لحظه و قتمان برای ساختن جامعه آینده بهره بگیریم. باید نسل نو را برای زندگی در جامعه تربیت کنیم که در آن از استبداد و استعمار و استثمار خبری نیست باید تبعیضهای را که در آموزش و پرورش روا گردیده از میان برداریم. باید نیروی فعال دانش آموزان را در ایام تابستان نیز بکارگیریم و به منظور جلوگیری از هزروزی این نیرو در شهرها و روستاها از همین امکانات محدود آموزشی نیز میتوان استفاده نمود. دستگاه آموزش و پرورش میتواند و باید آنچنان

برنامه وسیع و گسترده ای را برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان میان تدارک ببیند که نیازمندیهای یک جامعه انقلابی را پاسخگو باشد. زیرا نسل نوجوان ما نیازمند پرورش جسمی و روحی و - آموزش سیاسی و اجتماعی میباشد. آموزش و پرورش حق ندارد نزدیک ۱۴ جمعیت این جامعه را برای چهار ماه به قفس خانه بکشد و دستها و مغزها را که میتوانند رشد کنند و بسازند و ساخته شوند، به رکود و بیحالی محکوم نماید. (هرچند که اجرای - برنامه آموزشی کنونی حتی در طول ۹ ماه سال تحصیلی هم کاری جز این نمیکند.)

در هفته های اخیر سخنگوی وزارت آموزش و پرورش اعلام داشت که در بعضی مدارس کلاسهای تابستانی دایر خواهد بود که محتوای آموزش در این کلاسها بطور عمده آموزش ایدئولوژی اسلامی و کلاسهای تقویتی درسی و همینطور ورزش و تفریحات سالم میباشد. و اعلام کردند که در هر یک از نواحی ۹ گانه آموزش و پرورش تهران چند مدرسه به این کار اختصاص داده شده و اجرای این برنامه از طریق ادارات امور پرورشی صورت میگیرد.

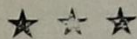
از آنجا که دایر بودن چند مدرسه در هر ناحیه برای کلیه دانش آموزان ناحیه کافی نمیشد محدود کردن آنها به چند مدرسه، با هیچ دلیلی قابل توجیه نیست. مسئولین آموزش خود بهتر میدانند که حتی تمامی مدارس تهران (که در مقایسه با سایر شهرها بهترین وضعیت را دارد) - نیازمندیهای آموزشی ما را تکافونمیکند و بطریق اولی چند مدرسه قادر نخواهد بود امکانات کافی برای دانش آموزان یک ناحیه آموزشی را فراهم سازد، مگر اینکه قرار باشد این برنامه نیز - مانند اردوهای با اصطلاح "آموزشی" دورنگشته متعلق به نورچشمیها و افراد بخواهی باشد !! - والا اگر قرار باشد کلاسهای تابستانی توده های دانش آموز را زیر پوشش خدمات خویش قرار دهد لازم است که تا حد اکثر ممکن بر تعداد این مدارس افزوده گردد. از سوی دیگر برای معلمان و دانش آموزان داوطلب شرکت در این کلاسها نباید هیچ گونه قید و محدودیتی وجود داشته باشد. بنظر ما تمام معلمینی که داوطلب شرکت در این کلاسها هستند باید امکان یابند نیروی خود را در خدمت



## زندگی روزانه .

۵- کمک به برنامه درسی

با ایجاد کلاسهای تقویتی در رشته های گوناگون بمنظور حیران عقب ماندگیهای درسی دانش آموزان که با دلائل گوناگون در طول سال تحصیلی بوجود آمده است .



همکاران متعهد و مسئول ، دانش آموزان عزیز ، استفاده مفید از تعطیلات تابستانی با بکار گرفتن نیروی توده های وسیع دانش آموز و معلم قبل از هر چیز به کوشش و تلاش خستگی ناپذیر شما نیاز دارد . شما باید با استفاده از تجدید مبارزات انقلابی خویش و نیز کلیه تجارب آموزشیتان در هر شهر و هر مدرسه ، و هر مکان ، متناسب با شرایط و امکانات خاص آن موقعیتهای لازم جهت پیشبرد برنامه های آموزشی مفید را در تابستان فراهم - نمائید . استفاده از امکانات وزارت آموزش و پرورش تنها یکی از آنها محسوب میگردد . در این رابطه مسئولیت معلمان متعهد و چندان میشود زیرا آنان هستند که در مقابل به هرز رفتن نیروی توده های مشتاق و پر شور دانش آموزان چه در - تابستان و چه در طول سال تحصیلی مسئول هستند و بیش از هر کس قادرند که با ابتکارات خود با پرورش فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آنان پرداخته و این نیروی بیکران را در خدمت تحول آرمانیهای انقلابی مردم میهنمان قرار دهند . شکی نیست - که مهمترین فایده موفقیت آنها همکاری دانش آموزان انقلابی و مبارز و حمایت بیدریغ توده های دانش آموز خواهد بود .

اعضاء کانون مستقل معلمان تهران نیز به سهم خویش فعالانه در تشکیل و اداره این کلاسها شرکت خواهند نمود .

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۳/۲۳



سازندگی جامعه قرار دهند . و نیز امکانات و موقعیتهای لازم برای شرکت تمام دانش آموزان در این کلاسها باید فراهم گردد .

بنظر ما محدود نمودن این مدارس به یک یا چند مدرسه در هر ناحیه آموزشی ، با محدود نمودن این کلاسها به آموزش چند موضوع بخصوص و ایجاد محدودیتهای گوناگون برای معلمان و دانش آموزان شرکت کننده در آن ، از اجرای وسیع و - مفید آن جلوگیری خواهد نمود و عملاً عده محدودی - قادر به استفاده از آن خواهند بود و کماکان توده های دانش آموزان را با محکوم به بیکاری و به هرز بردن نیروی خویش خواهند بود .

\*\*\*\*\*

محتوی برنامه آموزشی کلاسهای تابستانی به نظر ما باید شامل مواردی باشد که قبل از هر چیز آگاهی های اجتماعی و سیاسی دانش آموزان را - ارتقاء دهد و در رابطه با این نیازمندی است که صرفاً ایجاد کلاسهای تقویتی درسی هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد . از اینرو برنامه این کلاسها باید در روش کلی شامل موارد زیر باشد :

۱- آموزش و شناخت سیاسی و اجتماعی

از طریق ایجاد جلسات بحث آزاد ، نمایشگاههای عکس و پوستر و طرح - نمایش فیلم و تئاتر و گردشهای علمی و مشاهده عینی زندگی مردم زحمت کش و حتی الامکان ترتیب دادن برنامه هایی که دانش آموزان را بطور عملی در زندگی زحمتکشان شرکت دهد .

۲- آموزش فرهنگ و ادبیات انقلابی

از طریق جلسات کتابخوانی و بحث و مناظره درباره کتابها - جلسات کتابخوانی و نقد و معرفی کتاب - انتشار نشریه ها و بولتنهای ادبی و اجتماعی .

۳- پرورش جسمی - از طریق اجرای برنامه های منظم ورزشی ، کوهنوردی و شنا و ....

۴- آموزشهای تکنیکی - از طریق استفاده از

وسایل و ابزارهای موجود در هنرستانها و مراکز آموزش حرفه ای بمنظور به عمل درآوردن تئوریهای موجود در کتابهای درسی که آموزش آن در طول سال تحصیلی توأم با کار نبوده ، و آشنا ساختن دانش آموزان به فنون و حرفه های مورد نیاز در



## اخباری از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها

چهارم حال و بختیاری - دومین شماره "معلم" نشریه کانون مستقل معلمان چهارم حال و بختیاری منتشر گردید. این نشریه شامل مطالب زیر میباشد:

بر مقاله ( شکل گیری انقلاب و عملکرد آن در زمینه آموزش و پرورش ) در آستانه سال نو - مبارزه انتخاباتی مجلس و بیسوادی - گزارشی از یک روستا نظرات، پیشنهادات و انتقادات دانش آموزان - نیما، شاعری از مردم - مشکل مسکن معلمان - نظام آموزشی و اشاعه فرهنگ امپریالیستی - از میان مطبوعات - کودتای شیلی و نقش امپریالیسم آمریکا شرق، اخبار و پیامهای کانون.

مطالعه این نشریه را به همکارانمان توصیه میکنیم و برای دوستانمان در شهر کرد که بازگشت و تلاش فراوان این نشریه را فراهم ساخته اند، - آرزوی موفقیت مینمائیم.

تبریز - کانون مستقل معلمان تبریز اساسنامه خود را که در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۹ به تصویب هیئت موسس کانون رسیده است، منتشر نمود. در توضیحی بر این اساسنامه ذکر شده است: " اساسنامه ای که در دسترستان قرار میگیرد با استفاده از اساسنامه کانون مستقل معلمان تهران تهیه شده و به علت یکی از ضرورت های مبرم در رابطه با ستم ملی بند ۳ ماده ۴ به متن اساسنامه اضافه شده است. - لذا هرگونه نظرات و تغییرات دیگر را در اساسنامه به اولین مجمع عمومی که با شرکت کلیه اعضای کانون تشکیل خواهد شد، موکول مینمائیم"

در مقدمه اساسنامه میخوانیم: " نهادهای - راستین هر قیام و انقلاب از بطن همان قیام و - انقلاب زاده میشود. کانون مستقل معلمان تبریز بهدایت خود را مدیون مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی خلقهای ایران میدانند که در آذربایجان با قیام شجاعانه و قهرآمیز ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ تبریز وارد مرحله پیگیرانه شد و با اعتماد

شکوه مند و یکپارچه ۱۳۵ روزه معلمان تبریز تدوین یافت.

قیام خلقهای ستمدیده ایران اگر چه نظام - وابسته به امپریالیسم را به زباله دان تاریخ سپرد، اما از آنجائی که هنوز بسیاری از نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام گذشته دست نخورده باقی مانده است، لذا تشکل هر چه بیشتر معلمان برای دگرگون سازی این نهادهای منحط ضرورت پیدا میکند. این تشکل میتواند به تحقق آرمان های انقلابی و بویژه تحقق انقلاب فرهنگی و ایجاد فرهنگ انقلابی و ارتقاء سطح آگاهی و - دانش انقلابی هر چه بیشتر توده های عظیم دانش آموزان و معلمان کمک کند تا معلمان بتوانند رسالت بزرگ و نقش انقلابی خویش را بجا آورند - برای همکاران مبارزمان در تبریز، در راه - انجام " رسالت بزرگ و نقش انقلابی خویش" آرزوی موفقیت فراوان داریم.

همدان - کانون مستقل فرهنگیان همدان پس از یکسال تعلیق فعالیت کانون به دلائل مختلف، طی بیانیه ای در اردیبهشت ۵۹ مجدداً - اعلام موجودیت نمود و اساسنامه خود را منتشر کرد. در مقدمه اساسنامه آمده است که: " ضرورت مبارزه پیگیر و بینائی تمام طبقات و قشرهای ملت ایران با نموده های گوناگون سلطه امپریالیستی برکسی پوشیده نیست. در این میان روشن است که فرهنگیان کشور به لحاظ حیطة عمل و امکانات خاصی که دارند میتوانند با یدبا تشکل هر چه بیشتر خود در - اشکال سازمانی دمکراتیک، نقش ارزنده ای در پیش برد این مبارزه برعهده گیرند و با توجه به این - ضرورت است که کانون مستقل فرهنگیان همدان تشکیل میشود"

بموجب این اساسنامه کانون سازمانی است، صنفی، سیاسی، مستقل و دمکراتیک و ضمن توضیح



این مفاهیم به اهداف کانون پرداخته است که در اینجا به چند هدف اشاره میکنیم :

"کوشش درافشای هرگونه توطئه امپریالیستی و مبارزه با بقایای ارتجاع داخلی وابسته به امپریالیسم"

"در مبارزه با مظاهر فرهنگ امپریالیستی، - دفاع از حقوق و آزادی های اساسی انسان، تلاش در راه از بین بردن نابرابری امکانات تحصیلی برای طبقات مختلف، دمکراتیک کردن فضای آموزشی و در کلیه سطوح، دفاع از حقوق صنفی فرهنگیان و دانش آموزان، ارتباط و همکاری با کانونهای دمکراتیک و کوشش در راه پیشبرد برنامه های آموزشی در سطح شهر و روستا ...."

تشکیلات کانون شامل مجمع عمومی، شورای اجرایی و کمیته های آموزشی و تحقیق، انتشارات روابط عمومی و مالی و تدارکات میباشد. با خوشحالی فراوان از اعلام موجودیت مجدد

کانون مستقل فرهنگیان همدان برای همکارانمان آرزوی موفقیت میکنیم.

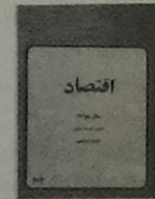
اصفهان - دومین شماره "معلم" نشریه کانون مستقل فرهنگیان اصفهان پس از مدت ها تاخیر منتشر گردید.

در این نشریه مطالب زیر را میخوانیم :  
لیبرال ها و جنبش، مبارزه با بیسوادی در کوبا، گزارشی از یک مدرسه روستایی، آموزش و پرورش - در شرایط حاضر (ترجمه)، دپدل یک دانش آموز بررسی کتاب اقتصاد اول، نمایشگاه ضداستعمار ممنوع، ما و بخشنامه کدانی آموزش و پرورش، - بخشنامه وزارتی، چگونه با بیکاری برخورد کنیم مدارس و شوراهای، شعر، اخبار و اعلامیه های کانون ماضن معرفی و توصیه مطالعه نشریه کانون مستقل فرهنگیان اصفهان، برای همکارانمان - آرزوی موفقیت داریم.



#### بقیه از صفحه ۱۹

امپریالیسم را باید در تمام جبهه ها و از جمله جبهه فرهنگی به پیش راند.



داشت. آنها که معلمان انقلابی را از مدارس - اخراج میکنند، آنها که ..... در مورد کتابهای درسی هم کاری به جز تعویض عکس نمیتوانند بکنند.

دانش آموزان مبارز!

امروز که وزارت آموزش و پرورش در عمل نشان داده که صلاحیت تغییر محتوای کتابهای درسی را ندارد. امروز که معلمان با صلاحیت را از مدارس اخراج میکنند، امروز که در هر کوی و برزن صحبت از نابود کردن فرهنگ استعماری است، باید صفوف خود را متشکل کنیم و در مبارزه پیگیر علیه این فرهنگ استعماری رسالت خود را در تغییر - محتوای کتب درسی بعهده بگیریم. وحدت و یک پارچگی، ضامن پیروزی ماست. مبارزه با



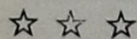
### بقیه انقلاب فرهنگی از صفحہ ۵

اقتصادی مستقل و این تنها با قطع وابستگیهای -  
اقتصادی - سیاسی و نظامی عملی میگردد.



کانون مستقل معلمان تهران که موجودیست  
مؤید رادزیج رگبار منسللهای رژیم شاه با انکاء  
به حمایت انقلابی معلمان رزمنده یافته است، از  
همان آغاز قیام در تمام نوشته ها و انتشارات و -  
سینارها و نشستهای ضرورت انجام تحولات -  
انقلابی در عرصه آموزش و پرورش بعنوان بخشی از -  
مجموعه فرهنگ پای فشرده است. و هم اکنون نیز  
اعلام میدارد که ایجاد تغییرات اساسی در رژیم

آموزشی وابسته شرط تحقق استقلال فرهنگی است.  
از اینرو انقلاب فرهنگی درجا معه ما درگروقت  
وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی -  
امپریالیسم میباشد. و در محدوده نظام آموزشی  
تغییر سیستم ها، برنامه ها، روشها و وسائل  
آموزشی را بطور بنیادی و اساسی می طلبد.  
محدودیتها و تضیقاتی که تحت عنوان <sup>انقلاب</sup> فرهنگی  
در تمام محیطهای آموزشی از دانشگاهها تا مدارس  
اعمال گردیده، ما هیتا اعمالی ضد فرهنگی بوده اند  
و هیچگونه پیوند و خویشی با اهداف انقلاب فرهنگی  
به معنای حقیقی ندارند.

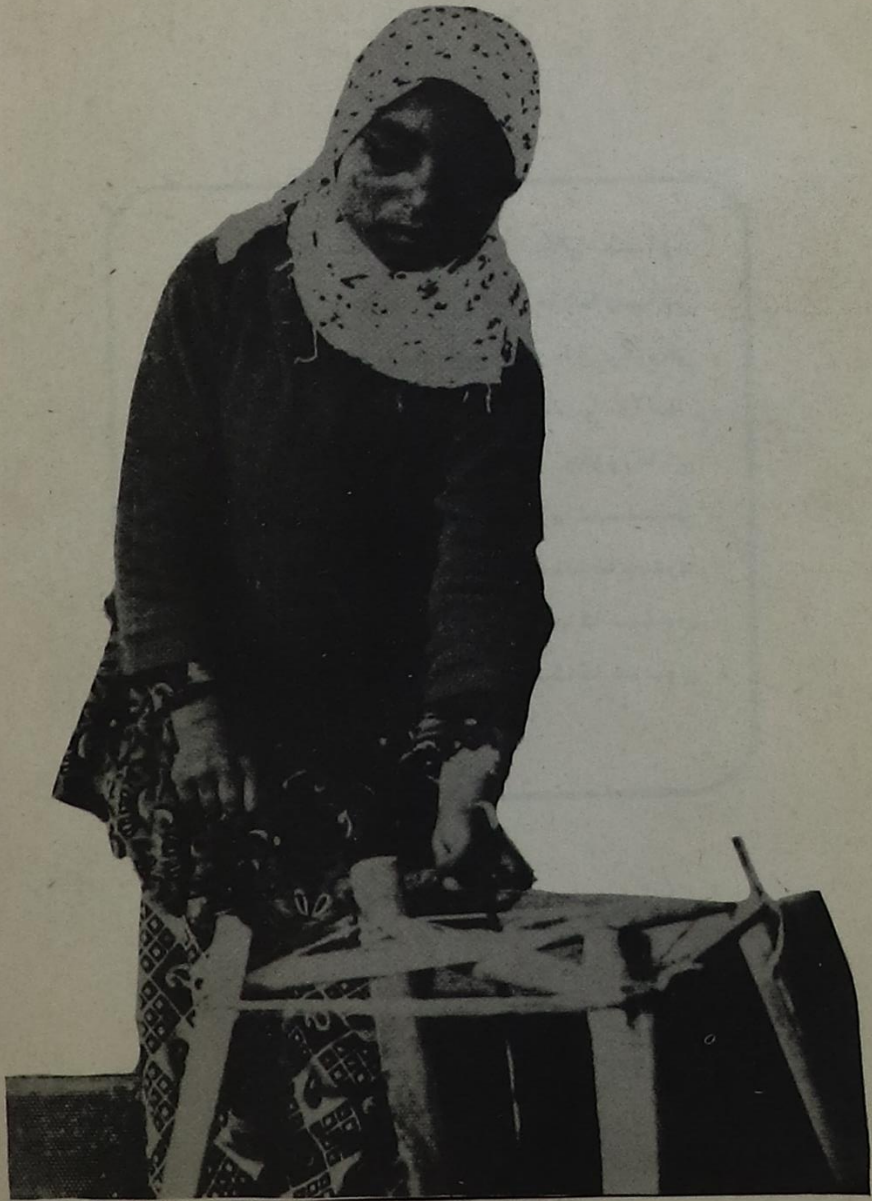




کانون مستقل معلمان اعلام میدارد  
به هیچ یک از گروهها و سازمانهای سیاسی  
وابستگی ندارد و به هیچ سازمان و گروهی  
بیانیه و اعلامیه جهت درج در نشریات آنها  
نداده و نمیدهد. از سازمانها و گروههایی  
که مواضع دمکراتیک و ضد امپریالیستی  
کانون مستقل را تأیید میکنند تقاضا میشود  
در درج اعلامیهها و بیانیههای کانون  
رعایت امانت و ماهیت دمکراتیک کانون  
را بنمایند.

## یازدهم خرداد، روز جهانی کودک

را با یاد فرزندان زحمتکشان میهنمان و با امید  
رهایی آنان آر بند ستم و استثمارگرایی می داریم.



مستحکم بادیوند معلمان با زحمتکشان

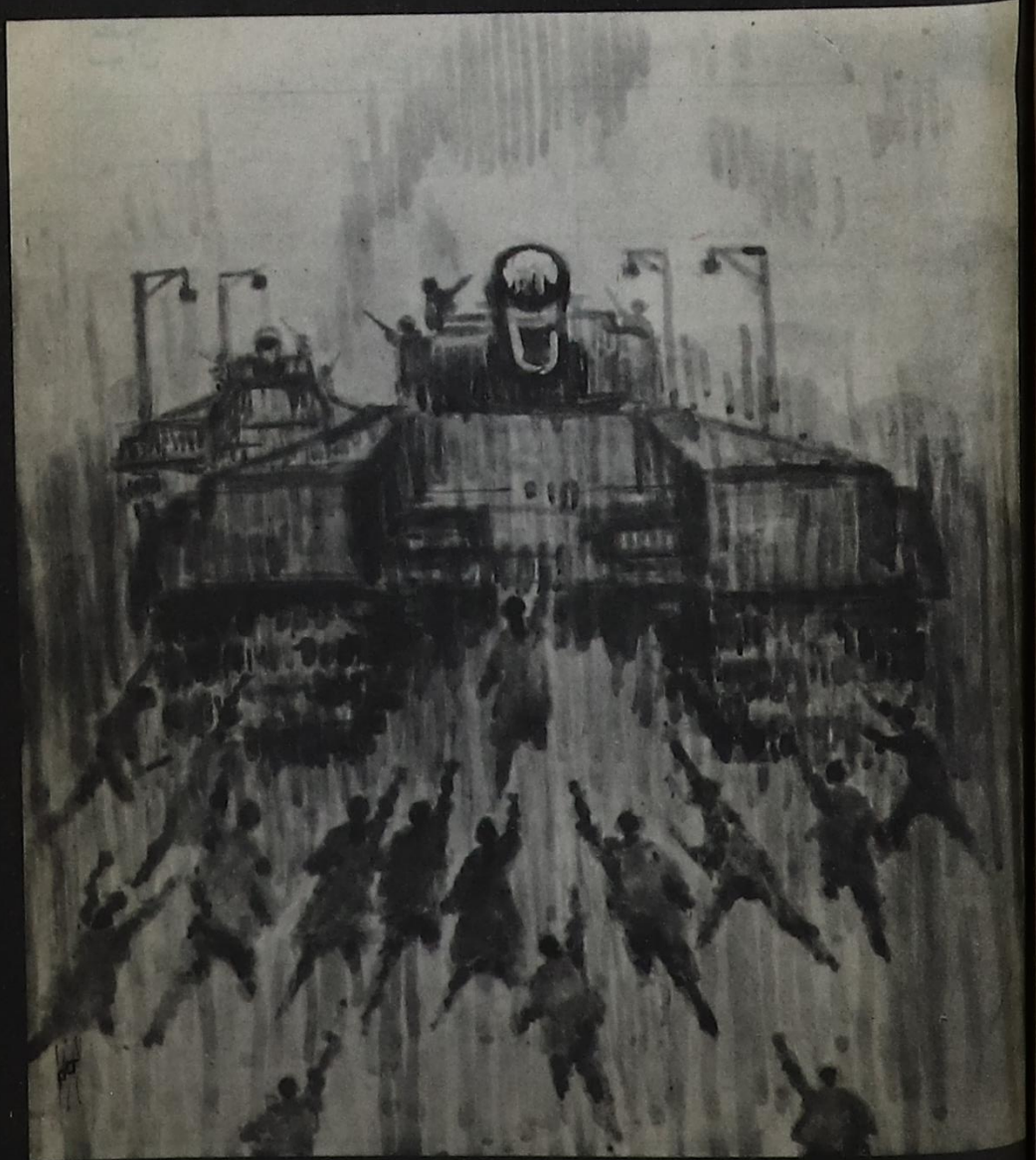


# معلم

کانون  
مستقل  
معلمان  
تهران



نشریه  
شماره ۱۶  
۱۳۵۹  
بها ۲۵ ریال



حکیم صفوف خود از کودتاهاى خائنانه جلوگیری کنیم

پژوهشگر  
جنبش معلمان



## فهرست

کانون  
مستقل  
معلمان  
تهران

- |                                        |                                      |
|----------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱۸ • ۲۸ مرداد روزتنگ و رسوایی رژیم شاه | ۱ • مقاله                            |
| • انحلال آموزش و پرورش کردستان نقش کار | • مصوبه جدید دولت و شورای انقلاب :   |
| حقوق دمکراتیک فرهنگیان                 | کا هـش کمک هزینه مسکن کارمندان ۳     |
| ۲۰ •                                   | • از کتابهای درسی چه خبر؟ ۵          |
| • ایجاد محدودیت برای کانون بنفع چه     | • چرا از فعالیت معلمان در راه سواد   |
| کسانی است؟                             | آموزی و تدریس را یگان به دانش آموزان |
| ۲۲ •                                   | جلوگیری میکنند؟ ۷                    |
| • تنبیه انضباطی و دانش آموزان فعال     | • برکناری معلمان مترقی بدلائل عقیدتی |
| مدارس ۲۳ •                             | بنفع چه کسانی است؟ ۸                 |
| • امپریالیسم چیست؟ ۲۴ •                | • "نظری به طرح دوسره شدن مدارس" ۱۰   |
| • بچه های زورآباد ۲۵ •                 | • انقلاب مشروطیت                     |
| • با تحکیم صفوف خود از کودتاهای        | طلیعه مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای  |
| خائنانه جلوگیری کنیم                   | میهن ما ایران ۱۲ •                   |
| ۲۷ •                                   | • عشق وطن                            |
|                                        | شعری از "عشقی" تا عرشه دوران مشروطیت |
|                                        | ۱۵ •                                 |
|                                        | • معلم شهید یحیی خاتونی              |
|                                        | ۱۷ •                                 |



## سرمقاله :

(( اخراج و تصفیه معلمان انقلابی تحت عنوان «پاکسازی» ))

از آنجا که آموزش و پرورش بمنابر یک نهاد اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با شرایط جامعه دارد، ضرورتاً میتواند عملکردهای مترقی یا واپسگرا داشته باشد و هم از این رو بود که در روزهای هرجوش و خروش قیام خلق شعار استقلال فرهنگی یکی از شعارهای مترقی بود که از سوی توده میلیونی معلمان، دانش آموزان و فضای انقلابی ایران شنیده می شد.

در حقیقت انقلاب خط بطلانی بود بر فرهنگ میرنده و وابسته به امپریالیسم که در ادامه و تکامل خود میبایست به فرهنگی نو و بالنده در انطباق با تحولات انقلابی منجر شود. درک چنین ضرورتی از حرکت انقلاب بود که توده های معلمان و دانش آموزان را به خیابانها کشاند تا با استفاده از اشکال اعتصاب، تظاهرات، تحصن سهم خود را در این دوره از تحولات اجتماعی ایفاء نمایند. اگر فرهنگ میرنده ستم شاهی بر پایه های نفتیش عقاید و تحقیر شخصیت فرهنگی دانش آموز و معلم، و سبزه بر بنیادهای آموزشی استعماری قرار گرفته بود، فرهنگ زاینده از طوفان انقلاب میبایست به تمامی این معیارهای استعماری - پایان دهد، میبایست نفتیش عقاید از بین رود و نفتائی دمکراتیک جایگزین اختناق و هراس گردد. میبایست شوراهای واقعی برای بدست گرفتن اداره امور مدارس تشکیل شود، میبایست مضمون آموزشی و تربیتی کتابهای درسی مناسبات اداری تغییر یابد، میبایست معلمان از نظر رفاهی به خواستهای اساسی خود برسند، میبایست آموزش و پرورش از لوث وجود عناصر وابسته پاک گردد..... و خلاصه

اینکه فرهنگی مترقی برای شکوفائی استعداد های انسانی بوجود آید. ولی آیا بعد از قیام چنینی خواستهای تحقق پیدا کرد؟ و یا دستکم مسئولین امر با سیاستهای خود در راستای چنین اهدافی قرار گرفتند؟ حقیقت آنست که علیرغم پاره ای - حرکات مترقی در بعضی جهات عملکردهای عقب مانده ای هم مشاهده گردید. ستیز با شوراهای واقعی معلمی دانش آموزی که طرد کامل خلافت جمعی توده های معلمی و دانش آموزی بود، اصرار و فشار بر اسلوبهای تفتیش عقاید به شیوه های نو عدم تغییرات بنیادی در محتوای کتب درسی، عدم لغو پاره ای قوانین ضد معلمی رژیم پیشین و حتی انحلال آموزش و پرورش در بعضی مناطق از آن جمله اند.

اگر معلمان در قطعنامه های خود با رها و بارها اعلام کرده بودند که محیط مدارس میبایست از وجود عناصر وابسته به رژیم گذشته پاک گردد، امروزه شاهدیم که مسئولین مریس از گذشت نزدیک به دو سال از انقلاب شروع به پاکسازی مزدوران کرده اند. ماضی انتقاد به مسئولین مراجهت آنکه بسیار دیر اقدام به این عمل نموده اند، و معتقدیم که این مرا انقلابی با یستی ابعادی گسترده تر یابد، پشتیبانی خود را از پاکسازی عناصر وابسته به رژیم منقریپهلوی اعلام میداریم. همچنین پاره ای - عملکردهای ضد دمکراتیک این مسئولین را در جهت باصلاح پاکسازی عناصر مبارز و مترقی که چه در سالهای اختناق و چه در روزهای قیام بر سر آرمان والای مبارزاتی خود محکم و استوار تنگیده اند، محکوم میکنیم. ما میبایست چارای معلمین

توطئه‌ها باشند و دم فروبندند. برآستی این‌نادیده گرفتن دستاوردهای قیام نمیباشد؟ چه کسانی پاسخگوی چنین عملکردهایی درپیشگاه ملت هستند؟

مسئولین مر با قرارداددن اسامی عناصر مبارز و مترقی درکنار لیست ساواکیها سعی درمخدوش نمودن ذهن دارندوبیگمان گزینش چنین شیوه‌هایی نه در راستای منافع معلمین و اعتلاء فرهنگ انقلابی، بلکه در جهت منافع دشمنان ایران و- هواداران فرهنگ میرنده میباشد. کانون مستقل معلمان تهران درچهارچوب وظایف مشخص و درتحقق اهداف دمکراتیک و ضدامپریالیستی خودمیدانده چنین شیوه‌هایی را محکوم کند.

مبارزی که برسررسالت آرمان مبارزاتی خود در گذشته محکوم به زندان، شکنجه، تعقیب و اخراج میشدند و بخاطر ایمان و اعتقاد به برحق بودن مبارزه شان بدون هیچگونه تزلزلی درمقابله با مزدوران رژیم پهلوی می ایستادند، باید در- شرایطی اینگونه نیز که رژیم منفور پهلوی <sup>میرور</sup> کمر بسته شده، که قیام خونین و پرشکوه میهنمان دستاورد های ارزنده‌ای داشته، که جوهر مبارزاتی توده‌های مردم دمکراتیک و ضدامپریالیست است، که واپس ماندگان رژیم گذشته و امپریالیسم خونخوار آمریکا مشغول توطئه‌های گوناگون هستند، معلمین مبارز بایستی با کوله‌باری از تجربه مبارزاتی و فرهنگی درخانه‌های خود بنشینند و نظاره‌گر این

---

بیروزباد مبارزات دلاورانه معلمین انقلابی برای دفاع از آرمانهای خلق

---



## مصوبه جدید دولت و شورای انقلاب:

### کاهش کمک هزینه کارمندان!!

نگهداشته بود، اخیراً منحل اعلام گردید بدون آنکه نهادهای جایگزین آن شود که بتواند کمکی به حل مشکل مسکن بنماید. پس از قیام تاکنون به حقوق ماهیانه فرهنگیان با توجه به افزایش سرسام آور هزینه زندگی و بالابودن هزینه خرید یا اجاره خانه، نه تنها مبلغی افزوده نشد بلکه امروز با مصوبه جدید، گروهی از فرهنگیان را از مبلغ ناچیز ۷۵۰/ تومان که بعنوان کمک هزینه مسکن در ماه به آنها تعلق میگرفت، محروم میکنند. واقعیت این است که پس از کاهش بهره بانکی تا ۴٪، بسیاری از کارکنان دولت متجمله فرهنگیان که از پرداخت اجاره خانه کفاف جانشان به لب آمده بود، سعی کردند با استفاده از وام، مسکنی تهیه کرده، مبلغی را که در ماه بعنوان اجاره خانه میپرداختند، به بانک بدهند و در عوض، دست آخر مسکنی از خودشان داشته و در ضمن هر روز ناچار نباشند با صاحبخانه درگیر شوند.

در این میان تنها کارمندانی توانستند از وام استفاده کنند که شرایطش را داشتند مثلاً مبلغی پول از قبل در بانک گذاشته بودند و یا از طریق اداره، امکان دریافت وام مسکن را بدست آوردند. بنابر این بسیاری از کارمندان همچنان بدون مسکن ماندند و نتوانستند از این مزایا استفاده کنند.

کسی نمیتواند این واقعیت را انکار کند که اگر کارمندی، چند ماه قبل میخواست خانه ای بخرد، یا امروز بخواهد مسکنی تهیه کند حداقل با بستی ۲۰۰-۳۰۰ هزار تومان بهر دزد و معلوم است که حتی با وام طویل المدت (۱۵ یا ۲۰ سال) با بهره ۴ در-

هیئت دولت و شورای انقلاب در جلسه مشترکی در اوایل خرداد ماه طرحی را به تصویب رسانده اند که طبق آن، ضوابط پرداخت حق مسکن کارکنان دولت از اول خرداد ماه تغییر میکنند.

از آنجا که درصد قابل توجهی از کارکنان دولت را فرهنگیان تشکیل میدهند، بهتر است به جزئیات این مصوبه جدید نگاهی بیاندازیم و با در نظر گرفتن مصالح فرهنگیان بویژه معلمان زحمتکش نکات آنرا مورد بررسی قرار دهیم. مقررات جدید پرداخت کمک هزینه مسکن طبق گفته مهندس کنشراشی، دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور باین شرح است:

"پرداخت هرگونه کمک هزینه مسکن و یا هرگونه وجهی باین منظور به کلیه کارکنان کشوری-که از وام مسکن با کارمزد ۴ درصد استفاده کرده اند با کسانی که همسرشان دارای مسکن شخصی باشند یا از مسکن سازمانی استفاده کنند ممنوع شد. ولی در مورد سایر مستخدمین که در سال ۵۸ از این امتیازات استفاده میکردند تا میزان ۵۰ درصد تخفیف داده میشود و هرگونه افزایش که به عنوان مختلف به حقوق یا فوق العاده شغل یا مزایای - مستمری افراد تعلق میگرفت از این مبلغ کسر میشود" (کیهان ۱۲ خرداد ماه ۵۹)

مسئله مسکن همواره یکی از مسائل مهم فرهنگیان بوده است، مسئله ای که در رژیم کنونی نیز تا بحال پاسخ مثبت و عملی به آن داده نشده است. بانک فرهنگیان که مدت سه سال این سرزحمتکش را چشم براه وام طویل المدت کم بهره



## معلم

شماره ۱۶

فاحش در آمد ماهیانه اقشار مختلف کارمندان میان برود بلکه از این طریق با افزایش حقوق کارمندان جزء، گشایشی در کار آنها صورت گیرد.

بعقیده ما دولت بجای آنکه با اجرای اینگونه طرح ها هر روز بر ناراضایتی بیفزاید، بهتر است با مشارکت نمایندگان واقعی کارمندان دولت منحل فرهنگیان، برای حل مشکل مسکن برنامهریزی کرده، آماری از کارمندان بدون مسکن در سراسر ایران تهیه کرده، برای آنها خانه بسازد و یا امکان استفاده از وام طویل المدت با بهره ناچیز را فراهم نماید.

حداقل حقوق کارمندان را با توجه به هزینه سرام آور زندگی، افزایش دهد و فوق العاده شغل و مزایای فرهنگیان و سایر کارمندان دولت را در حقوق ادغام کند (ضمن آنکه درآمدهای ماهیانه کارمندان را تعدیل مینماید) تا کارمندی که پیرا ۳۰ سال کار یا زنده شده میشود یکباره دچار افت قابل ملاحظه حقوقی نشود و... نه آنکه بیبرنامگی خود را با کسر حقوق کارمندان صاحب مسکن جبران سازد.

صد مجبور است حداقل در ماه بیش از ۲۰۰۰ تومان از حقوق خود را بدهد. در واقع پولی که بعنوان کمک هزینه مسکن به معلمان و سایر فرهنگیان پرداخت میشود میتواند حداکثر یک سوم هزینه واقعی مسکن را تامین نماید. دولت بجای آنکه برای کارمندان بدون مسکن، تسهیلاتی فراهم کند تا از شر اجاره های سنگین خلاص شوند، با کسر کمک هزینه حقوق ماهیانه گروهی از آنها را کاهش میدهد یعنی در واقع از یک طرف بهره بانکی را به ۴٪ تقلیل میدهد اما از طرف دیگر از گروه بسیار زیاد تری از کارمندان (آنها که همسرشان صاحب مسکن است و کسانی که در خانه های سازمانی زندگی میکنند) در ماه مبلغی پس میگیرد! گویا بخواهد با این حساب و کتابها کسری بده خود را جبران سازد. جای سؤال است که چرا دولت بجای اینکه از حقوق قشر متوسط و پائین کارمندان (که این مصوبه فشار زیادی به آنها وارد میکند) کسر کند چرا از درآمدهای بالاشروع نمیکند و در جهت همترازی حقوقها اقدامی نمینماید تا نه تنها تبعیض

## خبرنامه شماره ۹ منتشر شد

خبرنامه شماره ۹ کانون مستقل معلمان تهران حاوی اخبار روز آموزش و پرورش (اخباری از کلاسهای تقویتی- اخراج و بازنشستگی اجباری معلمان بخشنامه های جدید و بالاخره مسائل رفاهی معلمان) منتشر شد. از همکاران فرهنگی تقاضا میشود در امر جمع آوری و ارسال خبر برای کانون مستقل معلمان، ما را در پیشبرد اهدافمان یاری نمایند. کمیته نشر (بخش خبر و گزارش)



## از کتابهای درسی چه خبر؟

انقلابی باشد. جامعه‌ای که علیه وابستگی دست - به مبارزه زده است بطور قطع باید این مبارزه را در کلیه ابعاد آن گسترش داده و عملی سازد. قطع وابستگی اقتصادی - نظامی - سیاسی - جدا از قطع وابستگی فرهنگی نیست.

کتاب درسی ماهمه و همه در خدمت حفظ بهرکراسی - بهره کشی و توجیه سیاستهای وابسته است. بعنوان نمونه اگر کتابهای اقتصاد رشته خدمات را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که مطالب آن ربطی به مسائل جامعه ما نداشته و ندارد. در این کتاب ها حداکثر نظرات دانشمندان سرمایه دارای کلاسیک و نوکلاسیک تا سالهای ۱۹۳۵ یعنی تا اقتصاد کینز (آمریکائی) بررسی شده است. مطالب آن حتی نسبت به تحولات نظریات دانشمندان امپریالیست نیز بسیار کهنه است و سانسورهای متعدد این کتاب ها در دوره رژیم سابق مطالب آن را بصورتی پراکنده و غیر منسجم در آورده است. در این کتابها نه تنها مطالب جامعه ما بررسی نشده است بلکه حتی مطالب مربوط به کشورهای تحت سلطه نیز وجود ندارد تا دانش آموز نتواند به حقایق زندگی خویش از طریق مقایسه آشنا شود.

کتاب جامعه شناسی ماکه ظاهراً تغییر کرده است میبایست به بررسی روابط اقتصادی - اجتماعی، سیاسی جامعه ما بپردازد. تمام بنای خود را بر مخالفت کمپوز به دستاوردهای علمی بشر نهاده مثلاً اینکه جای درشکه را تا کسی گرفته است فاجعه و - عامل بدبختی میخواند و هیچگونه اشاره‌ای به - نظام اجتماعی وابسته ایران - سلطه امپریالیسم - مفهوم انقلاب، رابطه ملیت و همبستگی جهانی - نمی نماید. نهایت در درما جنگ " کلاه ها " و تغییر کلاه شرقی به کلاه شاپو میدانند.

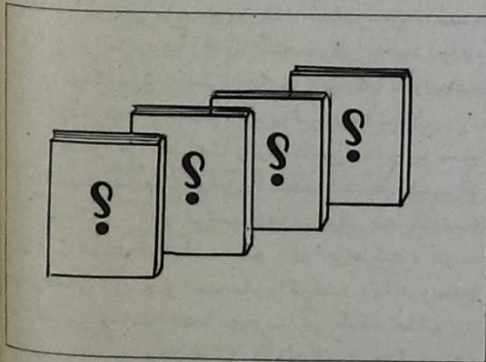
استعمارنو تلاش بر آن دارد که از طریق پایگاههای داخلی در درون هر کشوری، آنرا زیر سلطه خود در آورد. در درون این پایگاه یکی از وسائلی که امپریالیسم از آن بهره میجوید فرهنگ و بخش عمده آن یعنی آموزش و پرورش است. میلیونها کودک و جوان در این جوامع به مثابه مواد خامی هستند که برای حفظ و تامین منافع امپریالیسم در نظام آموزشی وابسته‌ای شکل میگیرند که پایه های آن بر اساس نیازهای استعمارگران بنا نهاده شده، کودکانی که علم را تا بداند آنجا و بدانگونه می آموزند که در خدمت امپریالیسم باشد.

در چنین جوامعی مکان رشد کافی بدان پایه که حاکمیت استعمارگران را تهدید کند به افراد داده نمیشود. در واقع سیستم فرهنگی به مثابه سدی عمل میکند که باید جلوی امواج حرکت، در - جهت رهایی از یوغ استعمار را گرفته و با ترویج جهل عمومی تسلط اقتصادی و سیاسی طبقه حاکم را تقنین مینماید و خلاصه باید گفت که فرهنگ وابسته تکمیل کننده وابستگی اقتصادی و سیاسی است.

از عمده وسائلی که در این زمینه از آن - استفاده میشود کتابهای درسی است. که محتوای آن تبلیغ و ترویج فرهنگ به اصطلاح غربی و یا همان فرهنگ امپریالیستی است. کتابهایی که در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی تدوین شده است دارای آنچنان محتوایی است که ساخت لکری کودکان و جوانان را با تغذیه از فرهنگ پهلیده غرب (۱) در جهت خواست استعمارگران و رژیم حاکم شکل میداده است. این کتابها توسط کسانی تألیف شده است که عمدتاً وابسته و خدمتگزار به این رژیم بوده اند و طبیعی است که این کتابها با این محتوای نمیتواند در جهت منافع یک جامعه



سال گذشته رانگهداری کنید؟ (۳) آیا صدور این بخشنامه ها به این معنا نیست که سال آینده نیز فرزندان زحمتکشان میهن ما باید در کتاب های زبان فوت و فن و عیش و نوشهای پارتی های سبک آمریکائی را بخوانند؟ (ص ۲۶ کتاب گریده انگلیش ۵) و از غذاهاى که بر سر صحنه تاز برورد های آمریکائی ردیف شده است (آب پرتقال - تخم مرغ - نان برشته - شیر - سریال cereal و .... (درس ۵ همان کتاب ص ۵۲) بدون اینکه از زندگی مشقت بار سیاهان آمریکا حتی کلمه ای بمیان آمده باشد یا از غارتگری امپریالیستهای جهان خوار سخنی گفته شده باشد؟ آیا آموزگاران -



ما باز هم باید از طریق آموختن این مطالب مروجین فرهنگ استعماری باشند؟ اگر واقعاً طرح و برنامه ای برای تغییر کتابهای درسی هست چگونه است؟ این برنامه توسط چه کسانی انجام میگردد؟ توده وسیع معلمان در تألیف این کتابها تا چه حد نقش دارند؟ ما بار دیگر و برای چندمین بار اعلام میداریم که خواهان دگرگونی بنیادی در محتوای کتابهای درسی بوده و آمادگی خود را جهت همکاری و شرکت در این زمینه با اطلاع مسئولین آموزش و پرورش میرسانیم. ما معتقد هستیم که صالح ترین مرجع برای تغییر کتابها معلمان متخصص و زحمتکش هستند که میبایست درشوراها برای دنبال کردن در صفحه ۱۱

ادبیات ما مملو از مطالبی است که فردگرائی، لاقیدی و خرافاتی بودن را رواج میدهد. این کتب عاری از هرگونه فرهنگ و بینش انقلابی است. بنا بر این از عمده ترین وظائف مسئولین آموزش و پرورش بعد از انقلاب ایجاد تغییرات بنیادی در محتوای کتابهای درسی و جایگزین کردن محتوای منطبق با خواسته های جامعه انقلابی ما باشد. اما متأسفانه تاکنون با وجود اینکه نزدیک به یکسال ونیم از قیام خلق میگذرد قدمی در این راه برداشته نشده است. آنچه بوده همه در شکل بوده و ظاهر و نه در محتوی.

سال گذشته رابطه های مختلف نبودن وقت نداشتن نیرو و صرفه جویی در کاغذ .... به پایان رساندند نهایت تغییری که در کتابها داده شد عوض کردن و یا حذف بعضی مطالب با النسبه مترقی و عملی و یا عوض کردن عکسهای کتابها بود. البته در بیشتر کتابها حتی این تغییرات هم انجام نگرفته و کتابهای دوران رژیم منفور پهلوی مزین ! به عکس شاه در اختیار دانش آموزان مبارز قرار گرفت کانون مستقل معلمان در طی یکسال گذشته همواره - نظر خود و همچنین (۲) آمادگی خود را در جهت همکاری با آموزش و پرورش در زمینه تغییر و تحولات کتابهای درسی اعلام داشته است و معلمان متخصص را معرفی نموده است. اما مسئولین نه تنها از این معلمین استفاده نکرده بلکه اصولاً به نظرخواهی از معلمان در این مورد بهاء و اهمیت داده نشده است. به راستی چرا؟

سؤال ما از مسئولین آموزش و پرورش این است که آیا یکسال ونیم برای مرحله پاکسازی ؟ ! کافی نیست ؟ مرحله دوم یعنی تغییر بنیادی کتاب های درسی که مدام وعده آن را میدیدید، بر اساس کدام طرح - چهارچوب و الگوست ؟ و بالاخره ما کدام یک از این خبرها را باور کنیم ؟ این راکه : " ۵۰٪ مطالب کتابهای درسی عوض شده است " و یا این خبر راکه بخشنامه شده و از اردیو به پیش می شود و از دانش آموزان خواسته میشود که : " کتابهای



## چرا از فعالیت معلمان در راه سوادآموزی و تدریس رایگان به دانش آموزان جلوگیری می کنند ؟

پس از این مرحله، کانون از طریق کانون های مستقل معلمان نواحی و در نواحی ای که کانون مستقل تشکیل نشده است، بوسیله معلمان عضو کانون، کتب برای گرفتن جابم منظور تشکیل کلاس اقدام نمود. اما عکس العمل روسای آموزش و پرورش نواحی در این مورد برآستی اسفبار بود. بعضی از روسای نواحی حتی از گرفتن نامه کانون مستقل معلمان تهران خودداری کردند! - برخی از دادن جواب کتبی به نامه طفره رفتند. چند ناحیه نیز پاسخ خود را زیر نامه نوشتند. کلاً همه پاسخها - چه کتبی و چه شفاهی - صرف نظر از پاره ای اختلافات جزئی، محتوای یکسانی داشت. بعنوان نمونه پاسخ دو ناحیه عیناً درج میگردد تا همکاران در این مورد خود قضاوت کنند.

پاسخ کتبی رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۱۸ - ( شمیران ) چنین است: " در این ناحیه اقدامات لازم انجام شده است و نیاز بیشتری ندارد " ( افجه ای ( رئیس ناحیه ) ۵۹/۴/۱ - شماره ۱۸۱ ) رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۷ نامه را به امور تربیتی ارجاع میدهد: " امور تربیتی، ضمن دریافت اسامی، صرفاً جهت تدریس از همکاران - استفاده شود " ( طاهر خانی ( رئیس ناحیه ) ۳/۲۸/۵۹ - شماره ۱۳۰۳۵ )

امور تربیتی نیز چنین پاسخ میدهد: " با برنامه های تنظیم شده در جهت کلاسهای تابستانی و استفاده از مدارس، مضافاً بر اینکه امور تربیتی به هیچ وجه حق در اختیار دادن کلاس در اختیار گروهی خاص را ندارد، از دادن مدرسه مستقل معذوریم ولی استفاده از معلمان جهت تدریس بلا مانع است " ( امور تربیتی - عبادی، ۵۹/۳/۲۸ شماره ۱۳۰۳۵ )

دنباله در صفحه ۹

کانون مستقل معلمان تهران با اعتقاد بر این امر که مبارزه با بیسوادی جزئی از مبارزه با فرهنگ استعماری و در نتیجه بخشی از مبارزات ضد امپریالیستی خلق های میهن ما است، بارها آمادگی خود را برای شرکت در امر سوادآموزی با اطلاع مقامات مسئول وزارت آموزش و پرورش رسانده است. اما هر بار با برخورد های غیر اصولی و پاسخ های نادرستی از این قبیل که: " برنامه سوادآموزی زیر نظر جهاد سازندگی با امور تربیتی اجراء میگردد "، یا " ما به نام کانون اجازه فعالیت نمیدهم " و یا " ما از معلمان انجمن اسلامی استفاده - میکنیم " و .... مواجه شده است.

با آغاز تعطیلات تابستان، گروهی از اعضای کانون مستقل معلمان تهران با ردیگر آمادگی خود را برای تدریس در کلاسهای سوادآموزی و تقویتی جهت کمک به بیسوادان و دانش آموزان بطور رایگان اعلام نمودند.

کانون مستقل معلمان با مدیرکل آموزش و پرورش تهران ( آقای خوشنویسان ) تماس گرفت و تقاضا کرد مدارسی ( بخصوص در جنوب شهر ) بعلمت نیاز دانش آموزان و اهالی آنجا ( در اختیار کانون قرار - گیرد تا کانون در آنجا به تشکیل کلاسهای سوادآموزی و تقویتی با کمک اعضای خود اقدام نماید. آقای خوشنویسان گفتند: " شما باید از طریق نواحی آموزش و پرورش برای این کار اقدام نمائید اما بهر حال ما به گروه و دسته خاصی، کلاس و مدرسه نمیدهم " ! لازم به یادآوری است که نماینده کانون مستقل معلمان در این ملاقات اساتید کانون و خلاصه ای از سابقه و فعالیت های کانون را - جهت اطلاع در اختیار مدیرکل آموزش و پرورش تهران قرار داد.



## برکناری معلمان متری بدلائل عقیدتی بنفع چه کسانی است؟

مردم قهرمان ایران! فرهنگیان مبارز!

هم اکنون در وزارت آموزش و پرورش با استفاده از تعطیل مدارس، لیستهای بلندی از فرهنگیان بویژه معلمان تهیه شده و طبق آن هر روز گروهی از آموزگاران و دبیران متری را در کنار ساواکیها و وابستگان به رژیم سابق، اخراج و بازنشسته میکنند.

بی شک، معلمان به مثابه نیروهای که بیشترین ارتباط را با شاگردان خود دارند می توانند نقش موثر و حتی تعیین کننده ای در تعلیم و تربیت آنها داشته و از این طریق سهم خود در رشد و تداوم انقلاب و یا به انحراف کشاندن آن تاثیر بگذارند. بهمین جهت، همانگونه که تصفیه ساواکیها و وابستگان به رژیم سابق در مدارس و ادارات آموزش و پرورش گامیست مثبت و در جهت محور فرهنگ استعماری، اخراج معلمان متری و ضد امپریالیست که بدلائل عقیدتی صورت میگیرد، به تداوم انقلاب لطمه زده و به تحکیم فرهنگ استعماری یاری میرساند چرا که در این صورت دانش آموزان تا حدود زیادی از کسب آگاهی محروم میگردند. در واقع اگر تصفیه ساواکیها را با اخراج معلمان متری تلفیق نمیکردند، عمل پاکسازی آموزش و پرورش، به مراتب مثبت تر و حرکتی کاملاً انقلابی میبود. معلمان مبارزی که امروز در سطح وسیع مشمول "پاکسازی" آموزش و پرورش قرار میگیرند، کسانی هستند که در ماههای قبل از قیام، نقش فعال و موثری در افشای جنایات

رژیم ضد خلقی پهلوی داشته و اغلب آغز زکننده اعتصاب در مدرسه خود بوده اند، اینها معلمینی هستند که از معلمان روزهای پس از قیام خواهان دگرگونی نظام پوسیده آموزشی، تغییر بنیادی کتابهای درسی، ایجاد شوراهای واقعی در مدارس و مشارکت معلمان و دانش آموزان در امور مربوط به خود، آزادی فعالیتهای دموکراتیک و سیاسی در مدارس، افشای لیست ساواکیها و تصفیه کلی آنها از آموزش و پرورش بوده اند ولی امروز، همانها را در کنار ساواکیها بازنشسته و اخراج میکنند و پاداش مبارزات و تلاشهای پیگیرشان را در امر تداوم انقلاب بگونه میدهند!

مسئولین آموزش و پرورش در پاسخ همکاران ما که یکبار به ابلاغ بازنشستگی و یا حکم اخراج خود را دریافت کرده اند، هیچگونه دلیل مشخصی ارائه نمیدهند. در احکام آنان رسماً از مواردی مثل "کم کاری" نام برده شده در حالیکه این معلمان از فعالترین و منظم ترین کارکنان آموزش و پرورش بوده و در مراکاهی دادن به محصلین برای مبارزه با امپریالیسم و نظام پوسیده فرهنگ استعماری از همه پیگیرتر بوده اند، در بعضی موارد نیز در حکم آنها دلیل اخراج را "انحراف عقیدتی" ذکر کرده اند و این امر بر طبق اطلاعیه ۱۳ ماده ای اخیر آموزش و پرورش در مورد پاکسازی بوده است چنانچه در مقدمه این اطلاعیه یکی از مهمترین ملاکها را ملاک مکتبی ذکر کرده اند.

براستی این چه سیاستی است که مزدوران ساواک را هم ردیف با معلمینی قرار میدهند که سالها با رژیم جنایتکار پهلوی مبارزه کرده و به خاطر



## معلم

بعقیده ما در وضعیت کنونی که توده‌های مردم هنوز درگیر مبارزه با امپریالیسم جنایتکار آمریکا هستند و لزوم وحدت همه اقشار و طبقات خلق و کلیه نیروهای مترقی با هرایدئولوژی و مرام در مبارزه علیه امپریالیسم امری ضروریست، - اینگونه اقدامات تفرقه افکنانه و بیرون کردن نیروهای ضدا امپریالیست بخاطر مسائل عقیدتی از صحنه‌هایی که میتوانند در آن فعالانه مبارزه کنند، عملاً بنفع امپریالیسم و عوامل آن تمام میشود و به منافع توده‌های مردم و تداوم انقلاب زیان میرساند.

کانون مستقل معلمان تهران  
۱۳۵۹/۵/۱۱

## چرا از فعالیت معلمان .....

طبق تحقیقی که همکاران ما در این دونا حیه کرده‌اند، هردونا حیه به کلاسهای سوادآموزی و - تقویتی نیاز دارد. آیا اولین قدم انجام انقلاب فرهنگی و مبارزه با فرهنگ استعماری، محو بیسوادی نیست؟ و کسانی که به ظاهر دم از انقلاب فرهنگی و مبارزه با امپریالیسم میزنند و در عمل از مشارکت معلمان به بهانه‌های پوچ و واهی در این امر مهم، جلوگیری میکنند، عملکردشان در خدمت منافع امپریالیسم قرار ندارد. ؟

فعالیت‌های آگاه‌گران خود در مدارس، تبعید، منفل از خدمت و با بازداشت گشته و سالها در زندانهای آریا مهری بسر برده‌اند ؟ ما میپرسیم، آیا بفرض آنکه معلمی عقیده و ایدئولوژی خاصی داشته باشد، باید تحت انواع فشارها از جمله فشار اقتصادی قرار بگیرد؟ باید باین دلیل از حقوق اجتماعی خود محروم گشته و حتی راه امرار معاش او نیز قطع شود؟ چگونه است - که دولت هیچگونه مسئولیتی در این زمینه احساس نمیکند؟ معلمی را که مثلاً با ۱۰ سال خدمت اجباراً بازنشسته میکنند با ۱۰ روز حقوق (با توجه باین امر که دولت در همین مورد نیز تبعیض قائل شده و - فرهنگیان را بر حسب سنوات خدمت بازنشسته کرده و بهمان اندازه حقوق ماهیانه میدهد) چگونه زندگی اش را ادامه دهد؟ آنها هم با این موج بیکاری و گران‌ی و بحران اقتصادی ؟

مردم مبارز ایران! فرهنگیان آگاه! خود تفاوت کنید. این سیاست‌ها بنفع چه کسانی تمام میشود؟ آیا اینگونه سیاستها نبوده اند که تاکنون زمینه کودتاهای آمریکائی را فراهم نموده اند و از این بعد نیز فراهم میکنند؟ بی شک هستند کسانی که هم اکنون در پستهای حساس آموزش و پرورش قرار دارند و باید مشمول پاکسازی شوند اما برخی از آنها حتی وظیفه پاکسازی را - بمعده دارند. مسئولین امر در مورد آقایی عبدالوهاب طالقانی مسئول دفتر بررسی و ارشاد که هم اکنون در بازداشت بسر میبرد چه توضیحی دارند؟ او تا همین چند وقت پیش وظیفه "پاکسازی" معلمان را بمعده داشت!

با حمایت خود از معلمان مبارز اخراجی و وحدت نیروهای ضدا امپریالیست تحکیم بخشیم .



## نظری به طرح دوسره شدن مدارس

این حقیقتند که بسیاری از مدارس دوتوبته و - برخی آنها بویژه دبستانها سه توبته میباشند، - یعنی بقدری فضای آموزشی کم است که در روز سه گروه دانش آموز باید به یک مدرسه روی آورند. - وقت نیز باید طوری تنظیم گردد که از صبح تا عصر هر سه گروه بتوانند با صلاح کلاسهای معمول خود را بگذرانند ولی کیست که نداند در ۳ الی ۴ ساعتی که هردانش آموز در مدرسه بسر میبرد، با در نظر گرفتن کیفیت بد آموزشی (کمبود وسائل و امکانات رفاهی و معلمان ورزیده) در واقع چندان چیزی یاد نمیگیرند و معمولاً میزان سواد آموزی او نسبت به دانش آموزان مرکز و شمال شهر بسیار پایین میباشد! طرح دوسره شدن مدارس تنها مناطق شمال و مرکز شهر را زیر پوشش خود میگیرد و محصلینی که در جنوب شهر و یا خارج از محدوده زندگی میکنند از این طرح و محاسن آن همچنان بی بهره میمانند. بنظر ما هر طرح و برنامه ای باید زمینه مساعدی اجرائی داشته باشد، برای نمونه برای اجرای همین طرح دوسره شدن مدارس بایستی بسیاری مسائل دیگر حل شود تا زمینه آن کاملاً فراهم گردد. تنها در این صورت است که آموزش و پرورش میتواند ادعا کند که خدمتی به میلیونها دانش آموز کرده و این قسمت از نظام سیاه بجا مانده از رژیم ضد مردمی گذشته را برچیده است. ما معتقدیم که زمانی زمینه انجام این طرح فراهم است که اولاً کلیه دانش آموزان کشور از فضای آموزشی بهره مند شده باشند یعنی دولت در تمام نقاط کشور مدرسه به اندازه کافی ساخته باشد تا کلیه دانش آموزان از امکانات یکسان آموزشی استفاده کنند و این طرح شامل همگی شان بشود، ثانیاً با همکاری و مشارکت نمایندگان واقعی معلمان و

اخیراً مسئولین آموزش و پرورش، طرح دوسره شدن مدارس را که تاکنون یک توبته بوده اند طبق اطلاعیه ای به مرکز آموزشی ابلاغ کرده و هدف از اجرای این طرح را بشرح زیر ذکر نموده اند: " رژیم گذشته از هیچ اقدامی در جهت تباهی سرمایه های مادی و معنوی و انسانی کشور فروگذار نکرده است. از جمله این اقدامات که بمنظور بی محتوا ساختن فرهنگ کشور صورت گرفت یکسره کردن کار مدارس بود که رژیم به جای تهیه و تأمین فضای کافی آموزشی برای سرمایه های انسانی کشور در جزیره کیش و .... قمارخانه میساخت و فضای عیش و نوش را توسعه میداد و اجرای این قبیل برنامه ها سبب شد تا کودکان معصوم کشور مجبور شوند ۵ الی ۶ ساعت درس متوالی را تحمل نمایند و از آنجا که همه صاحب نظران بر این عقیده اند که انجام چنین برنامه ای نه تربیتی است و نه انسانی .... بمنظور برجیدن این قسمت از نظام سیاه بجا مانده از رژیم ضد مردمی گذشته و اجرای صحیح برنامه بشکلی که بیشتر به مصلحت دانش آموزان نسل فردا و انقلاب است در مدرسی که از فضای آموزشی فقط یک توبته و بصورت یکسره استفاده میشد، برنامه هفتگی طوری تنظیم شود که تدریس ساعات کار روزانه بر اساس دوتوبته - صبح و بعد از ظهر اجراء شود .... "

همانطور که از نوشته بالا برمیآید طرح دوسره شدن شامل " کلیه مدارس " نمیشود باین معنی که هنوز مدرسی در جنوب تهران، شهرستانها و - روستاها وجود دارند که دوتوبته و حتی سه توبته در روز کار میکنند. بسیاری از معلمینی که در همین جنوب تهران به تدریس اشتغال دارند، گواهی بر



## معلم

نبودن ساعات درس برای دانش آموزان بخصوص در -  
 دبستان ، بسیار خوب است ولی قبل از آن باید -  
 مشکلاتی که بر سرمدیم حل شود .  
 دولت باید ابتدا طرح هایی را ارائه داده -  
 و برای آن برنامه ریزی کند که در اولویت قرار  
 دارند و اگر رفع شوند حل سایر مشکلات بسیار -  
 ساده میگردد . در غیر این صورت اگر قرار باشد طرح  
 هایی انتخاب شود که زمینه نداشته باشد عملاً  
 قابل اجرا شدن نیست و تنها شمره اش تشدید نا  
 رضایتی در میان معلمان و بسیاری از دانش آموزان  
 است . از جمله همین طرح دوسره شدن مدارس در -  
 این شرایط که هنوز سیستم آموزشی تغییر اساسی  
 نکرده است ، کتابهای درسی با تغییراتی جزئی -  
 همچنان باقی است ، فضای آموزشی هنوز بسیار  
 کم است و ..... .

## از کتابهای درسی چه خبر ؟

انجام این وظیفه سازماندهی شوند . ما معتقد هستیم  
 که مولفین کتابهای جدید باید معلمانی باشند  
 که دلسوز به حال انقلاب و توده های زحمتکش ما بوده  
 تا بهتر بتوانند نیازهای مادی جامعه ما را منعکس  
 نمایند . بگوئیم با بسیج و سازماندهی معلمان -  
 زحمتکش برای شرکت فعال در ایجاد تغییر در کتابهای  
 درسی گامی دیگر در جهت قطع وابستگی فرهنگی  
 به امپریالیسم برداریم .

(۱) البته اینجا به هیچ وجه قصد آن نداریم که  
 دستاوردهای علمی بشر و استفاده از آن را در جهت  
 رشد و پیشرفت جامعه خود نفی کرده باشیم . بلکه  
 منظور ما این است که این فرهنگ تکنولوژی و ...  
 در خدمت استعمارگران است .

(۲) : نشریه معلم شماره های ۲ و ۶ و ۷

(۳) : در اینجا نیز بهانه را رسیدن کاغذ ذکر  
 کرده اند و دلیل دیگر را دیر رسیدن کتابها تا سه  
 ماه یا چهار ماه

دانش آموزان ، با برسمیت شناختن شوراهای مدارس  
 و باری گرفتن از آنها ، محتوای کتابهای درسی را -  
 تغییر بنیادی داده و سیستم آموزشی را دگرگون  
 سازد . باین ترتیب است که معلمان و دانش آموزان  
 با رضایت کامل به انجام کارهایی که خود در -  
 برنامه ریزی آنها شرکت داشته اند ، میپردازند هر  
 چند هم که سخت و طاقت فرسا باشد ولی تاکنون -  
 دولت چگونه باین مسائل برخورد کرده است ؟

بدون آنکه از معلمین و محصلین حداقل نظرخواهی  
 کند ، بدون آنکه تغییرات بنیادی در سیستم آموزش و  
 پرورش و کتابهای درسی بوجود آورد ، از معلمان  
 و دانش آموزان میخواهد که با طرح هایی که خود  
 ارائه میکنند و هیچگونه هماهنگی با سایر برنامه ها  
 ندارد موافقت کرده و بآن تن بدهند . علاوه بر  
 اینها باید مشکلاتی که خارج از حیطه آموزش و  
 پرورش است مثل مشکل عبور و مرور در شهرهایی که  
 ترافیک سنگین دارند ، حل شود در حالیکه ترافیک  
 تهران و سایر شهرهای بزرگ همچنان بصورت مشکل  
 بزرگی باقی است ، بدون آنکه فکری اساسی برای  
 حل آن شده باشد . در این صورت معلمی که بخواهد  
 در یک مدرسه ۴ ساعت صبح و ۲ ساعت بعد از ظهر کار  
 کند در واقع باید صبح از خانه بیرون رفته و عصر  
 بازگردد ( چون اگر بخواهد ظهر به منزل خود  
 برود عملاً ساعتی استراحت بین راه تلف میشود )  
 اجرای این طرح بخصوص برای معلمان زن که بچه -  
 نیز دارند مشکلاتی میباشد ، در اینجا است که لزوم  
 داشتن مهد کودک به تعداد کافی در مدارس نیز  
 الزامات ضروری دولت است . علاوه بر اینها مشکلی  
 که هم اکنون دامنگیر جامعه ماست و ریشه در وابستگی  
 نظام اقتصادی - اجتماعی مین دارد ، مسئله  
 کار کودکان است - هم اکنون بسیاری از فرزندان -  
 مستکشان در روستاها و شهرها مجبورند برای کمک به  
 برار معاش خانواده حداقل نیمی از روز را کار  
 کنند . دولت برای رفع این مشکل چه برنامه ای -  
 تاکنون ارائه داده است ؟ درست است که فشرده





## انقلاب مشروطیت

طلیعه مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما

از اذهان محو گشتند و نیروهای که حتی در گذشت با مردم به دشمنی برخاسته بودند پس از انقلاب در زمره دوستان آنان جای گرفتند، تاجایی که میتوانستند روزگار را به مردم سیاه گردانند و خواست واقعی توده ها را که همانهای از سلطه امپریالیسم بود در پرده ابهام نگهداشتند. در نیمه دوم قرن هیجدهم بود که نفوذ سرمای های خارجی به ایران، و رسیدن سرمایه داری به مرحله تکامل خود یعنی "امپریالیسم" تار و پود کثیف مارا با دول امپریالیستی بنحوی پیچیده ای درهم نمود تا مرحله ای که کشور ما به زائده کثافت ورزی و تهیه مواد خام این دولتها تبدیل گردید.

در عرصه مبارزات حق طلبانه خلقهای محروم و ستمدیده جهان، همواره نیروهای متخاصم و ضد خلق با عملکردهای پلید خویش به شیوه های گوناگون در صدد خدشه دار کردن پیکارها برآمده اند و بنحوی برخی از انقلابها را به بیراهه کشانده اند. از آن جمله انقلاب مشروطیت ایران است که به قول کسروی "با پاکدلیها آغازید ولی با ناپاکدلیها به پایان رسید و دستهای از درون و بیرون بمیان آمد و آن را بهم زد و نا انجام گذاشت و .... مردم ندانستند انگیزه نا انجام ماندنش چه بود؟" و از آنجا که صف خلق و ضد خلق در این انقلاب به وضوح برای توده ها جدا نگشت، مبارزین واقعی



دیگر گردید.

گسترش سوادآموزی در میان مردم موجب رشد روزنامه‌ها نیز گشت، روزنامه‌هایی که برخی از آنها در آگاه نمودن توده‌ها نقش بسزائی داشته‌اند، از آن جمله روزنامه باختر را میتوان نام برد.

نشانه‌های بالندگی در ادبیات نیز در مجموع به گسترش آگاهی‌ها کمک فراوان نمود و پیدایش ادبیات مقام و مت‌درسه‌ای از مبارزه توده‌ها با آموختن و این مبارزات تا آنجا پیش رفت که موجب صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ هـ - ش گردید. و در این زمان کمتر شهری بود که در آن یک یا دو دبستان نباشد.

مادر این قسمت به شرح مختصری از مقاومت مردم که منجر به امضای این قانون گردید میپردازیم:

هنگامیکه دولت روسیه تزاری بموجب معاهده‌ای که جهت احداث بانک استقراضی روس بسته بود، قبرستانی را در پشت بازار گفشدوزان تخریب نموده و اجساد مردگان را از زیر خاک بیرون آوردند، خشم توده‌ها برانگیخته شد و در تظاهراتی که علیه این اعمال و قیحانه به عمل آوردند ساختمان نیمه تمام بانک را ویران نمودند و ما هیت شیخ فضل الله نیز که خود فروشنده زمین جهت احداث بانک بود، بخوبی برای توده‌ها شکار گشت، نام برده بعدها نیز با مردم مبارز و علمای آزادیخواه همگامی نکرد و حتی هنگامی که امام جمعه تهران که دست‌نشانده حکومت بود با نقشه از پیش طرح شده قداره بدستان خویش را علیه سید جمال الدین اسپهانی بسیج میکنند و اجتماع مردم را برهم میزنند در نامه‌ای که یکی از هواداران شیخ فضل اله - مینویسد، این پیش‌آمد را یک پیروزی بحساب می‌آورد و اعتراض امام جمعه را به سخنان سید جمال می‌ستاید!

همزمان با این جریان‌ها در تهران، در کرمان نیز بعلمت اعتراض و ایستادگی مردم به اعمال هیئت حاکمه به دستور حاکم وقت، با یورش

و در همان زمان بود که بعلمت رقابت شدید اقتصادی و سیاسی میان انگلستان و روسیه تزاری و سعی در بغارت بردن منافع کشور ما زمینه‌بیداری توده‌ها فراهم میگردد و طبیبی است، مردمی که از ظلم و ستم امپریالیست‌ها بسته آمده بودند، به پا خاسته و با جنبش مردمی و ضد امپریالیستی خویش دامنه مبارزات را به سایر کشورهای شرق نیز گسترش دادند.

در آخرین سالهای حکومت ناصرالدین شاه دادن امتیازهای مختلف به بیگانگان وابستگی - نظام حکومتی کشور ما را به دول امپریالیستی - تضمین مینمود و امتیاز توتون و تنباکو از مهمترین این امتیازها بشمار میرفت که در اوج ناراضی‌ها منجر به شورش مردم گشت و به ناچار با اراده توده‌ها و ایستادگی آنها در مقابل دستگاه حاکمه به فسخ قرارداد انجامید.

بعدها در زمان حکومت مظفرالدین شاه نیز دادن امتیازهای مختلف به سایدول امپریالیستی از جمله واگذاری کارهای گمرکی به بلژیک و همچنین حق انحصاری ساختمان راه‌های آهن به انگلستان و دادن گمرکات شمال به کشور روسیه تزاری که در مجموع موجبات ناراضی مردم را فراهم میکرد، رشد بیداری توده‌ها روبه بالیدن گذاشت و جنبش آزادیخواهی در گوشه و کنار کشورمان تبلور مییافت و از نشانه‌های این پیشرفت و بیداری میتوان - افزایش روزافزون دبستان‌ها را نام برد که تنها از معایت دوتغراز ملایان نیک‌نام به نام شیخ هادی نجم آبادی و سید محمد طباطبائی برخوردار گردید و متاسفانه اکثر ملاحا در آن زمان با تبلیغات سوء خود در راه توسعه دبستان‌ها مانع ایجاد مینمودند و کار دبستان‌ها را مغایر با مکتب خانه‌های پنداشتند ولی علیرغم این تبلیغات - انبوهی از مردم که زبان بیسواد را در یاقته بودند با اشتیاق بسوی مدارس روی می‌آوردند و آنها با همت مردم و بدون حمایت دولت تعداد دبستان‌ها بالغ بر ۲۱ مدرسه در تهران و چهار شهر



## معلم

مخالفتها همچنان ادامه داشت تا آنکه با کشته شدن یکی از طلبه‌ها به دست ما موریان دولتتظاهرات وسیعی از طرف مردم صورت گرفت که دخالت قوای نظامی موجب کشته شدن عده بسیاری گردید و در لحظاتی که مردم در میان خون می غلطیدند میخواستند با افراد کمی که داشتند به مقابله با دشمن بپردازند ولی علماء نگذاشتند و به دنبال این جریانات روحانیون تصمیم گرفتند مجدداً در قم بست بنشینند و این دومین تحصن که موجب شد تعداد متحصنین به بیش از ۱۴ هزار نفر برسد باعث شد که شاه نماینده‌ای جهت دلجوئی نزد علماء بفرستد و به ناچار روزیکشنبه سیزدهم مرداد ماه ۱۳۵۸ فرمان مشروطیت را امضاء نماید.

ولی متأسفانه از آنجا که عوامل مرتجع همیشه در صدد آنند رشد و پیشرفت جامعه را از حرکت تکاملی آن بازدارند قانون انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را بنحوی تدوین نمودند که بموجب آن همه کارگران و دهقانان و اکثر پیشه‌واران و همچنین زنان از حق انتخاب کردن محروم گشتند و انتخاب شوندگان نیز میبایست سواد داشته باشند و در جامعه‌ای که طبق آمار آن روز از هر ۱۰۰ نفر شاید فقط ۱۰ نفر با سواد بودند، طبیعی بود که اکثر مردم نمیتوانستند نماینده‌ای در مجلس داشته باشند و به همین دلیل بود که زحمتکشان هم با علت عدم وصول به خواسته‌های مردمی خود کم کم با صحنه سیاسی کشیده شدند و با جوا انقلابی که پیش آمده بود سرانجام قیام مسلحانه در شهرهای تبریز، گیلان، و سایر شهرها بوقوع پیوست.

محمدعلی شاه از مجلس خواست که تصمیم به انحلال انجمنها که از نخستین نطفه‌های بارور شده انقلاب بودند بگیرند ولی چون نمایندگان مجلس از قبول این تقاضا سرباز زدند دستور داد مجلس را به توپ بستند و عده‌ای از نمایندگان را دستگیر نمود و خطیب مشهور ملک المتکلمین را به دار آویخت نماینده تبریز نیز توسط سربازان بقتل رسید. دنباله در صفحه ۱۶

مسلحانه به مسجد چند نفر را کشته و تعدادی را نیز مجروح مینمایند و مجتهد شهر را دستگیر نموده و عده‌ای از ملاها را از شهر اخراج میکنند و این ماجرا موجب شد که ۲ نفر از روحانیون که نامهای طباطبائی و بهبهانی شخصاً از منبر به بدگوئی از دولت پرداخته و مردم را علیه حاکمیت بشورانند.

ناگفته نماند بهبهانی که در ابتداء برکنار شدن عین الدوله تنها خواست او بود با بستن پیمان با عالم مبارزی چون طباطبائی که برخلاف سایرین آزادی ملت و رهائی ایران را از دست ستمگران با هیچ چیز عوض نمینمود همواره در سنگر آزادیخواهان از مبارزه دست نکشید.

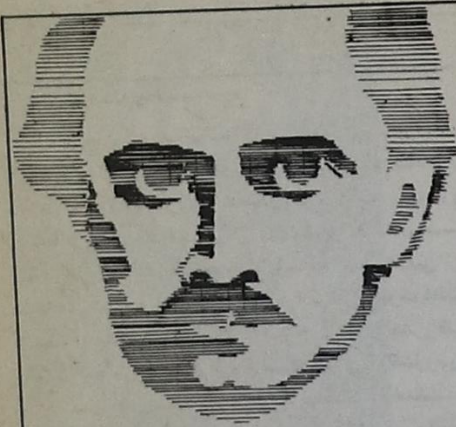
به حال زمینه‌های بیداری توده‌ها و اعمال خشونت بیش از حد حاکمیت و تفویض کشور به بیگانگان موجب گشت که اعتراضها صورت گسترده‌تری یا بدو به دنبال این ماجراها علمای آزادیخواه به عبدالعظیم کوچ کردند و در این بست نشینی جمعی شاه ناگزیر شد طی نامه‌ای دستور تاسیس عدالتخانه و ترتیب تشکیل مجلس را بدهد و مردم که بخاطر این پیروزی به وجد آمده بودند برای نخستین بار فریاد "زننده باد ملت ایران" را سردادند ولی عین الدوله به انحاء مختلف از تشکیل مجلس سرباز میزند، زیرا او به هیچ عنوان توده‌ها را لایق نمیدید که در کار خود دخالت کنند.

حتی با اینکه طباطبائی به او هشدار داد بگذار تاسیس عدالتخانه از تو به یادگار بماند و در این رابطه به عین الدوله میگوید: ای عدالتخانه که ما میخواستیم نخست زبانش به خود ماست، چه اگر مردم آسوده باشند و ستم نبینند دیگر از مایبی نیاز میگردند و درهای خانه‌های ما بسته شود ولی چون عمر من و تو گذشته‌کاری کنی که نام نیکی از شما در جهان بماند" چندی بعد اعتراضهای مردم افزایش یافت و علیه‌گرانی نان و گوشت و عدم تشکیل مجلس به تظاهرات پرداختند که در اثر مواجهه با قوای دولتی منجر به کشته شدن ۴۰ نفر و مجروح شدن عده زیادی گشت.



شعر: شورش سرزمین معلمان شریک

## عشق وطن



وین کاسه خون به بستر راحت هدرکنم  
معشوق "عشقی" ای وطن، ای عشق پاک  
ای آنکه ذکر عشق تو شام و سحرکنم!  
"عشقت نه سرسری است که از سر بدر شود"  
"مهرت نه عارضی است که جای دگرکنم"  
"عشق تو در وجودم و مهرت در دلم"  
"باشیرا ندرون شود با جان بدرکنم"

خاکم به سرزغصه به سر خاک اگرکنم  
خاک وطن که رفت چه خاکی بسرکنم؟  
آوخ کلاه نیست وطن تا که از سرم  
برداشتند، فکر کلاه دگرکنم  
مرد آن بود که این کلش بر سراسر است و من  
نامردم ارکه بی کله، آتی بسرکنم  
من آن نیم که یکسره تدبیر مملکت  
تعلیم هرزه گرد قضا و قدرکنم  
زیر و زبر اگر کنی خاک خصم را  
ای چرخ! زیر و روی تو زیر و برکنم  
ماشی است آرزوی من، ارمن به آن رسم  
آزروی عشق لشکر دشمن گذرکنم  
بر آنچه میکنی بکن ای دشمن قوی  
من نیز اگر قوی شوم، از تو برکنم  
من آن نیم به مرگ طبیعی شوم هلاک



انقلاب مشروطیت .....

و روسیه تزاری از جنوب و شمال انقلابیون را توقیف نموده و به سرکوبی توده‌ها پرداختند ولی با تمام این دخالت‌های نظامی بیگانگان محمدعلی شاه‌خائن ناچار شد به سفارت روس پناه برد و حکومت موقتی، احیای مشروطیت و انتخابات مجلس دوم را اعلام نمود.

اما متأسفانه در این دوره هم حکومتی از نمایندگان قشرهای دموکراتیک بر سر کار نیامد بلکه مجلسی از خوانین بختیاری و ملاکین لیبرال تشکیل شد و رژیم استبدادی سلسله قاجار دست نخورده - باقی ماند.

با شکی تجربه این انقلاب درسی آموزنده فرا راه توده‌های تحت ستم میهن مان قرار دهد.  
منابع: تاریخ مشروطیت: اثر کسروی  
انقلاب مشروطیت از ایوالف

ارتجاع درهمه جا به آزادیها یورش میبرد ولی از آنجا که بار انقلابی توده‌ها هنوز کاسته نشده بود و آتش خشم آنها هر روز شعله‌ورتر میگشت، رودرروی ارتجاع قرار گرفتند و در این مبارزات ستارخان و باقرخان ۲ نفر از رهبران دسته‌های انقلابی نه تنها در تبریز بلکه در سراسر ایران شهرت عظیمی کسب نمودند و شعار اصلی آنها: احیای مشروطیت، تشکیل مجلس جدید و خروج بیگانگان از کشور بود. این دور زنده انقلابی با تشکیلات و همگامی توده‌ها شهر تبریز را به تصرف درآوردند و اموال - شاه و سرمایه داران را بکنف زحمتکشان مصادره - نمودند، دامنه مخالفت‌ها به شهرهای اصفهان، - مشهد، رشت هم کشیده شد و در شهرهای بوشهر و بندر عباس نیز مشروطه خواهان حکومت را در دست گرفتند در این شرایط بود که کشورهای امپریالیستی انگلیس

یادشدهای انقلاب مشروطیت گرامی باد

مسکن معلمان تأمین باید گردد

همکاران، بانک فرهنگیان در بانک ملت ادغام گردید ولی مشکل مسکن فرهنگیان همچنان

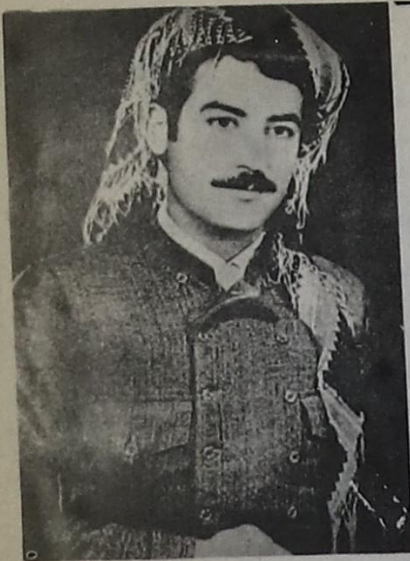
پابرجاست دولت باید کارنامه غارت ۳ ساله این بانک را نزد فرهنگیان افشا کند و با تقویت

شرکت تعاونی مسکن معلمان بحل این مشکل کمک نماید



## معلم شهید

### یحیی خاتونی



معلم شهید یحیی خاتونی در سال ۱۳۲۴ در روستای "قیلستون" از توابع سقز در خانواده‌ای متوسط چشم به جهان گشود. از دست دادن مادر و سپس پدرش در سنین کودکی او را از همان ابتدا به کار در روستاها و خرده فروشی ناگزیر نمود و ضمن این ارتباطات و تجربیات خود پی برد که در حرفه معلمی بهتر میتواند اندکی از بار وظیفه‌ای را که بر دوش دارد به انجام رساند و با آگاه کردن روستائیان فقیر آنان را برای مبارزه‌ای که در پیش دارند، آماده گرداند.

به همین دلیل به دانشسرای مقدماتی سنج رفت و پس از طی این دوره به آموزگاری پرداخت. در دوران معلمی با در دورنج زحمتکشان بیشتر آشنا شد و خشمش نسبت به رژیم خونخوار پهلوی - فزونی یافت اما وی آگاهانه خشمش را به تلاش و فعالیت در راه خلش تبدیل نمود.

خاطرات پربار دوران آموزگاری این معلم شهید را دانش آموزانش هرگز فراموش نخواهند کرد. چندی بعد یحیی برای ادامه تحصیل به دانشگاه تبریز رفت و در طول مدت دانشجویی نیز از - مبارزه با رژیم غافل نماند و به همین دلیل پیوسته تحت نظر و مراقبت ساواک بود.

بعد از اتمام تحصیلاتش به سقز بازگشت و در - هنرستان صنعتی و دانشسرای مقدماتی آنجا به - تدریس پرداخت. آنچه که در امر تدریس برای او - اهمیت فراوانی داشت، بالابردن آگاهی سیاسی اجتماعی شاگردانش بود. او از هر فرصتی برای - افشای رژیم ضد خلقی شاه استفاده مینمود.

تلاشهای این معلم مبارز در افشای رژیم - و ارتقاء آگاهی دانش آموزان و روابط صمیمانه

ای که با شاگردانش داشت، باعث وحشت رژیم و - تبعید او به کرمان و آنجا به تبریز و سپس در - سالهای ۵۵-۵۶ به خرم آباد گشت و سپس حق تدریس نیز از وی سلب گردید.

یحیی از جمله معلمینی بود که به وظیفه تعیین شده از طرف حکومت برای تدریس بی اعتنا بود و به همین دلیل روستائیان ستم دیده اطراف سقز هیچگاه خاطره فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های او را از یاد نمیرند او معلمی بود که درس زندگی را از توده ها آموخته بود و متقابلاً تجربیات و آگاهیهای خود را به آنان می‌آموخت. به همین دلیل در خانه او - در شهر بر روی روستائیان زحمتکش همواره باز بود و او با گشاده رویی و فداکاری یک معلم انقلابی از - آنها استقبال مینمود و راهنمای روستائیان بود - تا آنجا که میتوانست از حل مشکلات آنان کوتاهی نمیکرد.

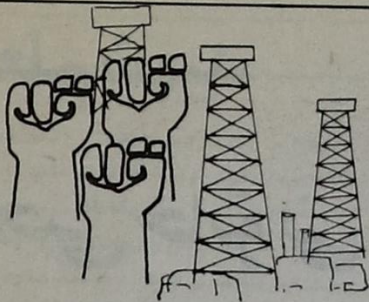
زندگی او در خدمت زحمتکشان بود و قلبش برای رها شدن آنان می‌تپید. شهادت افتخار آفرینش گواه این واقعیت است. و قتی که دهقانان زحمتکش و تحت ستم روستای "کوچتر" با مالکین مرتجع روبرو شدند او بیدارنگ به کمک آنان شرافت

دنباله در صفحه ۲۸



## ۲۸ مرداد

« روزنگ و رسوائی رژیم شاه خائن »



جهت هماهنگی هرچه بیشتر علیه منافع خلقهای ایران بکار گرفتند. اگر آمریکا تا پیش از این میکوشید ایران را به کمکهای مالی و نظامی خود از سوئی و کمکهای دیپلماتی از سوی دیگر امیدوار سازد حال سعی میکرد تا با موضعگیریهای کمابیش تهدیدآمیز ایران را به سازش کامل با امپریالیستها و ادارات و از سوی دیگر رهبری ملی ایران هر چند بر سر منافع ملی پافشاری میکرد تا آنجا که در برخورد با امپریالیسم و پایگاه داخلی یعنی فئودالیسم و سرمایه داری وابسته و هویت سیاسی - ایدئولوژیکی آن یعنی نظام اندیشگی سلطنتی حاکم بر سیاست عمومی ایران، شیوه رفرمیستی را پیشه کرده بود و نمیتوانست جنبش را ارتقاء داده و به بسیج ایدئولوژیکی توده ها و بسیج مسلحانه خلق علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی همت گمارند. در نتیجه فاصله عظیمی بین ذهنیت رفرمیستی رهبری و محتوای جنبش بوجود آمده بود این فاصله و ضرورتا تناقضات ناشی از آن منجر به درهم ریختگی وحدت نیروها از سوئی و مرز بین دوستان و دشمنان خلق از سوی دیگر میشد که در نهایت نیروها را بر سر این یا آن برنامه مشخص مبارزاتی ستیزجویانه در مقابل هم قرار میدهد از سوئی دیگر بخشی از این ستیز را باید در موضع گیریهای چپ و راست سازمانها و احزاب در جبهه خلق جستجو کرده در مثل حزبی ادعای انقلابی بودن داشت بر اساس تحلیل غلط خود از خواستگاه اجتماعی مصدق نمیتوانست درک نماید که چه وظایفی باید در قبال جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی

کودتای ننگین ۲۸ مرداد و حرکات ضد خلقی گردانندگان آن علیه منافع اقتصادی - سیاسی - فرهنگی جامعه ما، برای هراسان انقلابی از جمله روزگاری است که هیچگاه نمیتواند فراموش شود. ابدا چنین وقایعی در ذهنیت انقلابی توده ها هم بیانگرتوحش امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آن میباشد و هم بیانگر حماسه خونین توده های تحت ستم علیه - بیداد امپریالیسم طرح و بررسی چنین وقایعی برای تربیت و تشکل نسل انقلابی ماضور و قاضی است انکار ناپذیر و اعتقاد داریم که هر جریانی مردمی میباشد با نگرشی واقع گرایانه نقد و بررسی اینگونه مسائل نشسته و آن شرایط عینی و ذهنی را که سبب تکوین آن بوده در پس و پشت حوادث بیرون کشند. اما کدام شرایط بود که ۲۸ مرداد را در بطن خود پرورش میداد و سرانجام امکان تحقق آن را بوجود آورد؟ حقیقت آن است که دوا امپریالیسم انگلیس و آمریکا بر بستر تناقضات و تضادهای امپریالیستی خود پس از جنگ دوم جهانی بطور عام، و بر سر بازار و منافع نفتی ایران بطور خاص سرانجام به توافق رسیدند این توافق از سوی دیگر نمیتوانست بی ارتباط با محتوای انقلابی جنبش خلق هم باشد. به بیان دیگر وقتی امپریالیستها دریافتند که جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران روز به روز گسترده تر میشود و توده ها سمت و سوی رادیکالتری به خود میگیرند بویژه پس از مقاومت دلاورانه خلق در ۳۰ تیر مصمم تر از پیش توافق کردند که جنبش خلق را در خون توده ها به شکست کشانند. بنا بر این تمام سعی و کوشش خود را در -



## معلم

بودند. تظاهرات ادامه داشت اما از آنجا که این یا آن گروه علیه همدیگر شعار میدادند و به همدیگر حمله میکردند مصدق دستور لغو هرگونه تظاهرات و میتینگ را صادر کرد. و بدین سان نیروی کودتاگرا نتوانست آرام شدن خیابانها استفاده نماید و روز ۲۸ مرداد با کمک ارتش ضد خلقی و اوباشان حرفه‌ای به کودتا شکل دادند. رئیس شهر بانی با کودتاچیان بود و در اندک زمانی نیروهای پلیس به کودتاچیان پیوستند و پس از آن اوباشان شعار زننده باد شاه را در شهر سردادند و بدین سان ۲۸ مرداد، روز تنگ و رسوائی امپریالیسم و حامیان داخلی اش در خون توده‌ها به وقوع پیوست و ضربات جبران ناپذیری بر جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران وارد ساخت.

ماضی گرامی داشت خاطره حماسه خونین تمامی شهیدان ۲۸ مرداد و ضمن سپاس مندی از تمامی آن - رزمندگان که تمامی تلاش خود را برای مقابله با نیروهای کودتاگر بکار بردند، بکبار دیگر تاکید مینمائیم که درس آموزی از تجربیات گذشته زمانی میتواند در انگشای مادر پیشبرد اهداف انقلابی باشد که هرچه بیشتر صفوف متحد خود را بر اساس اصول موازین ضد امپریالیستی محکم نموده و تمامی نیرو و توان خود را برای نابودی امپریالیسم بکار گیریم باشد که با گسترش آزادیهای دمکراتیک و درک منافع خلق، ایرانی آزاد و دمکراتیک بنا سازیم.

ایران ایفاء نماید. توده‌ها این توده‌های تشنه آزادی و استقلال که در عرصه زندگی سیاسی از این همه نا اتحادی به تنگ آمده و شور انقلابی خود را از دست میدادند مهمترین ویژگی روانشناسی اجتماعی بود که کودتاگران را در تحقق اندیشه‌های ضد بشری خود بیشتر معتقد میکرد و دیدیم که سرانجام بر ما آنچه رفت که شمره اش غارت و چپاول سالیان دراز بود.

کودتای ننگین ۲۸ مرداد توطئه‌ای بود که " اشرف پهلوی " با " آلن دالس " و " شوارتسکوف " نمایندگان ایالات متحده علیه ایران چیده شده بود کودتایی که با همکاری و همکامی فرماندهان - مزدور ارتش ضد خلقی و بسیاری از سرانی که در - حاکمیت حضور داشتند تحقق پیدا کرد شاه فرمان عزل مصدق را بدست نصیری خائن فرمانده گارد شاهنشاهی داده بود سرهنگ مزدور نیمه شب ۲۵ مرداد با کمک افسران سرسپرده خود وزرای مصدق را بازداشت نمود پس از آن عازم خانه مصدق شد که در آنجا توسط مصدق بازداشت میگردد مصدق پس از آن دست - بازداشت افسران و خلق سلاح گارد شاهنشاهی را - میدهد. شاه خائن از ایران بسوی بغداد فرار میکند. پس از این واقعه و پیش از آن در واقعه ۳ - تیر آگاهی مردم نسبت به خیانت‌های رژیم - شاهنشاهی بیشتر میشود اما مصدق همچنان در بند نظام شاهنشاهی گرفتار بود مردم به خیابانهای ریخته

پرتوان باد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران



## انحلال آموزش و پرورش کردستان نقض آشکار حقوق دمکراتیک فرهنگیان

هم میهنان مبارز!

مروری کوتاه بر سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش پس از قیام پرشکوه خلق، نشان می‌دهد که مسئله اخراج و تصفیه معلمان مبارز و آگاه، هر روز ابعاد گسترده‌تری بخود می‌گیرد.

اگر در آغاز، تصفیه شامل تنی چند از معلمان مترقی در نقاط مختلف میهنان می‌گردید، پس از چندی اخراج این قبیل معلمان بصورت دسته‌جمعی در سراسر کشور شروع شد و امروز در پی تشدید و گسترش این سیاست‌های نادرست، شاهد نیم‌کلیه ادارات آموزش و پرورش کردستان - جز قروه و بیجار - رسماً از طرف وزارت آموزش و پرورش منحل اعلام می‌گردد و تمامی معلمان و فرهنگیان این استان که حدوداً شامل ۱۲ هزار نفر می‌باشند اخراج میشوند.

چنین اقدامی ارتجاعی که مغایر با کلیه موازین حقوقی، قانونی و انسانی و برخلاف منافع توده‌های زحمتکش خلق می‌باشد، وسعت سرکوب‌آزادی‌ها و نقض حقوق اساسی انسانی را به روشنی نشان می‌دهد.

در حالیکه ظاهراً بموجب قانون اساسی دولت موظف به فراهم ساختن امکانات شغلی برای افراد جامعه می‌باشد، چگونه وزارت آموزش و پرورش چنین غیرمسئولانه، ۱۲ هزار نفر از فرهنگیان کردستان را از کار برکنار می‌نمایند؟

معلمان کردستان بعلت نقش فعالی که در آگاه کردن توده‌های خلق کرد به عهده داشته‌اند، همواره در دوران رژیم جنایتکار پهلوی در معرض اخراج و تبعید بوده‌اند بطوریکه یک بار در سال ۱۳۴۵ و بار دیگر در سال ۱۳۴۸ رژیم ضد خلقی شاه به انتقال و تبعید دسته‌جمعی معلمان کردستان به نقاط دور

دست اقدام نمود اما مقاومت و مبارزه معلمان انقلابی هر بار توطئه‌های شوم رژیم را نقش بر آب ساخت.

پس از قیام بهمن ماه به دنبال حملات گسترده و مکرر ارتش و پاسداران به کردستان و سرکوب خلق مبارز و ستم‌دیده کرد، معلمان انقلابی فعالان در راه مبارزه با فرهنگ استعماری و بی‌ریزی - فرهنگ انقلابی تلاش ورزیدند، شورا‌های مدارس و معلمان را بوجود آوردند، در راه خواستهای عادلانه و برحق خلق خود پای فشردند، به ارتفاع سطح آگاهی انقلابی دانش‌آموزان و مردم زحمتکش کردستان پرداختند، آزادی عقیده و فعالیت‌های سیاسی را در محیط‌های آموزشی برقرار نمودند و بدین ترتیب در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی خلق، نقش فعال را بر عهده گرفتند. اما وزارت آموزش و پرورش که در طول فعالیت یکسال و نیم خود تنها قدمی در راه تغییرات بنیادی نظام آموزش استعماری برنداشت، بلکه با عملکردهای نادرست خود دست‌آوردهای مبارزات خلق را نیز مورد حمله قرار داد، با اقدامات انقلابی معلمان کردستان نمیتوانست هم‌آهنگی داشته باشد و از همین رو بصورت‌های مختلف به ایجاد فشار و تضییقات گوناگون برای این معلمان پرداخت.

هنوز آوارگی ۶۰۰ نفر از معلمان کامیاران، تعطیل مدارس، نابودی شوراها و ..... در یادها باقی است که این بار آموزش و پرورش کردستان منحل و کلیه معلمان و کارکنان اداری آن اخراج می‌گردند بی آنکه دلیل موجهی برای این اقدام مرتجعانه خود ارائه دهند.



## معلم

خلق ها تلقی میکنند و حمایت و پشتیبانی هموطنان  
آگاه خود را از معلمان اخراجی مبارز پشیمان  
محکمی در راه مقابله با چنین شیوه های سرکوب  
و ارباب میدانیم .

ما اخراج و تصفیه معلمان مبارز را در سراسر  
کشور بویژه انحلال آموزش و پرورش کردستان و -  
اخراج کلیه معلمان و کارمندان اداری آن را گامی  
در جهت تحکیم فرهنگ استعماری، جلوگیری از رشد  
و شکوفایی فرهنگ انقلابی و نقض حقوق دمکراتیک

کانون مستقل معلمان تهران

مسئولین آموزش و پرورش بجای آنکه بیکرانه پاکسازی  
محیط های آموزشی از عوامل ساواک و وابستگان به رژیم  
سابق را دنبال کنند به اخراج ، تبعید و بازنشسته کردن  
معلمان متوقفی و مبارز بدلیل عقیدتی پرداخته اند .  
آیا این است مفهوم مبارزه با فرهنگ استعماری و  
پی ریزی فرهنگی انقلابی !



## ایجاد محدودیت برای کانون بمنفع چه کسانی است؟!؟

بمنظور پیگیری مسئله و اعتراض به این عمل، نمایندگان کانون به کمیته شماره ۶ که در نزدیکی دفتر کانون قرار دارد مراجعه نموده و واقع را شرح دادند. مسئول کمیته از این جریان اظهار بی اطلاعی نمود و همکاران ما را به مرکز اطلاعات سپاه پاسداران (پادگان عشرت آباد) رجوع داد. در آنجا نیز از جریان امر اظهار بی اطلاعی کردند و شماره تلفنی را در اختیار همکاران ما قرار دادند تا از آن طریق اقدام نمایند.

ما این باصلاح بازرسی را که بدون حکم دادستانی یا هیچ مجوز قانونی دیگر صورت گرفته است نقض آشکار حقوقی میدانیم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد آزادی فعالیت انجمن های سیاسی و صنفی (اصل ۲۶) و مصونیت حقوق اشخاص (اصل ۲۲) تصریح شده است. از اینرو ضمن محکوم نمودن اینگونه اعمال، مصرا نه از مسئولین امور می خواهیم که نسبت به نقض آزادی های دموکراتیک که توسط افراد و دستجاتی زیر پوشش های گوناگون انجام میگردد، بی تفاوت نباشند و در قبال حفظ آزادی ها احساس مسئولیت کنند.

گذشته و حال کانون مستقل معلمان نشان میدهد که این کانون تا بحال هدفی جز دفاع از منافع و حقوق معلمان و مشارکت در مبارزات قلم امپریالیستی مردم را دنبال نکرده است. حال برعهده هزاران معلم زحمتکش و همه هموطنان مبارز است تا قضاوت کنند که ایجاد محدودیت برای کانون به نفع چه کسانی تمام خواهد شد!

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۵/۱۱

ظهر روز چهارشنبه اول مرداد ماه چند نفر با لباس شخصی (که دو نفر از آنها نیز مسلح به کلت بودند) بدون ارائه هیچ نوع مجوز و یا کارت شناسائی، به دفتر کانون مستقل معلمان تهران وارد شده و بی مقدمه و با سرعت چند نفر از اعضاء و مسئولین کانون را که در دفتر حضور داشتند در یک اتاق جمع نمودند و سپس خود سرانه کیفهای آنها را بازرسی کرده و قسمتی از محتویات آنها را همراه با تعدادی از نشریه ها، اعلامیه ها، آرشیو عکس، آرشیو اخبار، نشریه شماره ۱۵ (که آماده برای تحویل به چاپخانه بود) و برنامه هفتگی کانون که از "بازرسی" اطاقها بدست آورده بودند با خود بردند حتی از حاضرین خواستند که نشانی محل سکونت خود را بدهند ولی چون همکاران ما ابتداء تقاضای کارت شناسائی آنها را کرده بودند، از این امر منصرف شدند.

در آن روز علی رغم تأیید و اصراری که مادر - ارائه کارت شناسائی یا حکم دادستانی از طرف این افراد داشتیم و با آنکه بارها از آنها خواستیم که در جریان بازرسی اطاقها یکی از اعضای کانون نظارت داشته باشد و آنچه را که از کانون بیرون میبرند صورت برداری نمایند، آنها کوچکترین توجهی نکرده و به این پاسخ اکتفاء نمودند که "در پایان بازرسی حکم دادستانی را نشان خواهیم داد!" و "لزومی به نظارت بر بازرسی و صورت برداری نمی بینیم". آنها پس از "بازرسی" کانون را ترک کردند و هنگام خروج یکی از آنان کارت خود را با سرعت بیکی از همکاران ما نشان داد - بطوری که آن همکار فقط توانسته بود رنگ و اندازه کارت را ببیند.



## تنبیه انضباطی و دانش آموزان فعال مدارس

آری، مسئولین آموزش و پرورش به شور و اشتیاق دانش آموزان برای حرکت در مدرسه، تبدیل کلاسها و صحن مدرسه به کانون مبارزه ضد امپریالیستی، به جدیت و کوششی که محصلین مبارز در جهت کسب آگاهی بیشتر و گسترش آن در میان دانش آموزان از خود نشان میدهند، اینگونه پاسخ میگویند. وقتی سیستم آموزش و پرورش نسبت به گذشته تغییر اساسی نکرده است، طبیعی است که نماینده دانش آموزان بودن و فعالیت سیاسی در مدرسه بی انضباطی به حساب میآید.

در نامه دیگری که از یکی از دانش آموزان دبیرستان دخترانه خوارزمی (شماره ۲) بدست ما رسیده است ذکر شده که دانش آموزان فعال این مدرسه بویژه کسانی که در تشکیل شورای دبیرستان نقش برجسته داشته و بعنوان نمایندگان منتخب دانش آموزان در شورای فعالیت میگردند با وجودیکه در کلاسهای خود حاضر میشده اند و خلایقی که مستوجب کم شدن نمره انضباطشان باشد از آنها سر نزده است. وقتی کارنامه خود را تحویل گرفتند، برخلاف انتظار شان مشاهده کردند که نمره آنها را از حد معمول کمتر داده اند. برای مثال به محصلینی که اکثر نمراتشان از ۱۸ به بالاست (و این خود نشان دهنده توجه آنها به درس و نتیجتاً ملاکی بر منضبط بودن آنهاست) برای هر سه نمره نمره انضباط ۱۵ رد کرده اند به طوریکه همین نمره باعث کاهش معدل آنها شده است لازم به یادآوری است که شورای این دبیرستان از معدود شوراهایی بوده که با پشتیبانی دانش آموزان این مدرسه، تا حدودی قدرت اجرایی داشته و خواست محصلین را پیش میبرد است.

دنباله در صفحه ۲۸

یکی از حربه هایی که توسط مسئولین بسیاری از مدارس در مقابل دانش آموزان فعال و مترقی در سال تحصیلی گذشته بکار گرفته شده، تهدید به کم کردن نمره انضباط آنها در طول سال و بالاخره عملی کردن این تهدید بوده است. نمونه برجسته این عمل در دبیرستان دخترانه دکتر شریعتی (شاهدخت سابق) واقع در ناحیه ۴ انجام شده است. این مدرسه بدلیل بالا بودن نسبت تعداد دانش آموزان آگاه و مترقی و نتیجتاً گسترش فعالیت های دموکراتیک و سیاسی در مدرسه، یکبار توسط وزیر آموزش و پرورش منحل اعلام گردید و دوباره از دانش آموزان ضمن گرفتن تعهد ثبت نام شد، با وجود این در پایان سال کارنامه های حدود دوسوم از محصلین این مدرسه با نمرات انضباطی بین ۴ الی ۱۲ مزین شده بود. در قسمتی از نامه ای که یکی از دانش آموزان این دبیرستان برای مافرتاده آمده است: "ثلث اول نمره انضباط دانش آموزان بالای ۱۲ میباشد (ناظم دبیرستان رد کرده است) ولی ثلث دوم که توسط رئیس ناحیه ۴ و قائم اخباری (مسئول امور پرورشی مدرسه) تنظیم شده است نمرات حول ۸ تا ۱۰ میباشد. ثلث سوم نیز بدنبال ثلث دوم نمرات حول ۴/۵ تا ۱۳ آورده اند! در این میان تنها به دانش آموزان کلاس چهارم این لطف را کرده اند که با آنها کمتر از ۱۰ داده اند و نمرات بین ۱۰ الی ۱۴ است. نمایندگان دانش آموزان و کسانی که فعالیت های سیاسی در مدرسه داشته اند، کمترین نمرات را گرفته اند، بعنوان مثال نمره انضباط یکی از نمایندگان سال سوم باین شرح است: "ثلث اول ۱۰، ثلث دوم ۱ و ثلث سوم ۴/۵".

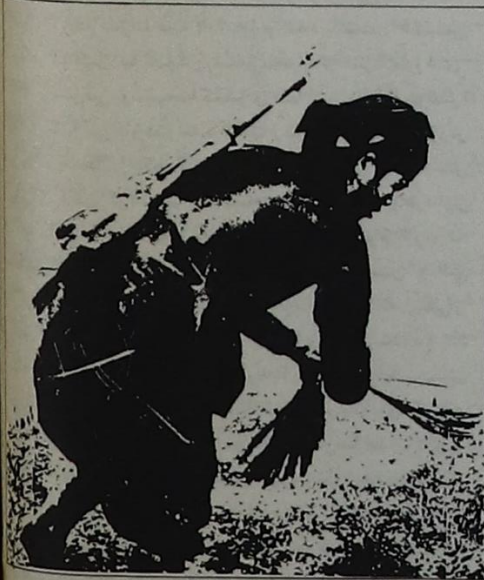


## ● مقاله‌ای از یک دانش آموز

## امپریالیسم چیست؟

منافع دست به هرکاری زده و با ملت‌های کُـ می‌خواهند خود را از زیرستم امپریالیست‌ها و دست‌نشانندگان رها نمایند مبارزه کنیم .

دردوره حکومت پیشین کشاورزی و صنعت ایران که می‌توانست ایران را کشوری نه تنها بی نیاز بلکه کمک‌کننده به کشورهای نیازمند سازد روبه زوال و نیستی رفت . تقریباً کشور ما کشاورزی خود را از



دست‌داد و صنعت هم تنها به صورت صنایع مونتان بود و وسائل اولیه آن از خارج وارد می‌شد و آن وسائل همان‌طور که می‌بینیم بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها از کار می‌افتند .

این موضوع نه تنها فقط در مورد صنعت بلکه در همه موارد بخصوص از نظرات اقتصادی صدق می‌کند یعنی الان ایران چون کارخانه‌های زیادی در حال دنباله در صفحه ۲۸

تاکنون بارها کلمه امپریالیسم را در مطبوعات ، رادیو و تلویزیون و خلاصه وسائل ارتباط جمعی شنیده ایم و در موقعیت کنونی لازم است که همه بدانند با چه چیزی مبارزه میکنند و معنی آن چیست و چون این روزها مردم درگیر و در مبارزه با امپریالیسم هستند باید آن شناخت کافی داشته باشند . بنابراین من با شناخت سطحی که دارم سعی می‌کنم آنچه را که فکر می‌کنم عرضه کنم تا به درستی یا نادرستی حرف‌خویش واقف شوم :

امپریالیسم یعنی سرمایه داری به حد نهایت آنرا به صورتی دیگر نیز می‌توان تعریف کرد : امپریالیست‌ها یعنی طرفداران مکتب امپریالیسم به کشورها یا اشخاصی می‌گویند که با محتاج کردن دیگر کشورها به خود ، موجب میشوند که ملت‌ها و - کشورها به آنان وابستگی پیدا کنند و اگر روزی این وابستگی قطع شود کشور‌های وابسته به شدت در مضیقه قرار خواهند گرفت . یکی از امپریالیست‌ها آنی که ما امروزه با آن سروکار داریم آمریکا است . مثلاً مصر و اسرائیل دو کشور وابسته به آمریکا - هستند ولی جزوی از خاک کشور آمریکا نیستند . و به ظاهر دو کشور مستقلند ولی اگر دقیقاً این دو کشور را بررسی کنیم می‌بینیم که به آمریکا وابسته هستند در سیاست و اقتصاد از آمریکا پشتیبانی می‌کنند چون زندگی آنها به زندگی آمریکا وابسته

است . کشورهای امپریالیستی هیچ‌گاه حتی اگر به ظاهر برای کمک به کشورهای دیگر در امور آنها دخالت می‌کنند قصد اصلی آنها کمک و پیشرفت دیگر کشورها نیست چون امپریالیست‌ها از آن موضوع در بیم و هراسند که دیگر کشورها مانند آنان قدرتمند شوند و با آنان به رقابت بپردازند . امپریالیسم - علناً می‌گوید : برای حفظ منافع خویش در کشور - های دیگر نفوذ کنیم و برای از دست ندادن این



## • معرفی کتاب

بچه‌های زورآباد نویسنده: م. اخگر

خواننده می‌دهد که با اختلاف عظیم طبقه‌های درجه‌ای خود آشنا شود. داستان تیپ‌های مختلف زحمتکشان را نشان می‌دهد که وجه مشترکشان اسارت در بندهای مناسبات ظالمانه‌ها می‌باشد. ولی هر یک بنا بر خصوصیات خود در برابر آن عکس‌العمل‌های متفاوتی نشان می‌دهند. اصغر که شاگرد فروشگاه بزرگ است، حالت پرخاشگرانه‌ای نسبت به این مناسبات دارد. این حالت باعث می‌شود که او نه چندان آگاهانه، ولی به شکلی این روابط را به زیر سؤال بکشد: "چرا آدم بخاطر پول خودشو سبک کنه؟ اصلا من هرچی آدم خربوله بدم می‌اد. چون اونا فکر میکنن که خودشون آدم‌ها!"

ولی مشق اسم اینطور نیست. فشار زندگی بر کرده او چنان سنگینی میکند که مجالی برای تأمل در این روابط برایش باقی نگذاشته است! او که حریف مسببین بدبختی‌ها نیست و اصولاً بفکر شناختن آنها هم نیست، خشم خود را در خانه نشان می‌دهد و به کوچکترین بهانه‌ای زتش را به باد کتک می‌گیرد، اما بعد از فرونشستن خشم متوجه خطای خود میشود. زیرا اگر او دشمن اصلی خود را در دست نمی‌شناخسد و راه مقابله با او را نمیداند، ولی زتش را بخوبی می‌شناخسد و میدانسد که زتش نیز همان موقعیت او را در زندگی دارد.

اصغر بعزت جوانی و بدلیل اینکه هنوز مثل مشق قاسم بشدت در جنبه مشکلات گرفتار نشده، بیشتر در رویدادها تأمل میکند. این تأمل او را به تفکر بیشتر میکشاند و شاید برادری، دوستی یا فامیلی او را در این راه کمک میکند. او که فقرا را محله‌اش را از نزدیک لمس میکند و با کار در شهر و نماهای تجمل زندگی ثروتمندان، هر روزه اختلاف زندگی

محلات حاشیه شهرهای بزرگ و صنعتی مسائل و مشکلات خاص خود را دارند. این محلات بی‌قواره و کج موج از ابتدائی‌ترین خدمات شهری محروم هستند. بدینسان این محلات در بسیاری از شهرها ناشی از وجود کارخانجات و کارگاه‌هایی است که از سالها پیش بیکاران روستاها و شهرهای سنتی را بخود جذب کرده اند. این نیروهای کارآرزان بعزت استعمار شدید نمیتوانند از عهده تأمین مخارج یک زندگی کاملاً معمولی بآیند. شاید عجیب بنظر آید و واقعیتی است که اهالی زحمتکش این محلات در شرایطی بسر می‌برند که درخورشان هیچ انسانی نیست! در همین تهران بمائله چند کیلومتر از خیابان انقلاب محلاتی از این قبیل فراوانند. گودها و غارهای جنوب تهران، شهرک دولت‌آباد، محله شمیران نو و شهرک‌های - جاد، ساوه و از این نمونه‌اند. مردم این محلات در رژیم متحوس شاهنشاهی در سخت‌ترین شرایط ممکن زندگی میکردند و به همین علت فعالانه در قیام خونین بهمن ۵۷ شرکت نمودند. فتح بسیاری از - بادگاه‌ها و مراکز سرکوب رژیم پهلوی بدست توانای این مردمان شریف میسر گردید. ریشه‌یابی علل فقر و مشکلات مردم این محلات و بازگ کردن آن از وظایف نیروهای آگاه و انقلابی است. تاکنون در فرم داستانهای کودکان و نوجوانان کوشش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است.

نویسنده قصه "بچه‌های زورآباد" نیز مایه نموده خود را از زندگی مردم یکی از این محلات یعنی زورآباد کرج گرفته است. قصه با ترسیم زندگی یک کارخانه دار شروع میشود. خدمتکاران این کارفرما با مرور خاطرات دردناک گذشته خود و مقایسه آن با زندگی کارخانه دار، این امکان را به





زحمتکشان و شروتمندان را از نزدیک میبیند، سئوالاتی از این قبیل در ذهنش مطرح میشود: "خب اگر اون کار کردن منم کار میکنم، پس چرا پولدار نمی شم، بیا دستا مونیگا کن! پس لابد حساب دیگه ای تو کاره" اصغر ظالمانه بودن مناسبات اجتماعی را با پوست و گوشت واستخوان خود لمس میکند. زیرا هر روز و هرساعت با آن درگیر است. اما راه مقابله با آن را نمیداند. ولی دیگری هست که راه را نشان بدهند، کسانی که قبل از او به آگاهیه رسیده اند. اصغر دائماً از خود سئوال میکند و بتدریج توجه بیشتری به رویدادهای اطراف خود میکند.

وقتی که به مناسبتی قیافه کارخانه دار و مشقاسم جلوی چشمش میآیند، با خود میگوید: "فرق این دو نفر با هم چیه؟ چرا با یکی اینقدر داشته باشد که نتونه خرج کنه؟ یکی هم نتونه به گالش بخره؟ باید چکار کرد؟" سئوال کننده همیشه بدنبال پاسخ میرود و بالاخره آنرا خواهد یافت! بیاد حرفهای برادرش می افتد که گاهی او را به کتاب خواندن تشویق میکرد: "فلان کتابو بخون هرچند که همه میکنن برا بچه ها نوشته شده، اما هنوز خیلی از بزرگترها معنی اونو نمی فهمند!" به کتاب فروشی میرود و کتابی را که برادرش بارها او را به خواندن آن ترغیب کرده بود میخرد. "ماهی سیاه کوچولو"

قصه در همین جا تمام میشود و این پایان خوبی است زیرا قهرمان داستان از دایره شناخت سطحی جامعه اش بیرون میآید و برای درک عمیقتر مناسبات اجتماعی خود را به سلاح آگاهی مسلح میکند.

\* \* \* \* \*

قصه با نشان دادن عادات کارخانه دار و خانواده اش ریخت و پاش آنها، عوض کردن میل هایشان در هر سال و .... و تصویر محرومیت خانواده ای که از خریدن یک جفت کفش برای بچه هایشان عاجزند، تضاد دو زندگی را بخوبی نشان داده است. تماویری که از زندگی در محله زورآباد در کتاب چاپ شده، به درک بهتر زندگی در این نوع محلات کمک میکند. از ضعف های عمده این کتاب این است که در دو

جا یکی از آدمهای قصه با دوپزشک روبرو میشود که هر دو افراد منفی ویی دردی معرفی شده اند. برای خواننده این تصور پیش میآید که دکترها همه چنین روحیه ای دارند. در حالیکه اینطور نیست و مسلماً نویسنده کتاب نیز چنین منظوری نداشته است.

\* بسیاری از کتابهای ادبیات معاصر کودکان ایران نیز در این زمینه نوشته شده اند از جمله: آبشوران از علی اشرف درویشیان - من میدانم بچه ها دوست دارند بهار بیاد: اثر نسیم خاکسار.



## با تحکیم صفوف خود از کودتاهای خائنانه جلوگیری کنیم

اعضای کانون مستقل معلمان تهران ضمن محکوم کردن کودتای خیانتکارانه عوامل مزدوران - امپریالیسم برای خنثی کردن کودتاهای احتمالی آینده معتقدیم که باید با گسترش آزادیهای دموکراتیک صف پراکنده خلق را به صف یکپارچه خلق تبدیل نموده تا مردم در عمل و نظریه ضرورت مبارزه هرچه وسیعتر با عوامل دست نشانده امپریالیسم آگاهی یابند. ما معتقدیم هرچه آزادیهای دموکراتیک بیشتر گسترش یابد، مبارزات ضد امپریالیستی میهنان ابعاد گسترده تری خواهد یافت و شوراهای واقعی را در کلیه نهادها ابزاری علیه امپریالیسم میدانیم. پس بکوشیم تا مانیز به سهم خود با تشکیل شوراهای واقعی در مدارس و با افشای هرچه بیشتر عوامل سرسپرده امپریالیسم توده های میلیونی دانش آموزان و معلمان را پر خروش و پرتوان حول مسائل دموکراتیک و ضد امپریالیستی متشکل نمائیم.

کانون مستقل معلمان تهران

پرتوان باد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای  
ایران.

کشف کودتای خیانتکارانه در درون ارتش جمهوری اسلامی نشان دهنده این حقیقت است که امپریالیسم آمریکا از هیچ کوششی در جهت بوجود آوردن یک حکومت دست نشانده خود در ایران فروگذار نمیکنند تلاش آمریکا و عناصر دست نشانده اش به روشنی نشان میدهد، ارتش که بوسیله امپریالیستهای آموزش دیده همواره برای حفظ منافع اربابان خود تلاش میورزد. تغییر ندادن سیستم ارتش و خیال اینکه ارتش ملی و اسلامی شده و یا عدم تبلیغ فرماندهان مزدوران ارتش، مخالفت با شوراهای واقعی در ارتش از عواملی هستند که امپریالیستها برای تثبیت موقعیت خود از آن سود میجویند. تا زمانیکه سیستم ارتش به این شکل حفظ شود شاهد کودتاهای بیشتری خواهیم بود. بعد از قیام پر شکوه میهنان هربار با عملکردهای توطئه گرانه عوامل امپریالیسم روبرو بوده ایم که این عملکردها بر بستر تبلیغات علیه انقلابیون ضد امپریالیست، گسترش جو تفرقه در بین جنبش خلقهای میهنان، حمله به دانشگاهها، بی محتوا کردن نواها، حمله به کردستان، گنبد، اخراج علمین، استادان دانشگاه، دانشجویان و دانش آموزان مبارز، عدم تصفیه کامل عناصر وابسته به رژیم سابق، سپردن مقامات حساس مملکتی دست عوامل مشکوک و دریک کلام نفی خصومت دموکراتیک انقلاب، به امپریالیستها و عوامل داخلی و خارجی آن امکان هرگونه توطئه ای را داده است. می بینیم که به بختیارها این عوامل سرسپرده امپریالیستها امکان میدهد که برای به دست کشیدن انقلاب و روی کار آوردن سیستم حکومتی دست نشانده بیش از هر زمان دیگر تلاش ورزند. ما



## تنبيه انضباطی و .....

بتدریج آماده میکنند، بدلیل اعتراض به اخراج معلمان و .... حقان اینچنین با یمال شود؟- البته در این میان نکته‌ای نیز قابل ذکر است و آن اینکه در بسیاری از مدارس که خواسته‌اند تمرکز انضباط محصلین فعال را کم کنند بدلیل اعتراض معلمان مرفقی، موفق به اینکار نشده‌اند و در مدارس که اینگونه به حق دانش‌آموزان اجساد شده است، گویا از معلمین ترقیخواه خبری نبوده است و یا عملکردی در این زمینه نداشته‌اند. بهر حال شکی در این نیست که محصلین فعال و مبارز ما بعد از شعور و آگاهی دست یافته‌اند که نه تنها با اینگونه حرفه‌ها از میدان بدر نمیروند بلکه هر قدر که با آنها بیشتر فشار وارد شود، به ضرورت مبارز ما امیرالایسم جهانی و ضرورت نابودی نظام پیوسیده فرهنگ استعماری بیشتری میبند و فعلاً نه تنها بکار خود ادامه میدهند. آنها بخوبی درمی یابند که بکارگیری این شیوه‌ها از طرف مسئولین مدرسه نشانگر ناتوانی آنها در مقابله با نیروی پرتوان دانش‌آموزان و در واقع تلاش مذبحانه‌ایست برای کند کردن حرکت این سیل پرغروش.

نابودیا دنظام پیوسیده فرهنگ استعماری

مسئولین دبیرستان لابد به خود حق میدهند که این محصلین را بی انضباط قلمداد کنند چرا که هنوز بر طبق ضوابط پیوسیده گذشته مدرسه را اداره میکنند و بی دلیل نیست که نمایندگان شورارانیه تشویق بلکه تنبیه انضباطی مینمایند! مورد دیگری را از دبیرستان فرزانه درنا حیه انتخاب کرده‌ایم. در این مدرسه به تمامی دانش‌آموزانی که به اخراج یکی از معلمین مرفقی معترض شده و اعتصاب کرده بودند ثلث اول و دوم نمره انضباط زیر ۱۰ داده شده و ثلث سوم حداکثر نمره انضباط های آنها ۱۲ میباشد. البته مسئولین دبیرستان جرم دیگری نیز برای آنها ثبت کرده‌اند و آن فروش روزنامه سیاسی در مدرسه بوده است! برآستی جای تاسف نیست وقتی نیروهای جوان و پرشور ما که پس از سرنگونی شاه دیکتاتور، جان تازه‌ای گرفته و نخستین حرکت‌های خود را در مدرسه آغاز میکنند، حتی ساعاتی تفریح خود را بجای استراحت به فعالیتهای آگاه‌گرانه میپردازند، در تشکل همسالان خود میکوشند و آنها را برای مبارزه ای سخت و طولانی با امیرالایسم جنایتکار آمریکا

## امیرالایسم چیست؟

کار ندارد و صادراتی به جز نفت ندارد و این چیزی است که قدرتهای جهان میخواهند که ما محتاج آنان باشیم. بنابراین امروزه ما باید سعی کنیم که چرخ از گردش باز ایستاده اقتصاد کشور را بکار اندازیم. اگر ما میخواهیم واقعا مبارزه کنیم نباید با هر تهدید خود را از مبارزه کنار بکشیم. وظیفه امروز هائیرانی این است که با امیرالایسم مبارزه کند. چون اگر نکنند هرگز موفق نخواهد شد که از زیر یوغ ستم امیرالایسم خود را نجات دهد.

دانش‌آموز کلاس دوم راهنمایی  
۱۳۵۹/۲/۱۰

## معلم شهید .....

و همراه آنان به مقابله با ارتجاع پرداخت اما سینه مالامال از عشق و علاقه‌اش به زحمتکشان در تاریخ ۵۸/۵/۲۶ با تیر اربابان مرتجع شکافت شد. در اولین سالگردشاهدش یادش را گرامی می‌داریم و تلاش را در راه رهائی خلق، پاس میداریم



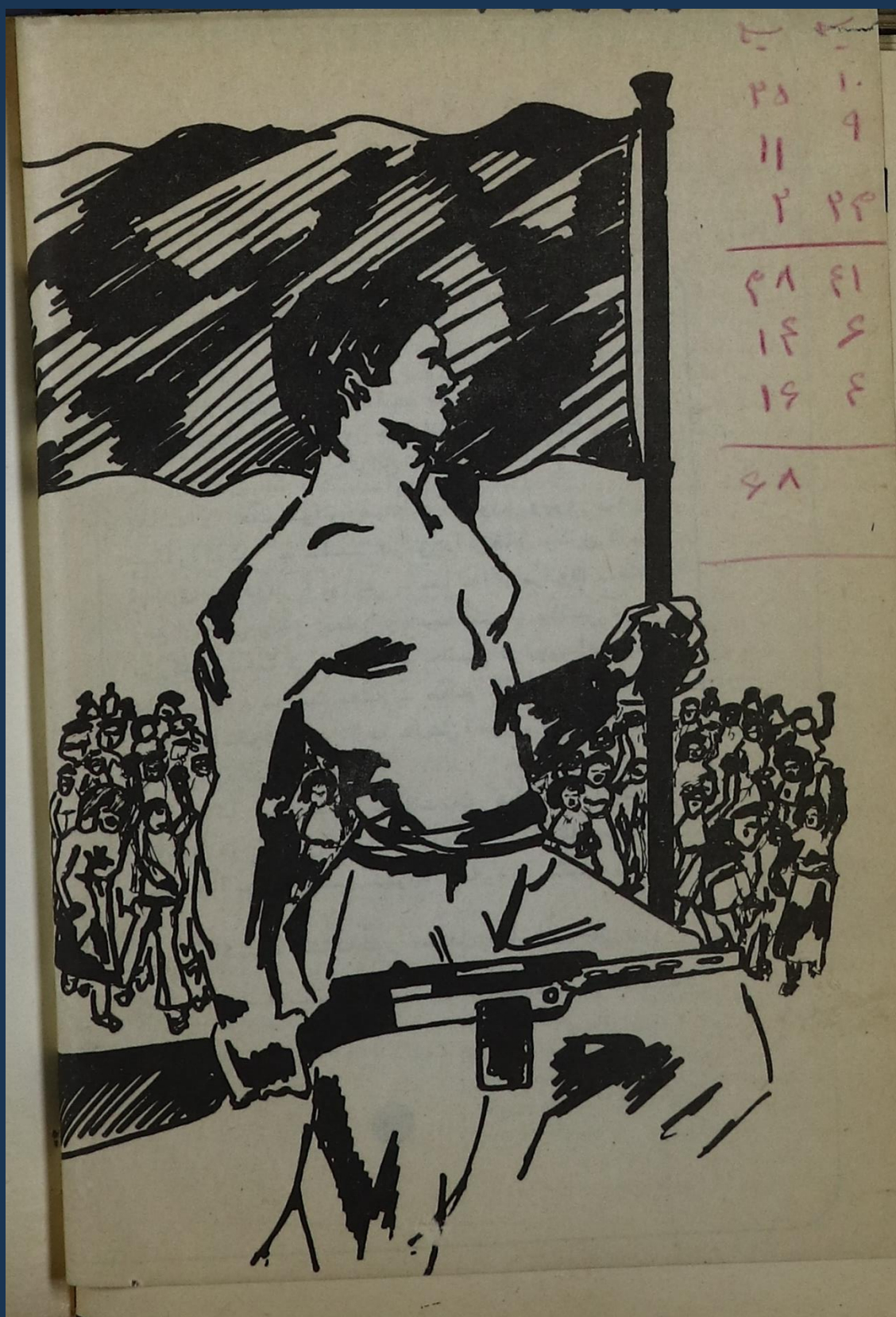
### توضیح

نشریه شماره ۱۵ که آماده چاپ بود با بازرسی  
دفتر کانون در روز چهارشنبه اول مرداد برده  
شد مطالب مندرج در این شماره:

مقاله‌ای تحت عنوان "برنامه آموزش و پرورش در-  
نیکاراگوئه" - مطلبی در مورد انتقال زنان کادر  
اداری به کادر آموزشی - مقاله‌ای مربوط به  
وضع زندگی و کار معلمان ابتدائی - مطلبی در-  
بزرگداشت قیام ۳۰ تیر - مطلبی در مورد اخراج  
دانشجویان تربیت معلم - معلم شهید (مرضیه  
احمدی اسکویی) - نامه دانش‌آموز - معرفی کتاب  
یادبود دکتر شریعتی و ....  
از آنجاکه پیش‌نویس مقالات نیز همراه با آرشيو  
موجود در کانون بدست "بازرسان" افتاد موفق  
نشديم آنها را ضمیمه نشریه شماره ۱۶ بکنیم.

کمیته نشر کانون مستقل معلمان تهران





پژوهشگر  
جنبش معلمان